

دکتر اردشیر امیر ارجمند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حفاظت از محیط زیست

و همبستگی بین المللی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست مطالب

مقدمه

۱. پیدایش و تحول حقوق بین الملل محیط زیست
۲. «حق بر محیط زیست» و نقش آن در توسعه حقوق بین الملل

محیط زیست

۳. حفاظت از آبهای شیرین
۴. حفظ تنوع بیولوژیکی
۵. حفاظت از لایه اوزون
۶. کاهش تغییر آب و هوا
۷. تقلیل آلودگی هوا
۸. تحکیم امنیت اتمی
۹. حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه

نتیجه

ضمائم



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

رشد فوق العاده جمعیت، اثرات منفی بکارگیری بی رویه تکنولوژی و استفاده از انرژی فسیلی کره زمین را به شدت مورد تخریب قرار داده و عامل اصلی این صدمات انسانها هستند. حقوق بین الملل محیط زیست مجموعه قواعد بین المللی است که موضوع آن پیشگیری از آلودگی و حفاظت از محیط زیست است. اگرچه اولین تلاشهای حقوقی در سطح بین المللی برای حفاظت از محیط زیست به اوایل قرن بیستم باز می گردد، ولی حقوق بین الملل محیط زیست همچون حقوق محیط زیست رشته ای بسیار جوان است و رشد واقعی آن از دهه ۱۹۶۰ آغاز گردیده است و از این زمان به بعد تحول حقوق محیط زیست در حقوق داخلی و بین المللی به موازات یکدیگر صورت گرفته است. حقوق محیط زیست هر روز بیشتر جنبه بین المللی پیدا نموده و به عنصری قوی در تحول مفاهیم بنیادین حقوق بین الملل تبدیل گردیده است. بلاشک امروزه محیط زیست همچون توسعه از مهمترین مصادیق همبستگی بین المللی بشمار آمده و در چارچوب مسائل مربوط به حقوق بشر مورد بررسی قرار می گیرد. اعلامیه رسمی کنفرانس بین المللی سازمان ملل متحد درخصوص محیط زیست در ژوئن

۱۹۷۲ در استکهلم «حق بر محیط زیست» یعنی حق داشتن محیط زیستی سالم را همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسانها تلقی نموده است. بعد از حقوق مدنی و سیاسی (حقوق آزادی) و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق برابری)، حقوق همبستگی (برادری) سومین نسل حقوق بشر تلقی گردیده است. «حق بر محیط زیست»، توسعه یافته ترین شاخه حقوق همبستگی بوده و تاکنون در قانون اساسی بیش از ۴۰ کشور از جمله ایران به رسمیت شناخته شده است. این نسل از حقوق بشر علاوه بر دارا بودن خصوصیات دو نسل گذشته دارای این ویژگی اصلی است که بدون مشارکت همه (فرد، دولت، نهادهای دولتی و خصوصی، جامعه بین المللی) نمی تواند تحقق یابد.

در کمتر از یک ربع قرن حجم عظیمی از اسناد بین المللی در رابطه با حفاظت از محیط زیست طبیعی به تصویب رسیده است. غالب این اسناد به حفاظت از محیط زیست در یک بخش خاص مثل دریاها، آبهای شیرین، جو، تنوع بیولوژیک و غیره پرداخته، هر چند ضرورت وجود قواعد عامی که پل ارتباطی بین بخشهای مختلف بوده و به مانند چتری بر فراز آنها عمل نماید کاملاً فراموش نگردیده است.

در این گفتار پس از بررسی چگونگی پیدایش و تحول حقوق محیط زیست و ارتباط آن با حقوق همبستگی، به مقررات بین المللی موجود در برخی از بخشهای محیط زیست خواهیم پرداخت و در انتها مسأله حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه را مورد بحث قرار خواهیم داد.

۱- بیدایش و تحول حقوق بین المللی محیط زیست

حقوق بین الملل محیط زیست مجموعه قواعد حقوقی بین المللی است که هدف آن حفاظت از محیط زیست است. این رشته از حقوق بین الملل همچون حقوق محیط زیست رشته ای کاملاً جوان است. اگرچه اولین کنوانسیونهای مربوط به حفاظت از محیط زیست^۱ به اوایل قرن بیستم بر می گردد، اما ریشه های واقعی حقوق بین الملل محیط زیست را باید در اواخر دهه ۱۹۶۰ جستجو کرد. در این دهه دوران بازسازی پس از جنگ جهانی دوم طی و توسعه اقتصادی جهان به ابعاد جدید و ناشناخته ای رسید. توسعه نابرابر و نامنظم تعادل بیوسفر را دچار اختلال جدی نموده و فاصله بین جنوب و شمال را زیاده تر کرد. تحولی از نظر اقتصادی ایجاد گردید و آبهای رودخانه ها، دریاچه ها، اقیانوسها، جانوران و گیاهان، به عنوان منابع قابل استفاده جهت ارضای نیازهای

۱. کنوانسیون ۱۹ مارس ۱۹۰۲ پاریس در مورد حفاظت از پرندگان مفید برای کشاورزی. موافقتنامه های بین المللی ۱۹۱۱ برای حفاظت از فکها. البته در قرن نوزدهم نیز معاهداتی در خصوص ماهیگیری امضا شده است که بیشتر مربوط به تحدید حدود مناطق صید بوده و به ندرت به مسأله حفاظت از گونه ها به عنوان منابع اقتصادی پرداخته اند.

مختلف خصوصاً در کشورهای صنعتی، ارزشمند گردیدند. به دنبال اعلام خطرهای دانشمندان، افکار عمومی عکس العمل فزاینده‌ای نسبت به حفظ محیط زیست از خود نشان داد. از این زمان به بعد بود که نحوه نگرش و برخورد با مسأله محیط زیست کاملاً عوض شده^۱ و تحت فشار افکار عمومی که کم کم جنبه بین المللی و جهانی به خود می گرفت،^۲ محیط زیست به عنوان یک مجموعه مطرح گردید. در سطح داخلی، متون قانونی برای حفاظت از محیط زیست افزایش چشمگیری یافت و دولتها نهادهای اداری ویژه‌ای را برای مقابله با آلودگی ایجاد نمودند. سازمانهای بین المللی نیز به نوبه خود در مقابل مسائل مطروحه جدید عکس العمل مناسب و قوی نشان دادند و فصل جدیدی آغاز شد. از این به بعد تحول حقوق محیط زیست در حقوق داخلی و بین المللی به موازات یکدیگر صورت گرفت.

ضرورت حفاظت از محیط زیست مشکلی وسیع و پیچیده در حقوق داخلی و بین المللی است. وقتی نظامهای حقوقی در مقابل مشکلات و مسایل جدید قرار می گیرند ابتداءً از فنون موجود استفاده می نمایند ولی کم کم به ابداع و ایجاد فنون جدید و نو می پردازند. درخصوص محیط زیست نیز شاهد همین روند بودیم ولی چالش حفاظت از محیط زیست^۳ از آن فراتر رفته و تبدیل به عاملی قوی در جهت تحول مفاهیم بنیادین حقوق بین الملل

۲. این حرکت و نهضت فکری دارای جنبه قوی فلسفی و نظری بود که می توان آن را نگرشی جدید نسبت به جهان همراه با ارزشهای فردی و اجتماعی نو در عکس العمل نسبت به «اجتماع مصرفی» دانست. نهضت زیست محیطی به جهت نداشتن تعلقات ایدئولوژیک (حداقل در اوایل) و مبارزه بر علیه جنبه های مادی ایدئولوژی های مسلط توانست حساسیت اجتماعی را برانگیخته و وفاق عام اجتماعی در این زمینه ایجاد نماید. بدین خاطر در هیچ زمینه دیگر به اندازه محیط زیست قوانین در مجالس و پارلمانهای ملی به اتفاق آرا تصویب نشده است.

۳. این نهضت فکری از همان ابتدا جنبه جهانی و خودجوش داشت اما در آن هنگام تنها دولتهای معدودی حامی آن بودند.

۴. نظامهای حقوق داخلی و حقوق بین المللی ناگهان در مقابل مشکلات تازه و ناشناخته ای قرار گرفتند که مجبور به حل فوری آن تحت فشار افکار عمومی بودند. حقوق محیط زیست حاصل چنین چالشی است.

Ch. A. kiss, "Le droit international de l'environnement, un aspect du droit international de l'avenir", in "Avenir du droit international de l'environnement", ADI, colloque, 1984, p. 471.

گردید. اهمیت این موضوع هنگامی بهتر درک می گردد که توجه نماییم مسائل مربوط به محیط زیست بیش از پیش جنبه بین المللی پیدا کرده و بدین دید به آن نگاه می شود. عناصر مختلفی در بین المللی شدن مبارزه بر علیه آلودگی محیط زیست نقش دارند. آب، هوا، پرندگان ... مرز نمی شناسند و بین عوامل گوناگون تشکیل دهنده محیط زیست وحدت و همبستگی کامل برقرار است. حادثه چرنوبیل یا آتش زدن چاههای نفتی در کویت تنها به مرزهای روسیه و کویت محدود نمی گردند. مبارزه با مسائلی چون بارانهای اسیدی، صحرارزایی، حفاظت از لایه اوزون یا تنوع ژنتیکی همراه با پیشرفت دانش بشر درخصوص بیوسفر جنبه فرامرزی بین المللی و حتی جهانی به خود می گیرد. از جانب دیگر مثلاً آلودگی آب می تواند بر خاک اثر گذارد و قطع درختان می تواند باعث تغییر در شرایط آب و هوایی گردد. با توجه به وحدت عناصر تشکیل دهنده بیوسفر، باید از انتقال آلودگی از بخشی به بخش دیگر یا جایگزینی یک نوع آلودگی با نوع دیگر از آلودگی خودداری شود.^۵

موضوع دیگری که نیاز به همکاری بین المللی و وضع مقررات و قوانین مشابه و مشترک دارد، جلوگیری از «صدور آلودگی» است. کشورها باید به طور مؤثر با یکدیگر برای جلوگیری از هرگونه نقل و انتقال و جا به جایی مواد یا تأسیسات آلوده کننده محیط زیست از کشورهایی که در آنها مقررات سخت وضع گردیده به سوی کشورهایی که مقررات انعطاف پذیری دارند همکاری نمایند.^۶

۵. اصل ۱۲ «مشور اروپایی آب» که یکی از اولین اسناد بین المللی مربوط به حفاظت از محیط زیست است (اصل استراسبورگ، ۶ می ۱۹۶۸) اعلام می دارد: «آب مرز ندارد. آب منبعی مشترک است که همکاری بین المللی را ضروری می دارد». متن در:

"Le régime Juridique des ressources en eaux internationales", FAO, étude législative, n° 23, Rome, 1981 (FAO/étude législative, n° 2: p. 233. (از این به بعد: 2).

۶. به عنوان مثال نک به مقررات مواد ۱۹۵، ۲۰۷، ۲۱۲ کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲.

۷. می توان به عنوان نمونه از حادثه ۱۹۸۴ در بهوپال (Bhopal) یاد کرد. نک:

C. M. ABRAHAM and S. ABRANAM, "The Bhopal case and the development of environmental law in India", ICLQ, 1991, pp. 334.

عامل دیگری که در بین المللی شدن حفاظت از محیط زیست مؤثر است، جنبه های اقتصادی مسأله مبارزه با آلودگی است. زیرا مبارزه با آلودگی خرج دارد و در نتیجه باعث گران شدن محصولات کشاورزی کشوری می گردد که در امر تولید ملاحظات زیست محیطی را رعایت می نماید. چنین کشوری در رقابت بین المللی متضرر می گردد و تحمل این امر مخصوصاً برای کشورهای در حال توسعه تقریباً غیرممکن است. تقسیم این بار خود عاملی در جهت بین المللی شدن مبارزه با محیط زیست است. همانطور که گفته شد در اواخر دهه ۱۹۶۰ و به صورت مشخص تر سال ۱۹۶۸ با دخالت سازمانهای بین المللی فصل جدیدی در رابطه با حفاظت از محیط زیست آغاز گردید. در این سال سازمان ملل متحد و دو سازمان منطقه ای یعنی شورای اروپا و سازمان اتحاد آفریقا اسناد بین المللی مهمی را تصویب نمودند.

اعلامیه مبارزه با آلودگی هوا (۸ مارس ۱۹۶۸) و منشور اروپایی آب (۶ می ۱۹۶۸) ^۸ مصوب شورای اروپا اولین متون مصوب یک سازمان بین المللی در خصوص حفاظت از محیط زیست بودند. اما جالب توجه این است که حرکت بعدی در آفریقا یعنی به وسیله کشورهای که افکار عمومی آنها نسبت به کشورهای صنعتی در این خصوص حساسیت کمتری برخوردار بود رخ داد. در ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۸، کنوانسیون آفریقایی در مورد حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی تصویب^۹ و جانشین کنوانسیون ۱۹۳۳ لندن^{۱۰} که طرفهای آن اصولاً کشورهای استعمارگر بودند گردید.

۸. متن در:

FAO/ étude législative, n° 23, pp. 231- 233.

۹. متن در:

"Selected Multilateral Treaties in the Field of the Environment", volume I, edited by, ch. A. Kiss, UNEP, Nairobi, 1983[SMTFE, Vol. I پس از این]، pp. 207-213.

۱۰. متن در:

Ibid, pp. 57-64.

۱۱. ویژگی خاص این کنوانسیون عام بودن آن است. این کنوانسیون حفاظت در استفاده از آب، خاک، گیاهان و جانوران و کلاً مجموع محیط زیست را شامل می شود.

کنفرانس استکهلم - سازمان ملل متحد سومین سازمان بین المللی بود

که برای حفاظت از محیط زیست وارد عمل شد. قطعنامه شماره (XX III) ۲۳۹۸ مورخ ۳ دسامبر ۱۹۶۸ مجمع عمومی این سازمان، تشکیل یک کنفرانس جهانی در خصوص «محیط زیست انسان» را پیش بینی نمود. پس از کارهای مقدماتی و کارشناسی زیاد، «کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست» از ۵ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد. در این کنفرانس ۶۰۰۰ نفر از جمله نمایندگان ۱۱۳ دولت، تقریباً نمایندگان کلیه سازمانهای بزرگ بین الدولی و ۷۰۰ ناظر از طرف ۴۰۰ سازمان غیردولتی و ۱۵۰۰ روزنامه نگار شرکت کردند و اسناد متعددی تصویب شد. از جمله این اسناد باید از اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست حاوی یک مقدمه در هفت بند (قسمت اول اعلامیه) و ۲۶ اصل (قسمت دوم اعلامیه) و همچنین یک «برنامه عمل» مشتمل بر ۱۰۹ توصیه نام برد.

حسن بزرگ کنفرانس استکهلم طرح مسأله و روشهای حفاظت از محیط زیست به صورت جامع بود.^{۱۲}

چنین نحوه نگرشی تحولات بعدی حقوق بین الملل محیط زیست را تحت تأثیر خود قرار داد. از نقطه نظر نهادین نیز ارگانهای ایجاد شده در بطن سازمان ملل متحد - برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست (PNUE) و صندوق برای محیط زیست که تأمین مالی فعالیتهای آن را به عهده داشت - نقش موتور و هماهنگ کننده ای را برای فعالیتهای دیگر نهادهای بین المللی ایفا نمودند.^{۱۳} و تقریباً در تمام زمینه های همکاری های بین المللی معمولی، جنبه های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفت.

۱۲. این کنفرانس مسأله محیط زیست را در سطح جهان و کره زمین مطرح نموده و به کلیه موضوعات مهم پرداخته است. این کنفرانس همچنین در رابطه با ساختارهای نهادین و سیاسی جهان نیز از جامعیت

لازم برخوردار است. در خصوص این کنفرانس نک:

Ch. A. Kiss, J. D- Sicault, "la conférence ds Nations- Unies sur l'environnement", AFDI, 1972, PP. 603- 624.

13. P. H. SAND, "Environmental law in the United Nations Environment programme", A. D I, colloque, 1984, pp. 51-88.

مقدمه اعلامیه استکهلم با این جمله آغاز می گردد که انسان هم مخلوق و هم خالق محیط زیست خود است. هر دو جنبه محیط زیست انسان، طبیعی و مصنوع انسان، برای رفاه بشر و تمتع او از حقوق بنیادینش من جمله خود حق به زندگی ضروری است. حمایت از محیط زیست و بهبود آن اهمیت زیادی در رفاه انسانها و توسعه اقتصادی آنها دارد. اعلامیه قبول می نماید که رشد طبیعی جمعیت دائماً مشکلات جدیدی را برای حفاظت از محیط زیست ایجاد می کند، اما در عین حال تأکید می نماید که با پیشرفت اجتماعی، تحول تولید، ترقی علوم و تکنولوژی قدرت انسان برای بهینه سازی محیط زیست روز به روز افزایش می یابد.

قسمت دوم اعلامیه و اصول بیست و شش گانه آن در واقع همان مفاهیم موجود در مقدمه را به صورتی مشخص تر و عینی تر بیان می نمایند. اصل اول اعلامیه که حفاظت از محیط زیست را از جمله حقوق بشر قلمداد می نماید خالی از ملاحظات سیاسی نیست. این اصل پس از یادآوری حقوق بنیادین انسان نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی همراه با حیثیت و سعادت را بدهد، او را مسؤول حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسلهای حاضر و آینده اعلام و نهایتاً آپارتاید، تبعیض نژادی، استعمار و دیگر اشکال ظلم و تسلط خارجی را محکوم می نماید.

عمده نتایج حاصل از کنفرانس در اصول ۲ تا ۷ گنجانده شده است. این اصول اعلام می دارند که منابع طبیعی تنها مواد کانی نیستند بلکه آب، هوا و حیوانات و گیاهان نیز منابع طبیعی هستند که باید برای نسلهای حاضر و آینده حفظ شوند (اصل ۱). منابع قابل تجدید باید حفظ و بازسازی شده و منابع غیر قابل تجدید نباید تهی گردند (اصول ۳ و ۵). انسان مسؤولیت خاص در حفاظت از حیات وحش و زیستگاه آن دارد (اصل ۴). از آلودگی محیط زیست به مواد سمی یا مواد دیگری که جذب و خنثی نگردند مخصوصاً از آلودگی دریاها باید جلوگیری شود (مواد ۶ و ۷)، و در تمام این موارد بر مدیریت مؤثر و مناسب تأکید می گردد.

به جز اصل ۲۶ که سلاحهای هسته ای و ابزار تخریب وسیع را محکوم می نماید، بقیه اصول اعلامیه به به کار بستن و عملی نمودن حفاظت از محیط زیست اختصاص یافته اند. پس از یادآوری ضرورت توسعه اقتصادی و اجتماعی برای فراهم نمودن محیط زیستی مناسب برای زندگی و کار انسان، بر وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه تأکید می شود (اصول ۹ تا ۱۲): بهترین راه برای رفع مشکلات زیست محیطی ناشی از کمی رشد، افزایش میزان کمکهای مالی و فنی می باشد. سیاستهای محیط زیستی کشورها باید در جهت تصویب توانایی های بالقوه کشورهای فقیر باشد و نه تضعیف آنها و کمکهای فنی و مالی بیشتر بین المللی باید به آنها اختصاص یابد. در ضمن اعلام می گردد که برای کشورهای در حال توسعه ثبات قیمتها و پرداخت بهای مکفی در قبال تولیدات پایه و مواد اولیه از ضروریات مدیریت محیط زیست هستند و دولتها برای دستیابی به مدیریت منطقی محیط زیست باید روشی جامع و هم آهنگ برای برنامه توسعه خود انتخاب نمایند.

در کنار اصول، اعلامیه بر نقش علوم و تکنولوژی، تبادل اطلاعات بین کشورها، آموزش عموم مردم درباره مسائل مربوط به محیط زیست و انتشار اطلاعات مربوط به آن و انتقال تکنولوژی محیط زیستی به عنوان ابزار تحقق سیاستهای محیط زیستی تأکید می نماید (اصول ۱۸ تا ۲۰). اصول ۲۱ تا ۲۶ اعلامیه به همکاری بین المللی اختصاص یافته که از اهمیت ویژه برخوردار است، خصوصاً اینکه اصل ۲۱ بیانیه در شرایط حاضر مبنا و پایه عرفی حقوق بین الملل محیط زیست تلقی می گردد. این اصل اعلام می دارد:

«دولتها، برطبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین المللی دارای حقوق حاکمه برای بهره برداری از منابعشان، مطابق سیاستهای محیط زیستی خود می باشند، و مسؤولند ترتیبی دهند تا فعالیتهای انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب زیان محیط زیست کشورها یا مناطق خارج از محدود صلاحیت ملی آنها نگردد».

در اصول بعدی خاطر نشان می گردد که دولتها باید در توسعه بیشتر حقوق بین الملل در رابطه با مسؤولیت و جبران خسارات قربانیان آلودگی و دیگر صدمات محیط زیستی به مناطق واقع در خارج از مرزهای خود با یکدیگر همکاری کنند. معیارها و استانداردهای بین المللی برای محیط زیست، با در نظر گرفتن سیستم ارزشی همه کشورها مخصوصاً کشورهای در حال توسعه، تعیین گردد. بالاخره دولتها باید برای حفاظت و بهبود محیط زیست از طریق انعقاد قراردادهای دوجانبه و چندجانبه همکاری نموده و مراقبت نمایند که سازمانهای بین المللی نقش هماهنگ موثر و پویایی در این زمینه ایفا کنند (اصول ۲۴ و ۲۵).

بعد از کنفرانس استکهلم مشکلاتی آشکار گردید که در ابتدا به آنها توجه کافی نشده بود. "برای پاسخ گویی به آنها کنوانسیونها و اسناد بین المللی جدید تنظیم گردید." "توسعه فوق العاده سریع حقوق بین الملل محیط زیست در این دوران خصوصاً مدیون فعالیتهای سازمانهای بین المللی و تحرک و آگاهی افکار عمومی جهانی و انجمنهای" بیانگر آن می باشد.

منشور جهانی طبیعت - همانطور که گفته شد در حین به کار بستن

۱۴. مثل آلودگی آتمسفریک از راه دور و نتایج آن، خصوصاً مرگ بیولوژیک دریاچه ها و از بین رفتن جنگلها.

۱۵. مثل «کنوانسیون در مورد آلودگیهای آتمسفریک فرامرزی از راه دور»، ژنو ۱۳ دسامبر ۱۹۷۹ (متن انگلیسی در: SMTFE, Vol 4, op. cit, pp. 515- و پروتکلهای الحاقی ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸ آن، «کنفرانس وین در مورد حفاظت از لایه ازن» ۲۲ مارس ۱۹۸۵، (متن انگلیسی در:

Selected Multilateral Treaties in the field of the environment", vol. II edited by I. Rummel-Bulska and S. Osafo, Grotius, Cambridge, 1991 (SMTFE, Vol II از این پس pp. 301-309.

و پروتکل مونترال ۱۹۸۷ و اصلاحیه ۱۹۹۰ آن.

در مورد رشد قواعد بین المللی در خصوص محیط زیست در دهه ۱۹۸۲-۱۹۷۲ نک:

Ch. A. Kiss, "Dix ans après Stockholm, une décennie de droit international de l'environnement", AFDI/ 1982, PP 790-293.

۱۶. در مجمع انجمنها و سازمانهای غیردولتی، «اتحادیه بین المللی برای حفاظت از طبیعت و منابع آن»

(UICN) اهمیت ویژه ای دارد. از کنوانسیون آفریقایی ۱۹۶۸ در کارنامه این اتحادیه همکاری در امر کنوانسیونهای متعددی به چشم می خورد.

تدریجی اصول کنفرانس استکهلم، احساس گردید که در حفاظت و حراست از منابع طبیعی - که دیگر می بایستی اموالی در خدمت کل بشریت، نسلهای حال و آینده قلمداد گردند - باید به جلو رفت و قدمی دیگر برداشت. در این راستا، گروه کارشناسی که توسط «اتحادیه بین المللی برای حفاظت از طبیعت و منابع آن» تشکیل شد طرح اولیه «منشور جهانی طبیعت» [world Charter for Nature (WCN)] را تهیه کرد که متن نهایی آن شامل یک مقدمه و ۲۴ ماده در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

در مقدمه این منشور مفاهیم بنیادین یادآور می گردد. بشریت جزئی از طبیعت است و تمدن ریشه در طبیعت دارد. هر یک از اشکال حیات منحصر به فرد بوده و صرف نظر از فایده آن برای بشر ارزش مراقبت را دارد. بقای ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تمدن و نهایتاً حفاظت از صلح به حفاظت از طبیعت و منابع آن بستگی دارد. لذا هرگونه عمل انسان که بر طبیعت اثر بگذارد باید براساس اصول این منشور هدایت و مورد قضاوت قرار گیرد. فصل اول این منشور به «اصول کلی» اختصاص یافته است. قابلیت حیات ژنتیکی زیستی را نباید دچار مخاطره نمود، جمعیت هرگونه وحشی یا اهلی را باید در حدی که برای ادامه حیات آن گونه لازم است حفظ نمود، بعضی از بخشهای سطح کره زمین مورد حمایت خاص قرار خواهند گرفت.

در بخش دوم («کارآیی ها»)، نتایج عینی مفاهیم مذکور در اصول قبل روشن می شوند و بدین طریق پیش بینی می گردد که توسعه اقتصادی - اجتماعی متضمن حفاظت از طبیعت بوده، با اتلاف منابع طبیعی باید مبارزه شود و اثرات ناشی از فعالیت های مختلف انسان بر طبیعت مورد ارزیابی قرار گیرد...

در بخش سوم تحت عنوان «کاربست» یا اجرا مقرر می شود که قواعد مذکور در این منشور در قوانین و عملکرد دولتها وارد شده و در همکاری های بین المللی مورد عمل قرار گیرد؛ آگاهیه ها و اطلاعات مربوط به

طبیعت بطور گسترده تا آنجا که مقدور است انتشار یابد و امکان مالی و اداری لازم جهت تحقق اهداف مربوط به حفاظت از طبیعت فراهم گردد... اصول مندرج در این منشور قطعاً از نظر حقوقی الزام آور نبود. ولی به مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، آنچه «حقوق نرم» (soft law) نامیده می شود^{۱۷} محسوب گردیده و راه آینده را نشان می داد.

کنفرانس ریو - در امتداد کنفرانس استکهلم و اقدامات بعدی و برای رفع نارسایی ها و کمبودهای موجود^{۱۸} و با توجه به مشکلات و شرایط جدید، کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه از سوم تا چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو - (برزیل) برگزار گردید. محیط زیست و توسعه - «دو چهره یک معضل موجود در برابر انسان» - موضوع این کنفرانس بود.

کارهای مقدماتی - اولین کارهای مقدماتی این کنفرانس توسط کمیسیون جهانی برای محیط زیست و توسعه که در اواخر ۱۹۸۳، به موجب قطعنامه شماره ۳۸/۱۶۱ (XXX VIII) مجمع عمومی سازمان ملل متحد ایجاد گردید شروع شد. نخستین گزارش این کمیسیون تحت نام گزارش «برانتلند» (Brundtland) در پاییز ۱۹۷۸ به مجمع عمومی تقدیم و مورد بررسی قرار گرفت. این گزارش به ترتیب داده های کلی، مشکلات و مسائل و راه حل های پیشنهادی را ارائه می نمود. مجمع عمومی طی قطعنامه شماره ۴۴/۲۲۸ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ تصمیم گرفت که کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه را در ۱۹۹۲ در برزیل تشکیل دهد و بدین

17. Voir P. M. Dupuy, "Soft law and the International law of the Environment", Michigan Journal of International Law, winter 1991, Vol. 12, No. 2, pp. 424-428; "Le droit international de l'environnement et la souveraineté des Etats", ADI, colloque 1984, pp. 34-35.

در خصوص مفهوم «حقوق نرم» و قطعنامه های سازمان های بین المللی نک:

R. IDA "Formation des normes internationales dans un monde en mutation, Critique de la notion de Soft law", in Mélanges Michel virally, "le droit international au service de la paix de la justice et du développement", p. 336.

۱۸. آن دسته از فعالیتهای سازمان ملل متحد که به دنبال کنفرانس استکهلم صورت گرفت الگوی مشترکی داشت. دولتها در مورد ماهیت مشکلات و راه حل های آنها به توافق می رسیدند اما اعمال آنها در بسیاری از موارد با قولهایشان سازگار نبوده و تصمیمات به نحو مطلوب اجرا نمی شدند.

منظور یک کمیته تدارکاتی ایجاد شد. " این کمیته بدون استثنا پذیرای کلیه دولتهای عضو سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی آن بود. به علاوه شرکت ناظران مخصوصاً نمایندگان سازمانهای بین المللی غیردولتی مجاز بود. کار این کمیته نمونه^{۲۰} ولی دشوار بود."

نهایتاً کنفرانس ریو در ۳ ژوئن ۱۹۹۲ با حضور سران ۱۴۰ کشور جهان و بیش از چهار هزار نفر گشایش یافت. این کنفرانس در ۱۴ ژوئن با تصویب سه متن غیر الزام آور به کار خود پایان داد (بیانیه ریو، بیانیه اصول در مورد جنگلها و طرح اقدام برای قرن ۲۱). در ضمن در حاشیه کنفرانس متن دو کنوانسیون امضا گردید (کنوانسیون در مورد تحولات آب و هوایی (اقليمی)، کنوانسیون در مورد تنوع بیولوژیکی).

اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه - این اعلامیه، متشکل از ۲۷ ماده و مقدمه ای در ۶ بند، "بر سه نکته مهم تأکید می نماید: تأیید و ادامه راه

۱۹. در مورد مذاکرات و تذاکرات مقدماتی کنفرانس ریو، نک:

A. ANDRONICOO, "The Road to Rio: the development of negotiations", in "The Environment After Rio", Editor Luigi Campiglio, L. Pineschl, Martinus Nijhoff, 1994, pp. 3-12.

۲۰. این کمیته جمعاً پنج اجلاس داشت. در اجلاس اول به مسأله سازماندهی پرداخته شد (نیویورک ۶ تا

۱۶ مارس ۱۹۹۰). در سه اجلاس نایروبی (۶ تا ۳۱ اوت ۱۹۹۰)، ژنو (۱۸ مارس تا ۵ آوریل ۱۹۹۱)،

ژنو (۱۹ اوت تا ۴ سپتامبر ۱۹۹۱) به ماهیت امر پرداخته شد.

۲۱. مسائلی مانند منابع مالی برای تضمین توسعه پایدار که در مورد آن به شدت بین کشورهای در حال توسعه و چین از یک طرف و کشورهای صنعتی از جانب دیگر اختلاف نظر وجود داشت کار مذاکرات را سخت دشوار می نمود. مشکلات مباحث مربوط به موضوعات حقوقی و نهادها را نیز از یاد نباید برد. در این زمینه کمیته تدارکاتی به کلیه اهداف خود دست نیافت. ابتداء پیش بینی شده بود که اصول مربوط به تکالیف و وظایف عمومی دولتها در «منشور زمین» خطاب به نسلهای آینده از جانب نسلهای حاضر گنجانده شود. اما خیلی سریع بحث بر سر خصوصیت الزام آور یا غیر الزام آور بودن این اصول در گرفت و نهایتاً از فکر «منشور» صرف نظر و به «اعلامیه ای» ساده قناعت گردید. در خصوص نهادها و سازمانهای لازم جهت تحقق اهداف توسعه پایدار اختلاف نظر بر سر ایجاد نهادهای جدید یا بازسازی اصلاح نهادهای موجود بود. کنفرانس نهایتاً ایجاد «کمیسیون توسعه پایدار» را تصویب نمود و ادامه کار برخی از نهادهای موجود قبلی نیز پذیرفته شد.

۲۲. در خصوص جنبه حقوقی اعلامیه ریو نک:

کنفرانس استکهلم، تجدید روابط بین المللی براساس انصاف به منظور ایجاد یک همکار جهانی واقعی، قبول وحدت و یکپارچی زمین - خانه انسان - و وابستگی و تأثیر متقابل همه چیز در آن.

با توجه به عوامل فوق، اعلامیه بر وابستگی و ارتباط تنگاتنگ حفاظت از محیط زیست با توسعه اقتصادی برای دستیابی به توسعه پایدار تأکید می نماید: «انسانها موضوع اصلی دلمشغولیهای مربوط به توسعه پایدار هستند. آنها حق دارند از زندگی سالم و مولد، هماهنگ با طبیعت برخوردار باشند» (اصل اول)، تحقق عینی چنین اصلی تنها با شناسایی حق برای توسعه (اصل سوم) از یک جانب و ادغام حفاظت از محیط زیست در روند توسعه (اصل چهارم) از جانب دیگر امکان پذیر است. بدین منظور بر حقوق حاکمه دولتها در بهره برداری از منابع خود برطبق سیاست توسعه آنها در مورد توسعه خویش باید تأکید گردد (اصل دوم). به علاوه، دستیابی به «توسعه پایدار» مشروط به رفع فقر (اصل پنجم)، تخفیف یا محو شیوه های تولید و مصرف ناماندگار است (اصل هشتم).

اعلامیه با تأکید بر شرایط و نیازهای خاص کشورهای فقیر (اصل ششم) و با توجه به سهم یا نقش متفاوت دولتهای پیشرفته و توسعه نیافته در تخریب محیط زیست، برای کلیه دولتها مسؤولیت مشترک ولی متفاوت قائل می گردد (اصل هفتم). اعلامیه به نقش مهم و حیاتی زنان،^{۲۳} جوانان و اقوام بومی در مدیریت و توسعه محیط زیست اشاره نموده (اصول بیست تا بیست دوم) و حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی اقوام تحت سلطه را مورد تأکید قرار می دهد (اصل بیست و سوم). اصول دیگری از اعلامیه تأثیرات جنگ و صلح در حفاظت از محیط زیست و توسعه و ضرورت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در این زمینه را یادآور شده (اصول بیست و چهارم تا بیست و ششم) و از دولتها دعوت می نماید با همکاری با

Ch A. Kiss, "The Rio Declaration environment and development", in "The Environment After Rio", op. cit, pp. 55-64" for Kim Boon "The Rio declaration and its influence on international environmental law", Singapore Journal of Legal Studies, 1992, pp. 345-364, speci, pp. 353-358.

۲۳. در خصوص نقش زنان نک «زنان و محیط زیست»، ماهنامه پیام-یونسکو، شماره ۲۶۲، فروردین

۱۳۷۱، مارس ۱۹۹۲.

یکدیگر - که باید موجب سرعت بخشیدن به تبادل اطلاعات و انتقال تکنولوژی و ایجاد یک سیستم آزاد اقتصادی با تبعیضات کمتر گردد (اصول نهم و دوازدهم) - براساس حسن نیت در اجرای اصول مذکور اقدام نمایند (اصل بیست و هشتم).

«اعلامیه اصول در مورد جنگلها» . به دلیل مخالفت بعضی از کشورهای ذیربط، امکان تصویب کنوانسیون در خصوص جنگلهای حاره ای وجود نداشت. از نظر حقوقی این سند به عنوان یک اعلامیه الزام آور محسوب نمی شود، اما از نفوذ برخوردار است. بدین معنی که، شامل مقدمه ای در هشت بند و هفده اصل، این اعلامیه مجموعه اصولی است که مورد توافق گسترده بوده و می تواند مبنایی برای کنوانسیون آتی باشد.

گزارشات سازمانهای بین المللی حاکی از نابودی و تخریب جنگلها است (۱۸ میلیون هکتار هر سال). این پدیده نتایج وخیمی برای حوزه های هیدروگرافیک بهره برداری صنعتی از چوب و وجود گونه های متعدد جنگلی دارد. مقدمه اعلامیه مبتنی بر بررسی جامع و متعادل مسائل مختلف با توجه به تضادهای اجتماعی - اقتصادی و عرف حاکم می باشد. در خصوص اصول مندرج در اعلامیه، تازگی زیادی دیده نمی شود. حاکمیت دولتها در بهره برداری از منابع جنگلی و مدیریت آنها براساس نیازهای ملی و سطح توسعه اقتصادی مورد تأکید قرار می گیرد (اصول ۱ و ۲). انتقال تکنولوژی مناسب توصیه می شود (اصل ۱۲). تخصیص کمکهای جدید و اضافی خصوصاً از طریق یک صندوق جهانی جهت تضمین حفاظت پایدار پیشنهاد (اصل ۱۱) و مخارج ناشی از این انتقال منابع به صورت منصفانه بین جامعه بین المللی تقسیم می شود (اصل ۱). اعلامیه همچنین توصیه می نماید که تجارت بین المللی تولیدات جنگلی و استفاده از مواد آلاینده آتمسفر در چارچوبی مشخص مورد کنترل قرار گیرد (اصل ۱۶).

طرح اقدام برای قرن ۲۱. این طرح ششصد صفحه ای که به آژاندا ۲۱ (Agenda 21) شهرت دارد شامل چهل فصل است. هر فصل حاوی اصول طرح، اهداف، فعالیتهایی که باید صورت گیرد، امکانات اجرایی و

برآورد هزینه و تأمین مالی می باشد. پنج فصل آخر خصوصاً به مسائل حقوقی و نهادها می پردازند. مکانیزم همکاریهای بین المللی در فصل ۳۷، ترتیبات مربوط به نهادها و تأسیسات در فصل ۳۸، اسناد و مکانیزمهای حقوقی بین المللی در فصل ۳۹ مورد توجه خاص قرار می گیرند.

در عمر کوتاه بیست و چند ساله حقوق بین الملل محیط زیست، شاهد تصویب حجم عظیمی از اسناد بین المللی مرتبط با حفاظت از محیط زیست کره زمین هستیم. بیش از ۹۰۰ معاهده دو جانبه، ۳۰۰ معاهده چند جانبه و متجاوز از ۲۰۰ سند مصوّب سازمانهای بین الدولی، حاوی قواعد مربوط به حفاظت از محیط زیست می باشند. همین روند رشد در حقوق داخلی کشورها نیز در رابطه با محیط زیست ملاحظه می گردد. امروزه، تقریباً تمام کشورهای دنیا قوانین و مقرراتی را درباره حفاظت از محیط زیست وضع نموده اند که اگر تمامی آنها را با یکدیگر جمع کنیم به رقمی بیش از ۳۰۰۰ خواهیم رسید.

خصوصیت مشترک غالب این اسناد روش برخورد «جزیی» آنها با مسأله آلودگی محیط زیست یعنی پرداختن به بخشی از آن مانند آبهای شیرین، دریاها، حیات وحش یا آتمسفر است. اما از همان ابتدا، توجه به وابستگی عناصر مختلف تشکیل دهنده محیط زیست، واقع در داخل یا خارج از قلمرو صلاحیت دولتها، به تدریج موجب پیدایش قواعد عامی گردید که حفاظت محیط زیست را به عنوان واحدی یکپارچه هدف خود قرار داده و بخشهای مختلف را به یکدیگر مرتبط می سازد. ایجاد هماهنگی بین این دو متد و روش و تضمین اجرای واقعی و موثر قواعد حقوق بین الملل محیط زیست از مهمترین وظایف آتی حقوقدانان است.

در خاتمه این مرور گذرا بر تولد و تحول حقوق بین الملل محیط زیست باید از همگرایی و وحدت بین این رشته از حقوق و حقوق نسلهای آینده یاد کرد. حق بر محیط زیست بخشی از حقوق همبستگی و نسل سوم از حقوق بشر است و توسعه آینده حقوق محیط زیست در این راستا خواهد بود.

اصولی که حفاظت از بیوسفر را در کل آن و برای سعادت همه بشریت و نه تنها دولتها هدف خود قرار می دهند بیش از پیش جایگزین قواعدی می گردند که به آلودگی در بعد فرامرزی آن فقط به عنوان مسأله ای مربوط به رابطه بین دو دولت (دو حاکمیت) توجه می نمایند.

با توجه به آگاهی افکار عمومی جهانی و ضرورت تضمین اجرای حقوق بین الملل محیط زیست با بکار بستن امکانات جدید و تازه، این سؤال مطرح می شود که آیا «حق بر محیط زیست» که در سطح بین المللی بخشی از حقوق همبستگی و نسل سوم از حقوق بشر شناخته شده است می تواند اثر مثبتی بر توسعه و بکار بستن حقوق محیط زیست داشته باشد.

۲- «حق بر محیط زیست و نقش آن در توسعه حقوق بین الملل محیط زیست»

سنتی ترین بعد حقوق بین الملل، تنظیم روابط بین تابعان آن یعنی دولتها است. حقوق بین الملل سنتی حاکم بر روابط بین المللی در دوران کلاسیک (۱۹۱۴-۱۸۱۵) اساساً شامل قواعد مبتنی بر «عمل متقابل» یا تعادل امتیازات مکتسبه و الزامات به عهده گرفته شده می باشد. در قرن نوزدهم و سپس بعد از جنگ جهانی اول با ممنوعیت تجارت برده، حقوق بشردوستانه و کنوانسیون بین الملل کار شاهد ایجاد دسته ای از قواعد بین المللی هستیم که مستثنی از اصل «عمل متقابل»^{۲۴} بوده و مبنی بر منافع بلاواسطه و مستقیم دولتی که تعهد بین المللی را به عهده می گیرد نمی باشند. آنچه مورد نظر است منافع کلیه کشورها و جامعه بین المللی است. بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، دلمشغولیهای مربوط به حمایت از حقوق بشر موجب گسترش این دسته از قواعد، حاوی تعهدات بلاعوض در جهت منافع مشترک بشریت، می شود. سپس با مقررات مربوط به بهره برداری از جنوبگان، فضای ماورای جو و میراث مشترک بشریت تعداد این نوع قواعد افزایش می یابد.

کاملاً واضح است که قواعد شاکل حقوق بین الملل محیط زیست به آن دسته از قواعد که هدف آنها منافع مشترک بشریت است تعلق دارند. قواعد حقوق بین الملل محیط زیست معمولاً حاوی منافع مستقیم و بلاواسطه برای دول متعاقد نمی باشد. هدف آنها حفاظت از دریا، هوا، گونه های گیاهی و حیوانی وحشی و... است.^{۲۵} نهایتاً، هدف و غایت این قواعد تنظیم مستقیم روابط بین دولتها، یعنی تابعان حقوق بین المللی نیست، بلکه هدف پیوند این تلاشها و ایجاد همکاری بین آنها برای بهبود سرنوشت و زندگی بشریت است.^{۲۶}

اگر حقوق محیط زیست مبتنی بر منفعت و علائق مشترک بشریت است، باید گفت که این منفعت در حقوق شناخته شده برای افراد نیز منعکس است و لذا تضادی بین این دو راه یا طریق در طرح و بررسی مسأله وجود ندارد. رعایت جهانی حقوق و آزادیهای بنیادین افراد جزئی از علایق و منافع مشترک بشریت است. در این خصوص می توان مقدمه اعلامیه حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد را یادآور شد که می گوید:

«شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد».

به هر حال اعلامیه کنفرانس استکهلم بین حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست رابطه قطعی برقرار می نماید. در ماده یک این اعلامیه آمده است:

«انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادتمندانه را بدهد، برخوردار است. او رسماً مسؤولیت حفاظت و بهبود محیط زیست

۲۵. حتی در عهدنامه های آلودگی فرامرزی که بین دو یا چند کشور محدود هم امضا می شود، «نفع متقابل» دلیل واقعی انعقاد قرار داد نیست زیرا دولتی که در بالا دست یک رودخانه (علیا) قرار دارد نمی تواند از آلودگی ایجاد نشده در پایین دست آن منظر گردد.

۲۶. به عهدنامه های حاوی این دسته از قواعد «عهدنامه - قانون» گفته می شود.

برای نسلهای حاضر و آینده را به عهده دارد».

در نگاهی اجمالی بر تحول حقوق بشر از زمان تبدیل آن به مفهومی جامع (و نه یک دسته از مفاهیم مجزا و متفرد) و جهانی - یعنی از زمان انقلاب فرانسه - مشاهده می شود که حقوق بشر در ابتدا تقریباً منحصر به حقوق مدنی و سیاسی یعنی - «حقوق آزادیها» بوده است. بعد از انقلاب مکزیک و انقلاب روسیه حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی یعنی «حقوق برابری» شناسایی و به آن اضافه می گردد. ویژگی نسل اول حقوق بشر یعنی حقوق آزادیها اقامه پذیر بودن آن نسبت به دولت است. یعنی رعایت آنها قبل از هر چیز ناشی از ترک فعل و عدم مداخله دولت است (مثل عدم جلوگیری از تشکیل اجتماعات). اما ویژگی نسل دوم حقوق بشر، یعنی حقوق برابری، قابل مطالبه بودن آن از دولت است یعنی دولت برای ایفای دین و وظیفه خود باید اقدام نماید. از شعار و آزادی، برابری و برادری انقلاب فرانسه، دو قسمت اول در قوانین داخلی و کنوانسیونهای بین المللی به صورت قواعد حقوقی گنجانده شدند، اما حقوق مربوط به برادری و تکالیف مربوط به آن قالب و شکل حقوقی نیافتند. در دوده اخیر این سؤال مطرح گردید که آیا نباید حقوق بشری مبتنی بر برادری و همبستگی ضروری و آشکار انسانها داشته باشیم.²⁷ جواب عموماً این بود که نیازهای عصر حاضر توسعه حقوق مربوط به برادری را - حال تحت هر عنوان یا نام جدیدی که بخواهیم برای آن انتخاب کنیم مثلاً حقوق همبستگی - در پی دارد.²⁸

اما عوامل مهم تاریخی که لزوم وجود نسل جدیدی از حقوق بشر را توجیه می نماید چیست؟ کارهای مقدماتی کنفرانسهای آرماندهامر (Armand Hammer)²⁹ و بنیاد بین المللی حقوق بشر به این سؤال بدین

27. Karel USAK, "Pour une troisième génération des droit de l'homme", in "Etudes et essais sur le droit international humanitaire et sur les principes de la croix- Rouges", en l'honneur de Jean PITCET, Martinus Nijhopp Publishers, Genève- La haye, p. 839.

28. Diego URIBE VARGAS, "La troisième génération des droit de l'homme", RCADF, 1984 vol I, p. 36.

29. Oslo, décembre 1978; Campobello, août 1979, Varsovie, juillet 1980; Aix- en- Provence août 1981; Hyde park, new york, juillet 1982.

ترتیب جواب می دهند:

«برخی دلمشغولیهای جهانی - هر چند که همیشه مشاهده گردیده اند - امروز ویژگی فوری یافته و روند قاعده گذاری در زمینه حقوق بشر نیز نسبت به آنها تأثیرپذیری خاصی از خود نشان می دهد.

حقوق متعلق به این نسل جدید دارای دو وجه مشترک زیر هستند:

۱. آنها نه ناشی از سنت فردگرایی نسل اول هستند و نه ناشی از سنت سوسیالیستی نسل دوم

۲. آنها ابتدا در روند تقنینی قرار گرفته اند و این به آنها امکان می دهد که در سالهای آینده به عنوان حقوق بشر شناخته شوند».^{۳۰}

مفهوم نسل سوم در واقع ریشه در «یک نظام حقوقی با تحرک خاص دارد که در آن شاهد ظهور قواعدی هستیم که گاهی ادامه مفاهیم قدیمی و گاهی تفسیر ابعاد جدید نظم اجتماعی می باشند».^{۳۱}

در مقایسه با دو نسل قبلی حقوق بشر خصوصیت «حقوق همبستگی» این است که این حقوق در عین حال هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه از دولت هستند و مهم تر آنکه بدون الحاق و اتفاق توانایی ها و کوششهای همه (دولتها، افراد، اشخاص حقوقی، حقوق خصوصی و عمومی) تحقق آنها امکان پذیر نمی باشد.^{۳۲}

پیش طرح سومین میثاق بین الملل حقوق همبستگی ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد حقوق همبستگی را به چهار دسته تقسیم می نماید: حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط زیست و حق بر میراث مشترک بشریت. در مقدمه این میثاق آمده است:

«طرفهای میثاق حاضر با توجه به اینکه صلح، توسعه، محیط زیست و میراث مشترک بشریت از این بعد ارزشهای جهانی هستند که مورد

۳۰. اسناد کنفرانس ارماند هامر به نقل از Uribo Vargas، همان منبع، ص ۳۶۱.

۳۱. همانجا.

۳۲. در خصوص رابطه بین حق بر محیط زیست و دیگر حقوق بشر نک:

Mohamed Ali MEKOURQ, "Le droit à l'environnement dans ses rapports avec les autres droits de l'homme", UNESCO, Paris, 1987, pp. 91-105.

شناسایی کلیهٔ انسانها، اقوام و ملتها قرار گرفته اند و اینکه شایسته است حقوق مربوط به آنها به عنوان حقوق بشر شناسایی، حمایت و تحقق یابد، با توجه به اینکه منشور سازمان ملل متحد دولتها را ملزم به همکاری بین المللی از طریق توسعه و تشویق به رعایت حقوق بشر و آزادیهای بنیادین برای همه بدون تبعیض از نظر نژاد، جنسیت، زبان و مذهب می نماید،

با توجه به اینکه همکاری بین المللی در خصوص حق بشر بر صلح، توسعه، محیط زیست و میراث مشترک بشریت دارای اهمیت اساسی است زیرا تحقق آنها جز از طریق الحاق کوششهای همبسته (متفق) همه، دولتها، افراد و دیگر اشخاص عمومی و خصوصی میسر نیست، درخصوص موارد ذیل موافقت می نمایند...»

بدین ترتیب حق بر محیط زیست یکی از اشکال بیان حیثیت انسانی تلقی می گردد که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل آینده می باشد. مواد ۱۴ و ۱۵ پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی، حق بر محیط زیست را چنین تعریف می نماید. ماده ۱۴- «هر انسان و کلیهٔ انسانها به صورت گروهی حق دارند از محیط زیستی سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند».

ماده ۱۵- «دولتهای عضو متعهد می گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد کنند. صدمه ای که برای توسعه جمع ضروری می باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد قابل قبول محسوب می گردد».

به هر حال حق بر محیط زیست امروز دیگر صرفاً یک آرزوی طرفداران محیط زیست نیست بلکه قواعد حقوقی موجود آن را مورد تأیید قرار داده اند. اولین سندی که باید به آن اشاره شود اعلامیه استکهلم است که با تشبیه حق بر محیط زیست به حقوق بشر، انسان را موظف به حراست و بهبود محیط زیست برای نسلهای حاضر و آینده می نماید (ماده ۱).

منشور جهانی طبیعت مصوّب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (قطعنامه ۳۷/۷ مصوّب ۲۷ اکتبر ۱۹۸۲)^{۳۳} اصول ۱۴ تا ۲۴ خود را به نحوه بکار بستن و اجرای اصول مربوط به حق بر محیط زیست و حفاظت از آن اختصاص داده است. در این فصل از منشور طبیعت، وظایف و تکالیف دولتها و نهادهای دولتی و همچنین افراد گروههای انسانی تعیین گردیده است.^{۳۴} مواد ۱ و ۱۰ اعلامیه ریو نیز حاوی قواعد مشابه می باشند. متون مذکور در فوق از اهمیت خاص بسیاری برخوردار هستند ولی الزام آور نمی باشند. اما این خلأ تا حدودی به وسیله دو سند منطقه ای حمایت از حقوق بشر پر گردیده است. اولین سند، منشور آفریقایی حقوق بشر مصوّب ۱۹۸۱ است. ماده ۲۴ این منشور اعلام می دارد «کلیه اقوام حق دارند از محیط زیستی رضایتبخش و جامع، مناسب برای توسعه خود برخوردار باشند». این سند از دو جهت اهمیت خاص دارد: اولاً این اولین سند حقوقی الزام آور در خصوص حق بر محیط زیست است، ثانیاً این سند به وسیله دولتهای جهان سوّم که در ابتدا چندان مایل به وضع مقررات در زمینه حفاظت از محیط زیست نبودند تدوین و تصویب گردیده است.

پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در زمینه حقوق

33. Doc. A/37/51, 1982.

۳۴. از جمله این وظایف و تکالیف می توان موارد زیر را نام برد:

دولتها اصول مندرج در منشور را در قالب قوانین ملی و همچنین در سطح بین المللی مورد تصویب قرار خواهند داد (ماده ۱۴). اطلاعات مربوط به محیط زیست در سطح وسیع منتشر و مسائل مربوط به محیط زیست آموزش داده می شوند (ماده ۱۵). در برنامه های توسعه مسائل مربوط به حفاظت از محیط زیست منظور خواهد شد (ماده ۱۶). امکانات مالی، برنامه ریزی، ساختاری و اداری لازم جهت تضمین تحقق اهداف مربوط به حفاظت از محیط زیست اختصاص خواهند یافت (ماده ۱۷). در جهت ارتقای سطح شناخت از محیط زیست کوشش خواهد شد که تحقیقات علمی لازم صورت گرفته و اطلاعات مربوط به آن منتشر شوند (ماده ۱۸). از فعالیتهای نظامی مضر برای طبیعت اجتناب خواهد شد (ماده ۲۰). دولتها برای بکار بستن مقررات حقوق بین المللی قابل اجرا در جهت حفاظت از محیط زیست با یکدیگر همکاری نموده و از فعالیتهایی که موجب ورود آسیب به محیط زیست واقع در قلمرو دولتهای دیگر با اخراج از قلمرو ملی گردد اجتناب می نماید (ماده ۲۱).

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸ در سان سالوادور نیز حاوی اصلی مشابه است. در ماده ۱۱ این پروتکل تحت عنوان «حق بر محیط زیست سالم» آمده است:

«هر فرد حق دارد در محیط زیست سالمی زندگی کند و از خدمات عمومی اساسی بهره مند گردد».

«دول متعاقد متعهد می گردند که حراست، حفاظت و بهبود محیط زیست را ترویج نمایند».

همچنین باید یادآور گردید که ماده ۲۴ کنفرانس حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، دولت‌ها را موظف می نماید برای حفاظت از سلامت کودکان تدابیر لازم خصوصاً با توجه بر حوادث ناشی از آلودگی های محیط زیست اتخاذ نمایند. بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون ۲۷ ژوئن ۱۹۸۹ سازمان بین المللی کار در خصوص قبائل و اقوام بومی در کشورهای مستقل نیز دولتهای متعاقد را ملزم به اتخاذ تدابیر ویژه برای حفاظت از محیط زیست این اقوام می نماید.

به موازات این تحول در حقوق بین الملل، شاهد هستیم که حق بر محیط زیست در قوانین داخلی کشورها نیز بیش از پیش مورد شناسایی قرار می گیرد. در حال حاضر قوانین اساسی بیش از چهل کشور جهان^{۳۵} حاوی اصولی در رابطه با حفاظت از محیط زیست می باشند.

حق بر محیط زیست به عنوان حقوق بشر در شرایط حاضر توسعه یافته ترین بخش حقوق همبستگی می باشد. یکی از ابعاد حق بر

۳۵. از جمله آلبانی (ماده ۲۰ قانون اساسی ۱۹۷۶)، بلغارستان (ماده ۳۱ قانون اساسی ۱۹۷۱)، چین (قانون ماده ۱۱ قانون ۵ مارس ۱۹۷۸)، اسپانیا (ماده ۵۲ قانون اساسی اکتبر ۱۹۷۸) ایران (اصل ۵۰ قانون اساسی ۱۳۵۹)، پرو (ماده ۱۳۳ قانون اساسی ۱۹۷۹) برتقال (ماده ۶۶ قانون اساسی ۱۹۷۷). فرانسه (ماده ۱ قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۶)، یونان (ماده ۲۴ قانون اساسی ۱۹۷۵)، مجارستان (ماده ۵۲ قانون اساسی ۷۲)، سوئد (بند اول از فصل اول قانون اساسی ۱۹۷۴ اصلاح شده در ۱۹۷۷)، سوئیس (مواد 24 و 22bis قانون اساسی فدرال)، آمریکا (ماده ۱۰۱ قانون فدرال در مورد سیاست ملی در خصوص محیط زیست ۱۹۶۹).

محیط زیست که باید یادآور شد، ویژگی آن در ایجاد حق و تکلیف برای همه است.

اگرچه تمامی اسناد بین المللی یا قوانین اساسی که به حفاظت از محیط زیست پرداخته اند، این امر را از وظایف دولت دانسته اند، اما برخی از آنها یادآور وظایف و تکالیف افراد در گروههای انسانی نیز در این زمینه شده اند. هر فردی حق دارد که از محیط زیست او حفاظت گردد، اما خود او نیز ملزم است در این امر مشارکت نماید. البته فرد تنها در صورتی می تواند کاملاً به تکلیف خود عمل نماید که دولت و مؤسسات عمومی امکانات لازم را در اختیار او قرار دهند. اولین وظیفه مؤسسات عمومی در این زمینه مطلع نمودن افراد جامعه از کلیه تدابیر یا اقداماتی است که می تواند محیط زیست آنان را تهدید نماید.^{۳۶} به علاوه باید آموزش لازم به افراد داده شود تا بتوانند از این اطلاعات بهترین استفاده ممکن را بنمایند.^{۳۷} در مرحله دوم افراد باید بتوانند در اتخاذ تدابیر یا تصمیماتی که می تواند بر محیط زیست آنان اثر بگذارد مشارکت نمایند.

مشارکت شهروندان در حفاظت از محیط زیست در موارد مشخص و معین تحقق واقعی حق بر محیط زیست است. این مشارکت به شهروندان اجازه می دهد حقوقی را که از آن متمتع گردیده اند استیفا و در عین حال

۳۶. در این خصوص نک:

A.TOLENTINO, "Environnement et information" in "Environnement et droits de l'homme", op. cit, pp. 29-37.

۳۷. اصل نوزدهم اعلامیه استکهلم مقرر می دارد:

«به منظور توسعه مبانی ضروری برای روشن نمودن افکار عمومی و تفهیم مسئولیتی که افراد، مؤسسات و جمعیتها درخصوص حفاظت و بهبود محیط زیست، در تمام ابعاد انسانی آن، به عهده دارند، لازم است نسل جوان و همچنین بزرگسالان، با بذل توجه کافی نسبت به آنهایی که در وضعیت نامساعدتری قرار دارند، تحت آموزش قرار گیرند. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تنزل کیفیت محیط زیست اجتناب نموده و بالعکس به منظور فراهم نمودن امکان رشد انسان در تمام زمینه ها اطلاعات آموزشی در مورد ضرورت حفاظت و بهبود محیط زیست ارائه دهند.»

تعهداتی را^{۳۸} نیز که در این زمینه بر عهده دارند حداقل تا حدودی ایفا نمایند.

در خصوص مشارکت، اصل ۲۳ منشور طبیعت بسیار گویا است: «هر فردی امکان خواهد داشت با رعایت قوانین کشور خود، به صورت فردی یا همراه با افراد دیگر در اتخاذ تصمیماتی که مستقیماً مربوط به محیط زیست او می گردد مشارکت نموده و در صورت تخریب یا ورود خسارت می تواند برای جبران آن به مراجع قضایی رجوع کند»^{۳۹} اما این اصل را که در اصل دهم اعلامیه ريو بنحو دیگری تکرار شده است^{۴۰} باید با اصل بعدی آن یعنی اصل ۲۴ خواند. در این اصل آمده است:

«هر فردی موظف است مطابق با مقررات این منشور رفتار نماید. هر فردی که شخصاً یا به اتفاق افراد دیگر یا به عنوان مشارکت در زندگی عمل می نماید، کوشش خواهد نمود تا تحقق اهداف و دیگر مقررات این منشور را تضمین نماید».

نهایتاً حق بر محیط زیست - که در واقع آن را باید به حق بر حفاظت از محیط زیست (حفاظت به معنای حمایت در مقابل تخریب و بهبود در برخی موارد) تعبیر نمود -^{۴۱} در عین اعطای حق و ایجاد تکلیف برای فرد وظایف دولتها و مؤسسات عمومی را نیز گسترش می دهد.

۳۸. در خصوص مشارکت مردم در تصمیم گیری و اجرای حق بر محیط زیست نک:

Dorethy NEIKW

"Participation du public à la mise en oeuvre d'un droit à l'environnement", in "Environnement et droits de l'homme", op. cit, pp. 39-50.

۳۹. مواد ۱۷ و ۱۹ پیش طرح سومین میثاق حقوق همبستگی حاوی عباراتی مشابه ماده ۲۳ منشور طبیعت

می باشند. در مورد حق رجوع به مراجع قضایی نک:

Benôit JADOT, "Les procédures garantissant le droit à l'environnement", in "Environnement et droits de l'homme", op. cit, pp. 51-63.

۴۰. اصل دهم اعلامیه ريو.

41. Ch. A. Weiss, "Le droit de l'homme à la conservation de l'environnement" Revue universelle des droits de l'homme, Kehl, Strasbourg, 1990. p. 445.

آنچه در شرایط حاضر «حق بر محیط زیست» برای توسعه بیشتر حقوق بین الملل نیاز دارد تأیید قواعد مربوط به آن در یک سند الزام آور جهانی می باشد.

۳- حفاظت از آبهای شیرین^{۴۱}

۱- اهمیت موضوع

آب به تصور مردم باستان یکی از چهار عنصر سازنده جهان است. کره زمین را محیطی آبی به نام هیدروسفر (آب کره) پوشانده است. هیدروسفر شامل اقیانوسها، دریاها و همه منابع آبی دیگر است. آب محل ظهور و شکل گیری زیست و خون حیاتی تمام ارگانیسمهای زنده بر روی زمین است. آب یکی از منابع اصلی تمدن بشر است و بطور کلی مکانیسم پیچیده حیات بدون آب شیرین، و در واقع بخش کوچکی از آب، که همه ساله در چرخه آب به صورت تبخیر، بارش، نفوذ به زمین و جاری شدن در سطح آن تجدید می شود، ممکن نخواهد بود.

هر روز بیش از ۲۵ هزار نفر در اثر مدیریت ناصحیح آب جان خود را از دست می دهند.^{۴۲} تقریباً دو سوم جمعیت جهان از فقدان آب بهداشتی رنج می برند. بیماریهای اسهالی هر ساله حدود ۴/۵ میلیون کودک کمتر از ۵ سال را از پای در می آورند.^{۴۳} فقط قسمت اندکی از آبهای سیاره ما قابل استفاده است. ۹۷/۲٪ آبهای کره زمین را آبهای شور اقیانوسها و دریاها تشکیل می دهند. بقیه

۴۱. به علت گستردگی فوق العاده بحث حفاظت از آلودگی دریاها و وفور منابع در این خصوص از مطرح نمودن آن در این گفتار صرف نظر می گردد.

42. PNUE, Nairobi, ONU, 1991, p. 12.

43. Ibid.

بر پایه برآوردهای سازمان بهداشت جهانی هشتاد درصد از بیماریهای رایج در جهان ناشی از فقدان آب و یا غیربهداشتی بودن آن می باشند. درخصوص بیماریهای ناشی از آب نک «شگفتیهای آب» ماهنامه پیام، یونسکو، تیرماه ۱۳۶۱، تهران صص ۲۲-۲۴.

آن نیز به سختی قابل دسترسی است زیرا حدود ۹۹٪ آن را یخچالها و آبهای زیرزمینی عمیق تشکیل می دهند.^{۳۳} بدین ترتیب برای انسان تنها سفره های آبی قابل دسترس، رودخانه ها، دریاچه ها برای مصرف آب آشامیدنی، آبیاری زراعت و راه اندازی صنایع باقی می ماند.

تقاضا برای آب در کلیه عرصه های اصلی مصرف آب (کشاورزی، صنعت و شهری) به شدت افزایش یافته است^{۳۴} و به جهت بهبود استانداردهای زندگی در سطح کل جهان رشد تقاضای جهانی برای آب از رشد جمعیت بیشتر است. در تعداد فزاینده ای از کشورها، جمعیت با توجه به آب موجود، از سطحی که بتواند گذران راحتی داشته باشد گذشته است. تقاضای جهانی آب در سال ۲۰۰۰ به حدود ۱۱/۶ درصد منابع جهانی می رسد. اکنون در بعضی از مناطق جهان این ارقام بسیار فراتر (۲۰ تا ۶۵ درصد) رفته است و تا آخر این سده به ۴۰ تا ۱۰۰ درصد خواهد رسید.^{۳۵}

بیشترین تعداد کشورهایی که از کمبود آب رنج می برند در آفریقا قرار دارند، اما کمبود آب در خاورمیانه از همه جا متمرکزتر است و طی این دهه، امکان شعله ور شدن بحرانهای موجود بر سر استفاده از آب در این منطقه وجود دارد.

44. PNUE, Nairobi, 1991, p. 12.

وزان مارگا، «سرمایه های پنهان»، پیام، یونسکو، خرداد ۷۲، تهران - ص ۱۸.

طبق آماره منتشر شده در فصلنامه یونسکو "Nature and Resources" که به زبان فارسی نیز منتشر می شود، حجم کل آب شیرین زمین تقریباً ۳۵ میلیون کیلومتر مکعب است که فقط معادل ۲/۵ درصد آب موجود در آبکره است. به علاوه بیشتر آبهای شیرین (تقریباً ۲۲ میلیون کیلومتر مکعب یا ۶۹٪) زمین در نواحی قطبی به شکل یخ و برف وجود دارد. رودخانه ها و دریاچه های آب شیرین، از منابع اصلی تأمین آب، فقط حاوی ۹۳۰۰۰ کیلومتر مکعب آب هستند که تنها حدود ۲/۷٪ کل آبهای شیرین کره زمین را تشکیل می دهند. «طبیعت و منابع» شماره ۱، ۱۳۷۱، ص ۳۶.

۳۵. در رابطه با کمبود آب و توسعه پایدار نک، عبدین م. آ صالح و علمی آ. غ علی «کمبود آب و توسعه پایدار»، طبیعت و منابع، شماره ۳ یونسکو، صص ۴۸-۴۴.

۳۶. آی ۱۰. شیکلومانوف، «منابع جهانی آب» در «طبیعت و منابع»، شماره ۱، منبع پیشین، ص ۴۴.

از سوی دیگر، تقریباً در تمام نقاط جهان در استفاده و بهره برداری از این منابع اندک افراط صورت می گیرد.^{۴۷} به علاوه مواد زائد صنعتی و کشاورزی و پسابها، مقدار زیادی مواد شیمیایی و مسموم کننده وارد منابع آبی (رودخانه ها ...) می نمایند. بارانهای اسیدی^{۴۸} که بر اثر گازهای منتشره از مراکز صنعتی و نیروگاههای واقع در هزارها کیلومتر آن طرف تر ایجاد می شود به زنجیر حیات در رودخانه ها و دریاچه ها آسیب می رساند. رسوبات ناشی از فرسایش خاک^{۴۹} به سدها، رودخانه ها و تأسیسات هیدروالکتریکی آسیب می رسانند. از هند تا آمریکا طرحهای آبیاری که در اجرای آنها ملاحظات لازم صورت نگرفته است باعث خشک شدن منابع آبهای زیرزمینی می گردد، منابعی که دیگر قابل جایگزینی نمی باشند. وقتی بهره برداری از منابع آب به وسیله چند کشور صورت می گیرد، مشکلاتی که به آنها اشاره رفت پیچیده تر می گردد.

مثلاً ممکن است، فاضلاب عمومی و پسابهای یک کشور منبع آب آشامیدنی کشور دیگری باشند. در نقطه دیگری از دنیا احتمال دارد قطع درختان در بالا دست باعث ایجاد سیل در پایین دست شود. در مواردی، ایجاد تأسیسات هیدروالکتریکی، تأسیسات آبیاری یا تولید آب آشامیدنی در منطقه ای واقع در یک کشور می تواند موجب ایجاد اختلال یا عدم رسیدن آب به کشورهای دیگر شود. حدود ۴۰٪ جمعیت دنیا نیازمند یا وابسته به منابع آب موجود در کشورهای همسایه می باشند.^{۵۰} حوزه آبی مشترک بین دو یا چند کشور، منشأ بحرانها و اختلافات بین المللی

۴۷. در بسیاری از کشورهایی که آب یک منبع طبیعی کمیاب است (مثل مغرب، عربستان و اسرائیل) قطعاً یک هوشیاری نسبی نسبت به این مسأله ایجاد گردیده و در برنامه توسعه آنها به این مسأله توجه شده است ولی مشکلات همچنان باقی است. در رابطه با ایران نگاه کنید به مصوبه تازه هیأت وزیران برای جلوگیری از آلودگی منابع آب کشور، روزنامه همشهری ۲ تیر ۱۳۷۳، شماره ۴۲۷، ص ۴.

۴۸. نک «باران اسیدی»، در «شگفتیهای آب»، منبع پیشین، صص ۲۶-۲۱.

۴۹. نک «فرسایش، خشکسالی و صحراها» در «شگفتیهای آب» منبع پیشین، ص ۸ و آرتور اسکیر،

«زیستن در کنار سیل» طبیعت و منابع، شماره ۲، یونسکو ۱۳۷۱، ص ۱۱-۶.

50. T- PNUEO, Nairobi, 1991, p. 12.

متعددی بوده است،^{۵۱} خصوصاً با توجه به اینکه تقاضا برای استفاده از آب در سطح جهان در حال افزایش چشمگیری می باشد.

II- قواعد بین المللی

برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست (PNUE) کوشش می نماید از طریق برنامه جدیدی که برای اداره منطقی آبهای داخلی از نظر زیست محیطی ایجاد شده است (EMINWA) اصولی که کارآیی خود را در برنامه های دریاهای منطقه ای ثابت نموده اند به رودخانه ها و دریاچه ها و حوزه های آبی مشترک تسری دهد.^{۵۲} این برنامه مدیریت مناسب آب را در یک چارچوب زیست محیطی جامع مد نظر قرار می دهد و به خاک، جنگل، گیاهان، حیوانات وحشی، انرژی و تأسیسات انسانی و صنعتی و منابع مشترک آب به عنوان عوامل مختلف تشکیل دهنده شبکه های عظیم هیدروگرافیک نگاه می کند. هدف برنامه مزبور این است که بین استفاده از آب به منظور توسعه اقتصادی و حفاظت از آن به عنوان میراث زیست طبیعی آشتی و سازش برقرار نماید.

کنترل آلودگی آب یکی از مهمترین جنبه های حفظ محیط زیست است.^{۵۳} حفاظت آبهای ارضی در مقابل آلودگی مشکلات پیچیده ای را مطرح می نماید. بخش عظیمی از آبهای کره زمین با یکدیگر مرتبط هستند ولی نظامهای حقوقی که برای حفاظت و حراست از آنها وجود دارد با توجه

۵۱. به عنوان مثال می توان از اختلافات عدیده ای که در خاورمیانه در خصوص استفاده از منابع آب مشترک وجود دارد نام برد. یکی از جدیدترین مسائل آنها مسأله استفاده از رودخانه فرات به وسیله عراق و ترکیه و سوریه می باشد.

۵۲. در سطح منطقه ای می توان از تدابیر متخذه در چهارچوب جامعه اروپا در خصوص کنترل و تحدید آلودگی آبهای داخلی، ساحلی و زیرزمینی نام برد. نک:

Directives n° 76/464/CEE du conseil

Directives n° 86/280/CEE du conseil

Directives n° 80/68/CEE du conseil.

۵۳. تصفیه بسابها یکی از اصلی ترین روشهای مبارزه با آلودگی آنها است ولی حتی بهترین شیوه های

به شرایط متنوع جغرافیایی، اقتصادی و حتی اجتماعی و سیاسی، بسیار متفاوت و متنوع می باشند. دریاها می توانند از طریق مجاری آب آلوده شوند، که البته این مسأله می تواند در چارچوب «آلودگی ناشی از سرزمین» نیز مورد بررسی قرار گیرد، ولی نیاز به قواعد خاص خود دارد. آبهای سطحی و زیرزمینی اغلب در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند. هر چند نظامهای حقوقی آنها با یکدیگر مرتبط هستند^{۵۴} ولی غالباً آبهای زیرزمینی نظام حقوقی ویژه خود را دارند.^{۵۵}

هنگامی که مسأله آلودگی آبهای شیرین جنبه بین المللی پیدا می کند (یعنی وقتی که مجرای یا توده های آب بین دو یا چند کشور تقسیم می شود) پیچیدگی مسأله باز هم بیشتر می شود بدین جهت قواعد حقوقی باید توان انطباق خود با شرایط و وضعیتهای مختلف و گوناگون، را داشته باشند. لذا تحت تأثیر و فشار عوامل گوناگون، که همیشه مرتبط با نیازهای حفاظت از محیط زیست نمی باشند، شاهد پیدایش و ایجاد نظامهای حقوقی متعدّد در رابطه با آبها ارضی می باشیم. برخلاف قوانین داخلی که برای حوزههای هیدروگرافیک مقررات وضع می نماید،^{۵۶} کنوانسیونها مربوط به حفاظت از مجاری آب تنها به یک رودخانه یا شط خاص یا حتی فقط بخشهایی از آن محدود می شوند.^{۵۷}

تنوع شرایط و نظامهای حقوقی به آن حد است که در شرایط کنونی جمع آنها با یکدیگر و عرضه آنها در یک تحلیل واحد تحت عنوان حفاظت

تصفیه نیز به تنهایی نمی تواند مجاری آب و رودخانه ها را از آلودگی حفظ نماید. سیاست حفظ آب باید متضمن اقدامات چند منظوره ای از جمله کاهش تولید پسابها، استفاده محتاطانه از مواد شیمیایی در کشاورزی باشد.

54. J. A. BARBERIS, "Le statut des eaux souterraines en droit international", FAO, Rome, 1987, p. 7 et s.

55. Ibid, p. 17 et s.

56. cp. "Le droit des eaux dans certains pays européens", FAO, étude législative, n° 10, Rome, 1977, 276 pages.

۵۷. به عنوان مثال می توان از رودخانه رن نام برد. در خصوص حفاظت از رن در مقابل آلودگی نک:

Ch. A. Kiss, "La protection du Rhin contre la pollution: état actuel de la question", AFDI, 1977, P. 861-867, et "La pollution du Rhin, suit (et fin)", AFDI, 1983, p. 774-785, "Droit international de l'environnement", pédone, Paris, 1989, pp. 189 et s.

از آبهای شیرین ناممکن به نظر می رسد. از جانب دیگر بررسی یکایک نظامهای حقوق مربوط به رودخانه ها و مجاری آبی^{۵۸} حتی اگر موضوع را به یک منطقه خاص مثلاً اروپا نیز محدود کنیم امکان پذیر نخواهد بود. نهایتاً می توان به ذکر بعضی از اصول که در این زمینه وجود دارد و همچنین راه حل هایی که مختص به یک مجرای آبی یا یک منطقه خاص نبوده و فراگیرتر است پرداخت. اما به هر حال مشاهده می شود که کم کم دو گرایش مختلف در نحوه بحث و بررسی این موضوع فراسوی چارچوبهای دولتی موجود، نمایان می شوند. گرایش اول بر اجرای قواعد عمومی مربوط به آلودگی های فرامرزی تأکید دارد و گرایش دوم بیشتر به اعمال اصول مصوب PNUع در خصوص رفتار دولتها در مورد حفاظت و استفاده هماهنگ از منابع طبیعی مشترک (منقسم) بین دو یا چند کشور تمایل دارد.

۱- اجرای قواعد مربوط به آلودگی های فرامرزی

براساس راه حل کلاسیک حقوق بین الملل، هرگاه تأثیر آلودگی آبهای شیرین در یک کشور به کشورهای دیگر تسری پیدا نماید (مثلاً آلودگی آبهای شیرین در کشور A باعث ایجاد آلودگی آبها یا ورود خسارت به زراعت در کشور B گردد) قواعد کلی مربوط به آلودگی های فرامرزی باید اجرا شد. در این حالت باید به اصول منتج از عملکرد بین المللی متوسل شد. موارد زیر را می توان از جمله اصول خاص مربوط به آلودگی فرامرزی دانست.

۱. از خلل رویه قضایی^{۵۹} بین المللی و اجرای قواعد کلی حقوق

۵۸. برای مطالعه نظامهای حقوقی بعضی از رودخانه ها و دریاچه های مشهور نک:

"The Legal Regime of International Rivers and Lakes" Ralph Zacklin, Lucices Caflisch Ceditors, Martinus Nijhoff off Publishers, lond on, 1981, 414 pgs.

59. Sentence de Max Huber, 4 avril 1928, "affaire de le de palmas" R. S. A., II, p. 839.

- CIJ, "affaire du Détroit de corfou", RCIJ, 1949, p 22.

- Décision arbitral, 11 mars 1940, "affaire de la Fonderie de Trail", R. S. A. III, 1907.

بین الملل اصل بنیادین حقوق محیط زیست در خصوص آلودگی های فرامرزی شکل گرفت که در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم به صورت زیر آمده است:

«دولتها برطبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین الملل دارای حقوق حاکمه برای بهره برداری از منابعشان، مطابق سیاستهای محیط زیستی خود می باشند و مسؤولند ترتیبی دهند تا فعالیتهایی انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب زیان به محیط زیست کشورها یا در مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی نگردد».

در رابطه با این اصل چند نکته لازم است یادآوری شود. این اصل مانند بسیاری از اعلامیه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد^{۶۰} و اسناد بین المللی مربوط به حمایت بین المللی از حقوق بشر^{۶۱} بر حقوق حاکمه دولتها در بهره برداری از منابع طبیعی خود تأکید می نماید. اما اشاره به سیاستهای ملی محیط زیستی به این اصل رنگ زیست محیطی می دهد و تلویحاً دولتها را تشویق به انجام اقدامات هماهنگ برای حفاظت از محیط زیست می نماید. نکته بعدی این است که به موجب این اصل دولتها تنها در مقابل فعالیتهای خود مسؤول نیستند بلکه در برابر فعالیتهای اشخاصی که تحت نفوذ و نظارت آنها نیز هستند خواه خصوصی یا عمومی مسؤول

۶۰. به عنوان مثال می توان از موارد زیر نام برد

- RAG 2995 (XXVII), 15s, decembre 197 L
- R. A G. 1803 CXVII, 14. decembre 1962.

در خصوص حاکمیت مستمر بر منابع طبیعی

- R. A G. 3021 (S- VI), 1^e mai 1974

در خصوص نظم اقتصادی بین المللی جدید

- R. A G. 3281 (XXIX), 12 decembre 1974;

و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولتها.

۶۱. در این خصوص می توان از موارد زیر نام برد

- میثاق مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱)
- میثاق مربوط به حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱)
- ماده ۲۱ منشور آفریقایی حقوق بشر مصوب ۱۹۸۱.

می باشند، پس دولتها موظف می گردند فعالیت‌هایی را که ممکن است برای محیط زیست در خارج از حیطه صلاحیت ملی آنها ایجاد خسارت نماید تحت کنترل و مراقبت قانونی قرار دهند. در عمل در غالب کشورها، نظارت و مراقبت دولت به صورت صدور مجوز یا اجازه نامه برای ایجاد و بهره برداری از تأسیساتی که می تواند باعث ایجاد خسارات برای محیط زیست گردد اعمال می شود.

اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم از نظر حقوقی یک متن غیرالزام آور است. اما این اصل تبدیل به یک قاعده عرفی حقوق بین الملل گردیده است.^۳

۲. اصل دوم، اصل همکاری است. بلاشک این اصل به نحوی که در اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم بیان شده است قلمرو وسیع تری از آلودگی های فرامرزی دارد. در این اصل آمده است: « موضوعات بین المللی مربوط به حفاظت و بهبود محیط زیست می بایست با روح همکاری و بر پایه مساوات به وسیله تمام کشورها، کوچک و بزرگ، مورد بررسی قرار گیرند. همکاری از طریق قراردادهای چندجانبه یا دو جانبه، یا طرق مقتضی دیگر برای تحدید موثر، پیشگیری، کاهش و از بین بردن و محو صدمات وارده بر محیط زیست در نتیجه فعالیت‌های انجام شده در تمامی زمینه ها، با رعایت حق حاکمیت و علائق همه کشورها، ضروری است.»

۶۲. این اصل در اعلامیه های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است از جمله در منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولتها، منشور جهانی طبیعت قطعنامه ۳۷/۷ مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سند نهایی کنفرانس هلسنکی در مورد امنیت و همکاری در اروپا (اول اکتبر ۱۹۷۵)، بند ۲ ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، ماده ۲۰ کنوانسیون در مورد حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی که در ۹ ژوئیه ۱۹۸۵ به وسیله شش کشور آسیای جنوب شرقی امضا شد. بدین ترتیب وجود عنصر اول تشکیل دهنده عرف یعنی تکرار محرز است. از جانب دیگر کنوانسیون ژنو مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۹ در مورد آلودگی های آتmosphری فرامرزی از راه دور با تکرار اصل ۲۱ آن را بیان « اعتقاد مشترک » تلقی می نماید. به عبارت دیگر عنصر دوم تشکیل دهنده قاعده عرفی یعنی « اعتقاد حقوقی » نیز وجود دارد.

این اصل، که به اشکال گوناگون در متون غیر الزام آور^{۶۳} و همچنین در مواد معاهدات و کنوانسیونهای بین المللی مختلف^{۶۴} آورده شده است، مضمون در کل حقوق بین الملل محیط زیست است.

۳- سومین اصل وظیفه اطلاع رسانی در وضعیت بحرانی می باشد.

۶۳. به عنوان مثال می توان مورد زیر را یادآور شد:

- قطعنامه شماره (XXVII) ۲۹۹۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص «همکاری بین دولتها در زمینه محیط زیست» مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ متن در:

"Le regime juridique des ressources en eau internationales", FAO op. cit, p. 157.

- قطعنامه شماره (XXVIII) ۳۱۲۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۳ در خصوص همکاری بین دولتها در زمینه منابع طبیعی مشترک (منقسم)، بین دو یا چند کشور، متن در:

Ibid, p. 159-169.

«منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولتها»، قطعنامه شماره (XXIX) ۳۲۸۱ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد متن در:

Ibid, p. 161-164.

- توصیه نامه ها و قطعنامه های کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد آب، ماردل پلاتا، ۱۴.۲۵ مارس ۱۹۷۷، متن در:

Ibid, p. 165-175.

- توصیه نامه سازمان ملل متحد در مورد صحرازدایی، نابروبی، ۹ سپتامبر ۱۹۷۷، متن در:

Ibid, p. 176.

«اصول رفتاری در زمینه محیط زیست برای هدایت دولتها در مورد حفاظت و استفاده هماهنگ از منابع طبیعی مشترک (منقسم) بین دو یا چند کشور، ۱۹ می ۱۹۷۸، مصوب شورای اداری برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست، متن در:

Ibid, p. 177-180.

- قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، در پیرامون «همکاری در زمینه محیط زیست در مورد منابع طبیعی مشترک (منقسم) بین دو یا چند کشور، متن در:

Ibid, p. 163-184.

- اصل ۲۱ منشور جهانی طبیعت مصوب، ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد Doc/A/37/151, 1987

- سند نهایی کنفرانس هلسنکی در مورد امنیت و همکاری در اروپا، اول اکتبر ۱۹۷۵، فصل

«همکاری، شماره ۵ محیط زیست».

۶۴. اصولاً مبنای کلیه معاهدات مربوط به حفاظت از محیط زیست قبول ضرورت همکاری بین المللی می باشد به عنوان مثل نک:

(The Nordic Environmental protection convention)

یعنی دولتها موظفند به فوریت دول دیگر را از وقوع حادثه یا وضعیتی که می تواند موجب ورود خسارت به محیط زیست آنها گردد مطلع سازند. این اصل که ریشه در حقوق بین الملل عام دارد، کاملاً مشابه قاعده ای است که به موجب آن دیوان بین المللی دادگستری مطلع نمودن کشتی های جنگی انگلیس را از وجود مین در آبهای آلبانی لازم تشخیص داد. "اصل همکاری که در اسناد غیرالزام آور متعددی ذکر گردیده است،" غالباً در معاهدات مربوط به مجاری آب گنجانده شده است."

۴. اصل چهارم وظیفه مددکاری و کمک رسانی به دولت خارجی است که دچار موارد اضطراری می گردد. هر چند در غالب موارد در کنوانسیونهای مختلف اصل مددکاری همراه با «وظیفه اطلاع رسانی» آمده است، "اما به نظر می رسد با توجه به اینکه کمک رسانی در سرزمین یک دولت خارجی به توافقات خاصی نیاز دارد، بعید است بتوان چنین الزام و

کنوانسیون اسکاندیناوی (کشورهای اروپای شمالی) حفاظت از محیط زیست استکهلم، ۱۹۷۲

فوریه ۱۹۷۲، متن در:

SMTFE, Vol I, op. cit, pp. 403-4-5.

(Treaty for Amazonian cooperation)

Ibid p. 496-499

65. RCU, 1949, P. 22.

معاهده همکاری در خصوص آمازون

برزیل، ۳ ژوئیه ۱۹۷۸، متن در:

۶۶. به عنوان نمونه نک اصل ۹ از «اصول رفتاری در زمینه محیط زیست برای هدایت دولتها در مورد

حفاظت و استفاده هماهنگ از منابع طبیعی (مشترک) بین دو یا چند کشور» ۱۶ می ۱۹۷۸.

۶۷. به عنوان مثال می توان در رابطه با مجاری آب و رودخانه ها از کنوانسیون بن، ۳ دسامبر ۱۹۷۶، در

مورد حفاظت از رن، متن در:

SMTFE, Vol I, op. cit, p. 469, s..

یکی از مهمترین اسناد در این خصوص کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ (ماده ۱۹۸) می باشد.

نک همچنین به کنوانسیون منطقه ای کویت و دیگر کنوانسیونهای منطقه ای برای حفاظت از دریاها. متون

در همان منبع، صص ۴۸۵ به بعد و:

"ASEAN Agreement on the conservation of nature and Natural Resources", Kuala Lumpur, 1985, SMTFE, Vol II, op. cit, p. 343 et s.

۶۸. به عنوان نمونه نک به ماده ۳ پروتکل همکاری برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضره

در موارد اضطراری در خلیج فارس و ماده ۱۹۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای

وظیفه ای برای دولت قائل شد.^{۶۹}

۵. اصل پنجم وظیفه یک دولت در مطلع نمودن دولت خارجی از اقداماتی است که قصد انجام آنها یا صدور مجوز برای انجام آنها را دارد و ممکن است در نتیجه این اقدامات و فعالیتها به محیط زیست این دولت خارجی خسارت وارد شود. «اصل اطلاع قبلی از طرحها» در بسیاری از کنوانسیونهای چند جانبه^{۷۰} و دو جانبه^{۷۱} و اسناد غیرالزام آور^{۷۲} با قوت و ضعف متفاوت آمده است. البته این اصل می تواند مشکلاتی را به همراه داشته باشد، زیرا آنچه باعث می شود که یک دولت ملزم به مطلع نمودن طرف دیگر از طرحها و مقاصد خود باشد احتمال ورود خسارت به محیط زیست دولت ذیربط است. در اینجا پیش بینی احتمالی ایجاد چنین خطری در سرزمین کشور خارجی به مقدار زیاد به تشخیص و ارزیابی دولت صاحب طرح واگذار می شود.

۶۹. اگر به ماده ۱ کنوانسیون وین ۱۹۸۶ در مورد مددکاری در صورت وقوع حوادث اتمی یا موارد اضطراری را دیولوژیک که همراه با کنوانسیون وین ۱۹۸۶ در مورد اطلاع رسانی فوری در حوادث اتمی تصویب شد، متن این دو کنوانسیون در:

"Multilateral Treaties in the Field of the environment", edited by I Rummel- Bulska and Seth Osafo, Grotius, 1991, pp. 363-372.

مشاهده می شود که متعاهدین متعهد به همکاری با یکدیگر برای «تسهیل مددکاری» گردیده اند ولی بدون اینکه واقعاً برای دول دیگر الزامی در مدد رسانی به دولتی که در وضعیت اضطراری قرار دارد ایجاد شده باشد.

۷۰. در این زمینه بهترین نمونه را کنوانسیون استکهلم مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۷۲ در مورد حفاظت از محیط زیست عرضه می نماید (مواد ۲ و ۴ و ۶ و ۷). نمونه دیگر موافقتنامه کشورهای ASEAN در مورد حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی مورخ ۱۹۸۵ است.

۷۱. به عنوان مثال می توان از کنوانسیون بین فرانسه و بلژیک مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۶ در مورد حفاظت را دیولوژیک مربوط به تأسیسات نیروگاه اتمی آردن (Ardenne) نام برد.

۷۲. به عنوان مثال می توان از منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولتها، (R.A G/328/XXIX, 12, 12/ 1974) و قطعنامه شماره (XXVII) ۳۱۳۹ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نام برد.

۶. اصل ششم را می توان «برابری قضایی» نامید. منظور این است که هرگاه بر اثر فعالیتهای یا اقدامات انجام شده در قلمرو تحت صلاحیت یا نظارت کشور A محیط زیست در کشور B در معرض خطر قرار گیرد یا بدان آسیب وارد گردد، اتباع یا اشخاص^{۷۳} مقیم در کشور B که از این امر متضرر شده اند یا احتمال دارد متضرر شوند بتوانند در شرایطی همانند اتباع کشور A به محاکم این کشور (کشور A) رجوع و به همانگونه با آنها رفتار گردد.

۷. اصل هفتم کشورها را از وضع مقررات تبعیض آمیز و ملایم تر در خصوص فعالیتهایی که آثار مخرب خود را در خارج از قلمرو مرزی آنها ظاهر می نمایند منع می کند. قانون در صدور مجوز و کنترل فعالیتهایی که می تواند موجب خسارت به محیط زیست شوند نباید براساس محل وقوع خسارت احتمالی (داخل قلمرو ملی و خارج از قلمرو ملی) تبعیض قائل شود. این اصل در متون بین الملل متعددی گنجانده شده است.^{۷۴}

۲- اصول مصوب برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست (PNUE)

گرایش دوم به ویژه مبتنی بر اعمال «اصول رفتاری در زمینه محیط

۷۳. مسأله اشخاص حقوقی غیرانتفاعی می تواند مشکل خاصی ایجاد نماید. زیرا در بعضی از کشورها این اشخاص (که معمولاً انجمن های حفاظت از محیط زیست هستند) حق اقامه دعوا در جهت اهدافی که برای آن به وجود آمده اند را ندارند. راه حل انتخابی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OCDE) این است که اگر حقوق داخلی کشوری برای اینگونه اشخاص حق اقامه دعوا قائل شود، این کشور می بایستی برای اشخاص حقوقی غیرانتفاعی کشور دیگر نیز این حق را بشناسد. (توصیه نامه مورخ ۱۱ می ۱۹۷۶ شورای OCDE).

۷۴. نک:

- ماده ۲۲۷ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲

- ماده ۲ کنوانسیون استکهلم مصوب ۱۹ فوریه ۱۹۷۴ در مورد حفاظت از محیط زیست

- اصل ۱۳ از «اصول رفتاری در زمینه محیط زیست برای هدایت دولتها در مورد حفاظت و

استفاده هماهنگ از منابع طبیعی مشترک (منقسم) بین دو یا چند کشور»، ۱۹ می ۱۹۷۸.

زیست برای هدایت دولتها در مورد حفاظت و استفاده هماهنگ از منابع طبیعی مشترک (منقسم) بین دو یا چند کشور» مصوب برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست (۱۹ می ۱۹۷۸، نایروبی) در خصوص آبهای شیرین می باشد.

بلاشک آبهای شیرین یکی از شاخص ترین نمونه های منابع طبیعی مشترک (منقسم) بین دو یا چند کشور می باشد و از این روی تأکید بر اعمال این اصول نسبت به آبهای شیرین معقول به نظر می رسد. البته بخش اعظمی از اصول مندرج در این سند با اصول مربوط به آلودگی های فرامرزی هماهنگ و مشترک می باشند. در ذیل به صورت خلاصه و با توجه به مطالب عنوان شده در بخش مربوط به اصول حاکم بر آلودگی های فرامرزی، اصول مندرج در این سند را مورد بررسی قرار می دهیم:

- به موجب اصل اول دولتها می بایست، براساس برابری و احترام به حق حاکمیت و علائق یکدیگر، برای کنترل، پیشگیری، تخفیف و محو آثار زیانبار بر محیط زیست ناشی از استفاده از منابع طبیعی مشترک با یکدیگر همکاری نمایند.

- اصل دوم حاکی از لزوم کوشش دولتها در انعقاد قراردادهای دوجانبه و چند جانبه برای تضمین همکاری بین المللی و تنظیم رفتارهای خود و اجرای مفاد اصول مذکور در این سند است.^{۷۵}

- اصل سوم با تکرار اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم، دولتها را موظف می نماید به نحوی عمل نمایند که در استفاده از منابع طبیعی مشترک آثار سوء و زیانبار بر محیط زیست خارج از قلمرو صلاحیت و کنترل آنها به حداقل ممکن برسد.

- اصل چهارم دولتها را ملزم می نماید در رابطه با منابع مشترک قبل از مبادرت به فعالیتهایی که ممکن است موجب بروز اثرات محسوس بر محیط زیست دول دیگر گردد، ارزیابی های لازم را در رابطه با این تأثیرات

۷۵. برای تفصیل بیشتر در خصوص این اصل نک:

André Nolkaemper, "The legal Regime of transboundary water pollution: Between Discretion and constraint", Martinus Nijhoff, Dordrecht, 1993, pp. 151-164.

انجام دهد.^{۷۶}

- اصل پنجم دولتها را به تبادل اطلاعات و انجام مشاوره به طور منظم و در عدم امکان مکلف می نماید.

- به موجب اصل ششم، دولتی که در صدد اجرای طرحی در خصوص حفاظت، استفاده یا تغییر در نحوه استفاده از یک منبع طبیعی مشترک می باشد، در صورتی که اجرای این طرح بتواند بر محیط زیست دولتهای دیگر تأثیر محسوسی وارد نماید، موظف است آن دولتها را از چنین طرحی در فرصت مناسب مطلع نماید. به علاوه این دولت، در صورت درخواست سایر دول، باید با آنها در خصوص طرح خود مشورت نماید و همچنین اطلاعات تکمیلی لازم را در اختیار آنها قرار دهد. و اگر قوانین داخلی یا کنوانسیونهای بین المللی دولتی را از دادن اطلاعات مربوط به طرح ممنوع نماید، آن دولت باید براساس حسن نیت و قواعد حسن همجواری برای پیدا کردن راه حلی رضایت بخش عمل نماید.^{۷۷}

- اصل هفتم مقرر می دارد که تبادل اطلاعات، مطلع نمودن دولتهای دیگر از طرحها و مشورت با آنها و دیگر صور همکاری در خصوص منابع طبیعی مشترک باید براساس حسن نیت، حسن همجواری و بدون هیچگونه تأخیر غیرموجه صورت گیرد.

- به موجب اصل هشتم دولتها موظفند در صورت نیاز برای مشخص نمودن مشکلات مربوط به محیط زیست و منابع طبیعی مشترک، به انجام مطالعات و ارزیابی های علمی مشترک در جهت تسهیل یافتن راه حلهای مناسب برای آن مشکلات مبادرت نمایند.

- اصل نهم دولتها را مکلف می نماید در رابطه با استفاده از منابع طبیعی مشترک دولتهای دیگری را که محیط زیست آنها در معرض خطر است فوراً از وجود موارد اضطراری یا وقوع حوادث طبیعی وخیم و ناگهانی

۷۶. برای تفصیل بیشتر در خصوص این اصل نک:

Ibid, pp. 180-195.

۷۷. برای تفصیل بیشتر در خصوص این اصل نک:

Ibid, pp. 165-177.

مطلع نموده، در صورت ضرورت سازمانهای بین المللی ذیربط را در جریان امر قرار داده و در جهت محو، تخفیف و اصلاح آثار ناشی از این حوادث و موارد اضطراری با یکدیگر همکاری متقابل نمایند.

- اصل دهم به الزام دولتها در بررسی امکان اقدام مشترک آنها در جهت استفاده از خدمات سازمانهای بین المللی ذیصلاح برای مشخص نمودن مشکلات مربوط به منابع طبیعی مشترک (در صورت نیاز) اختصاص یافته است.

- به موجب اصل یازدهم، اختلافات راجع به محیط زیست در ارتباط با منابع طبیعی مشترک باید به صورت مسالمت آمیز و برطبق ضوابط منشور سازمان ملل متحد و قواعد حقوق بین الملل حل و فصل گردد.

- برطبق اصل دوازدهم، دولتها می بایستی تعهدات بین المللی خود در خصوص محیط زیست مربوط به منابع طبیعی مشترک را ایفا نمایند و گرنه در قبال خسارات وارده بر محیط زیست مناطق واقع در خارج از قلمرو صلاحیت ملی خود مطابق مقررات حقوق بین الملل مسؤول شناخته می شوند. دولتها همچنین موظفند برای توسعه حقوق بین الملل در رابطه با مسؤولیت و پرداخت غرامت برای خسارات وارده بر محیط زیست مناطق خارج از قلمرو صلاحیت خود با یکدیگر همکاری لازم را انجام دهند.

- به موجب اصل سیزدهم ضرورت دارد که دولتها در هنگام بررسی جوانب امر برای صدور مجوز فعالیتها در چارچوب سیاست ملی محیط زیست خود، اثرات زیان بار این فعالیتها بر محیط زیست را، بدون توجه به محل وقوع آن (قلمرو ملی یا خارج از آن)، مدنظر قرار دهند.

- وفق اصل چهاردهم، دولتها باید کوشش نمایند که در ارتباط با استفاده از منابع طبیعی مشترک اتباع خسارت دیده دولتهای دیگر در زمینه محیط زیست بتوانند، براساس قوانین داخلی آن کشور یا توافقات انجام شده بین دول، از حقوق اتباع برای رجوع به دادگاهها و تأدیه خسارت بهره مند گردند.

- به موجب اصل پانزدهم، اصول مذکور در این سند باید به نحوی تفسیر و اجرا گردند که توسعه و منافع تمام کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه را ترغیب نموده و مانع آن نشود.

فراسوی بحث در مورد وجود دو گرایش فوق، توجه به دو نکته ضروری است.

- اگر بین متون، اعلامیه ها و اسناد بین المللی غیرالزام آور، کنوانسیونها و معاهدات متعددی که به نحوی به مسأله مجاری آب، رودخانه ها و منابع آب مشترک بین دو یا چند کشور^{۷۸} و آلودگی آنها^{۷۹} پرداخته اند مقایسه ای صورت گیرد، شاهد تکرار نسبتاً منظم بعضی اصول مشابه خواهیم بود که در نتیجه تکرار اصول مزبور تبدیل به قاعده حقوق عرفی گردیده یا در شرف کسب چنین اعتباری می باشند: از جمله آنان موارد زیر است:

- سهم عادلانه برای هر دولت در استفاده از منابع آب مشترک^{۸۰}

- از ایجاد آلودگی های جدید یا افزایش درجه و شدت آلودگی های قبلی که بتواند موجب خسارات جدی و محسوس^{۸۱} در قلمرو دولت دیگر گردد باید خودداری گردیده و تدابیر لازم باید جهت به حداقل رساندن آلودگی های قبلی به طوری که دیگر نتواند به قلمرو دولت دیگر آسیب

۷۸. تعداد معاهداتی که اساساً مربوط به حفاظت از آلودگی های آبهای ارضی باشد اندک می باشد از جمله می توان از کنوانسیون ۲۷ اکتبر ۱۹۶۰ استکهون در مورد آلودگی دریاچه کنستانس و (Cf "The Legal Regime of International Rivers and lakes", op. cit., p. 110 etc.) و کنوانسیونهای

برن ۲۹ آوریل ۱۹۶۳، ۳ دسامبر ۱۹۷۶ (دو کنوانسیون) در مورد حفاظت از رن در مقابل آلودگی نام برد.

۷۹. لامر (J. G. Lammers) بیش از ۸۰ کنوانسیون و معاهده حاوی مقررات در خصوص آلودگی آبهای

شیرین را شمارش نموده است:

J. G. Lammers, "pollution of International watercourses, Nijhoff, 1984, p. 124 et s.

۸۰. ماده ۲ مقررات هلسینگی در خصوص استفاده از حوزه های آبی بین المللی، مصوب اوت ۱۹۶۶. متن

در:

"Le régime juridique ds ressources en eaux internationales", op. cit, p. 317.

۸۱. درخصوص خسارت و اثر محسوس و جدی نک:

André Nolkemper, op. cit, 24 et s., 33-34.

جدی وارد نماید اتخاذ شوند.^{۸۲}

- منابع آب لایزال نبوده و کیفیت آن باید متناسب با موارد استفاده از آن حفظ گردد.^{۸۳}

- آلودگی آب به مواد مسموم کننده در حدی که محیط زیست توان خنثی نمودن اثرات آن را نداشته باشد باید متوقف گردد.

- دولتهایی که دارای منابع آب مشترک هستند می بایست با یکدیگر همکاری نموده^{۸۴} به انعقاد قراردادهای دوجانبه و چند جانبه خصوصاً در رابطه با آلودگی مبادرت نمایند.

- این دولتها باید برنامه های مشترکی را برای کنترل کیفیت آب اجرا نموده و استانداردهایی مشترک برای کیفیت آب برقرار نمایند.^{۸۵}

- اطلاعات مربوط به آلودگی مبادله گردند.

- سیستم های مؤثر اعلام خطر ایجاد گردیده و در صورت لزوم نهادهای ویژه جهت کمکهای متقابل تأسیس شوند.

- توصیه در جهت ایجاد کمیسیونها و گروه های کاری مختلط

- نکته دوم این است که با توجه به تجربه جامعه اقتصادی اروپا^{۸۶} به نظر می رسد که بهترین راه حل برای حفاظت از آب های شیرین هنگامی که منافع دو یا چند کشور مطرح می گردد کوشش در جهت متحدالشکل

۸۲. ماده ۱۰ مقررات هلسینگی، متن در:

Ibid, p. 319.

۸۳. ماده ۲ و ۴ «منشور اروپایی آب» متن در:

Ibid, p. 232 et s.

۸۴. توصیه شماره ۵۱ «برنامه عمل برای محیط زیست» که همراه با اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم تصویب

Ibid, p. 155

گردیده است متن در:

۸۵. در این خصوص نک:

André Nolkaemper, op. cit, pp. 90 et s.

۸۶. به عنوان نمونه نک:

دستورالعملهای شورای جامعه اقتصادی اروپا:

75/440/16 juin 1975,
76/160/8 décembre 1975,

نمودن یا حداقل ایجاد هماهنگی بین قوانین و مقررات داخلی مرتبط با این مسأله می باشد.

۴. حفظ تنوع بیولوژیکی

۱. اهمیت حفظ تنوع بیولوژیکی

تنوع بیولوژیکی کره زمین منبع بسیار غنی و وسیعی است که متأسفانه بدان اهمیت لازم داده نشده است. حدود ۱۰۰ گونه مختلف هر روزه از بین می روند در حالی که غالباً برای همیشه ناشناخته باقی می ماندند زیرا دانشمندان نتوانسته اند بیش از یک میلیون و چهارصد هزار گونه را شناسایی نمایند.

این خسارات قطعاً برای بشر جبران ناپذیر است، زیرا نه تنها دارایی و میراث بیولوژیکی کاهش می یابد بلکه توان موجود برای تولید جدید و مفید نیز تحلیل می رود. اهمیت این مسائل هنگامی بهتر درک می گردد که به خاطر داشته باشیم تا امروز تنها بخش کوچکی از گونه های گیاهی و حیوانی جهت استفاده انسان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته اند. به عنوان مثال از مجموع ۲۶۵۰۰۰ گونه گیاهی فقط ۵۰۰ گونه کشت گردیده است.^{۸۷}

حتی ناچیزترین گونه ها نیز در اکوسیستمی که به آن تعلق دارند نقش مهمی را ایفا می نمایند. اما متأسفانه انسان آگاهی کافی به ارزش

76/462/4 mai 1976,

77/765/ 12 décembre 1977,

80/68/ 17 décembre 1979,

80/778/ 15 juillet 1980,

75/440/ 16 juin 1975,

76/160/ 8 décembre 1975,

76/464/ 4 mai 1976,

77/795/ 12 décembre 1977,

78/6591/ 18 juillet 1978,

80/68/ 17 décembre 1979,

80/7781/15 juillet 1980,

(Ibid, p. 90-129 (متون دستورالعمل های فوق در

86/280/ 12 juin 1986 (J. OCE, 1986).

87. PNUE, Nairobi, onu, 1991- p. 18.

آنچه هدر می دهد ندارد. غنای طبیعی کره زمین منحصر به گونه ها نمی گردد بلکه به طبقه بندی ژنتیکی که به هر ارگانیسم زنده خصوصیات لازم جهت امکان ادامه حیات و تحول را می دهد نیز مربوط می گردد. در تهیه داروها و مواد غذایی ژنتیسنها می توانند این ژنها را مورد استفاده قرار دهند. به عنوان مثال مواد کشف شده در صدف صورتی جنگلهای حاره ای ماداگاسکار شانس زنده ماندن کودکان مبتلا به بیماریهای خونی لوسمی (leucémie) را افزایش داده است.^{۸۸} در تهیه نیمی از داروها از گیاهان استفاده می شود و هنوز داروهای بسیاری هستند که کشف نشده اند.

تولید انبوه مواد غذایی در کشورهای توسعه یافته به زنجیر ژنتیک نازکی بسته است. تولید ۵۰ درصد مزارع گندم در کانادا از یک گونه ژنتیکی خاص می باشد. در ایالات متحده آمریکا تمامی صنعت نخود چینی (soja) بر پایه ۶ گیاه متعلق به یک منطقه در آسیا بنا گردیده است. این همگونی بسیار خطرناک است زیرا با شیوع یک بیماری انگلی کلیه محصولات آن در معرض خطر قرار می گیرند.

شدیدترین خطراتی که منابع ژنتیکی را تهدید می کنند عبارتند از: تخریب اکوسیستم خصوصاً در کشورهای منطقه حاره، انهدام زیستگاهها بر اثر توسعه کشاورزی، شهری، صنعتی و تأسیسات هیدروالکتریکی یا بر اثر آلودگی، بهره برداری بیش از حد یا فرسایش خاک.

از سوی دیگر شکار و تجارت غیرقانونی بخش بزرگی از گونه ها، آنها را در معرض خطر قرار داده است. در سال ۱۹۷۹، حدوداً ۱,۳۰۰,۰۰۰ فیل در آفریقا وجود داشت، اما امروز فقط ۶۵۰,۰۰۰ از آنها باقی مانده اند. وضعیت کرگدن سیاه آفریقایی نیز بسیار وخیم است و فقط چند هزار از آن باقی مانده است.

از بین رفتن تنوع بیولوژیک یکی از مهمترین و حادترین مسائل مربوط به محیط زیست و توسعه است. با از بین رفتن هر یک از گونه های

بیولوژیک، کشورهای در حال توسعه که اداره قسمت اعظم ثروتهای بیولوژیکی جهان را به عهده دارند، میزانی از ظرفیت و توان بالقوه خود برای دست یافتن به یک توسعه منطقی قابل قبول را از دست می دهند. منابع طبیعی پشوانه فعالیت های بشری است ولی در عین حال هر یک از این فعالیت ها، منابع طبیعی را در معرض خطر و خسارت قرار می دهند. برای مقابله با چنین وضعیتی باید از بینشی بسیار وسیع و جامع، که دربرگیرنده تمامی بخش های فعالیت های انسان در رابطه با یکدیگر باشد، برخوردار بود.

II تلاش های سازمان های بین المللی

در اواسط دهه ۱۹۷۰، PNUE، NICN^{۸۹} با اعتقاد به اینکه آینده بشری وابسته به سرنوشت گونه های در معرض تهدید جهان است، مبادرت به تهیه دو سند برای انجام اقدامات بین المللی نمودند. در اکتبر ۱۹۸۰ WWF، UICN، PNUE^{۹۰} «اعلامیه استراتژی برای حفاظت از دنیا»^{۹۱} را مطرح و اقدامات لازم جهت تحقق آن را آغاز نمودند.^{۹۲} و این اعلامیه اولین سند بین المللی است که به رابطه بین حفاظت از منابع زنده و توسعه اقتصادی منطقی در چارچوب یک سیاست جامع اختصاص یافته است.^{۹۳} این استراتژی تبدیل به مؤثرترین و بانفوذترین سند مربوط به حفاظت از منابع زنده در دهه ۱۹۸۰ گردید و بدنبال آن ۴۰ استراتژی ملی حفاظتی در چارچوب برنامه های توسعه ملی کشورهای مختلف گنجانده شد. سند دوم، «منشور جهانی طبیعت» (WCN) است که به ابتکار دولت زئیر تهیه و در ۱۹۸۲ به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد.^{۹۴}

89. Union International pour la Conservation de la Nature.

(اتحادیه بین المللی برای حفاظت از طبیعت).

90. World wildlife fund.

91. World conservation Stratog (WCS).

92. P. W. Birnie and A. E. Boyle, "International law and Environment", Oxford university press, newyork, 1993, pp, 428-30.

93. PUNE, op. cit, 19.

۹۴. برای متن انگلیسی نک:

فعالیت‌های PNUE دو جنبه دارد، هم در زمینه حفاظت از گونه‌ها و منابع ژنتیکی آنها است و هم در زمینه حفاظت از زیستگاههایی که این گونه‌ها در آنها زندگی نموده و تحول می‌یابند.

«مرکز نظارت بر حفاظت جهانی»⁹⁵ به کمک PNUE ارزیابی پراکندگی و شمارش گونه‌ها را در سطح جهان انجام می‌دهد. PNUE و UICN طرح علمی حفاظت از فیله‌ها و کرگدنهای آفریقایی و آسیایی، میمون‌ها، گربه و خرس قطبی را برنامه‌ریزی و منتشر نموده‌اند. همچنین طرح صورت برداری از زیستگاه‌ها و ارزیابی ارزش آنها از نقطه نظر حفاظتی با پشتیبانی PNUE صورت گرفته است.

PNUE با همکاری FAO طرحهای «حفاظت در محل»⁹⁶ از منابع ژنتیک جنگلی را در کامرون، مالزی و پرو و همچنین ۲۲ طرح «حفاظت از خارج»⁹⁷ در آفریقا و آسیا اجرا نموده است. PNUE خصوصاً کوشش می‌نماید از ژنهای گیاهان محلی برای بهبود و بازسازی زمینهای خشک و نیمه خشک استفاده نماید. FAO و PNUE هزینه‌های مالی طرحهای راهنما برای حفاظت از منابع ژنتیکی حیوانات در معرض تهدید را به

ILM, 1983- pp. 455-60.

برای تفسیر و تحلیل این منشور نک:

Burhenne and Irwin, "The world charter for nature: A Background paper", Berlin, 1983.

95. Centre de surveillance de la Conservation Mondiale (WCMC).

96. Conservation in situ.

ماده ۲ کنوانسیون درباره تنوع بیولوژیکی ۱۹۹۲ ربو، «حفاظت در محل» را چنین تعریف می‌نماید: «حفاظت از اکوسیستمها و زیستگاهها و حفظ و بازسازی جمعیت ماندگار گونه‌ها در محیط طبیعی خود، و در مورد گونه‌های اهلی و کشت شده، در محیطی که خصوصیت‌های بارز آنها توسعه می‌یابد».

RGDIP, 1992, P.

متن فرانسوی در:

954

برای توضیحات بیشتر رجوع شود:

C. DE KLEMM, "le patrimoine naturel de l' humanit in "The future of the international law of the environment" RCADI, colloque of 1984, pp. 121-122.

97. Conservation ex situ

ماده ۲ کنوانسیون درباره تنوع بیولوژیکی ۱۹۹۲ ربو، «حفاظت از خارج» را چنین تعریف می‌نماید: «حفاظت از عناصر تشکیل دهنده تنوع بیولوژیکی در خارج از محیط طبیعی آنها».

عاهده می گیرند.^{۹۹} فعالیت آنها عموماً متوجه نیازهای کشورهای در حال توسعه می باشد.

در زمینه حفاظت از زیستگاهها، PNUE با همکاری برنامه «انسان و بیوسفر»^{۱۰۰} که تابع UNESCO است شبکه جهانی قرقهای بیوسفر را تشکیل داد. این شبکه برای تحقیقات نظارت، مدیریت و آموزش و بهره برداری منطقی از منابع مورد استفاده قرار می گیرد.^{۱۰۱} در سال ۱۹۹۰ این شبکه شامل ۲۸۶ قرق در ۷ کشور بوده است.^{۱۰۲} تجارت بین المللی گونه های وحشی و تولیدات مربوط به آنها که بالغ بر میلیاردها دلار می گردد هزار گونه را در خطر انقراض قرار داده است. PNUE مسؤولیت دبیرخانه کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های گیاهی و حیوانی وحشی در معرض انقراض (CITES)^{۱۰۳} را به عهده دارد. این کنوانسیون که در سال ۱۹۷۵ لازم الاجرا گردیده است تجارت حدود ۲۰۰۰۰ گونه در معرض انقراض را ممنوع یا کنترل می کند. با الحاق ۱۶۰ کشور به این کنوانسیون، زنجیری مستحکم از سازمانهای مدیریت ملی و علمی ایجاد شده است. دبیرخانه PNUE/CITES در رابطه بسیار نزدیک با ادارات گمرک بوده و کتابی حاوی گونه های در معرض انقراض را منتشر ساخته است. در اکتبر ۱۹۸۹، قدمی بسیار مهم در جهت حمایت از فیلهای آفریقا از جانب اعضای CITES برداشته شد و آن ممنوعیت تجارت بین المللی عاج بود. حمایت از گونه های مهاجر، بدون همکاری کشورهای محل عبور این گونه ها امکان پذیر نیست. PNUE در عین حال مسؤولیت دبیرخانه کنوانسیون ۱۹۷۹ درباره حفاظت از گونه های مهاجر جانوران وحشی^{۱۰۴}

۹۸. این دو ارگان مخارج ۵ طرح برای حفاظت از نسل حیوانات در معرض انقراض در آنتیوی را برعهده گرفته اند. PNUT, op. cit, p. 20.

۹۹. "L' Homme et la biosphère", (MAB).

۱۰۰. PNUE, op. cit, p. 10.

۱۰۱. Ibid.

۱۰۲. Convention sur le Commerce International des Espèces de Faune et Flore Sauvage menacées d'extinction.

در خصوص این کنوانسیون نک:

P. W. Birnie and A. E. Boyle, op. cit, pp 475-480.

۱۰۳. Convention sur la conservation des espèces migratrices d' animaux sauvages.

(CMS) را نیز بر عهده دارد. این کنوانسیون که تاکنون بیش از ۳۰ کشور به آن ملحق شده اند چارچوب مناسبی برای انجام تحقیقات هماهنگ، حفاظت از زیستگاهها و تنظیم مقررات برای شکار می باشد.^{۱۰۲}

ملاحظه می گردد که درخصوص ضرورت حراست و حفاظت از تنوع بیولوژیکی جهان در سطح بین المللی اتفاق نظر کلی وجود دارد. این اجماع که حاصل فعالیتها و نفوذ جامعه علمی و بعضی از سازمانهای جهانی مثل PAUNE, UICN, UNCEC می باشد با تصویب برخی اصول کلی و انعقاد چندین کنوانسیون بین المللی تا حدودی جنبه حقوقی نیز یافته است. ابتداءً باید از اصول مندرج در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم نام برد. این اصول در «منشور طبیعت» مصوب ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تکرار و توسعه یافته اند. اصل دوم این منشور خلاصه ای جامع است: «قابلیت حیات ژنتیکی زمین قابل مسامحه نیست. جمعیت هر یک از گونه های وحشی یا اهلی، حداقل در سطح لازم برای ادامه حیات آن، حفظ و زیستگاههای لازم بدین منظور حراست خواهد شد».^{۱۰۳} البته مشخص است که این اسناد تعهدات الزام آور ایجاد نمی نمایند (soft law)، بلکه اعلام می دارند که اراده لازم برای هرگونه برنامه ریزی جهت دست زدن به اقدامات بین المللی برای تحقق اهداف مذکور وجود دارد.

البته کنوانسیونهای بین المللی - که تعداد آنها بسیار زیاد ولی معمولاً منطقه ای هستند -^{۱۰۴} تکالیفی را در زمینه حفاظت و حراست از تنوع بیولوژیکی ایجاد می کنند که در نتیجه حقوق حاکمه دولتها نسبت به منابع طبیعی خود محدود می شود. این امر که این محدودیتها به گونه ای اختیاری و داوطلبانه و بدون عوض و به نام نفع عمومی پذیرفته شده اند حاکی از اجماع موجود است. در بعضی از این کنوانسیونها، دولتها تا آنجا پیش می روند که مسؤولیتی خاص در خصوص حفاظت از گونه هایی که فقط در

۱۰۲. این کنوانسیون در سال ۱۹۸۳ لازم الاجرا گردیده است. درباره این کنوانسیون نک:

P. W. Birnie and A. E. Boyle. op. cit, pp. 470- 75.
105. ONU, Doc A/37/5, 1982.

PNUC, Bio, Div. 3/inf. 6

۱۰۶. برای فهرست این کنوانسیونها نک:

سرزمین آنها وجود دارد برای خود می شناسند.

تعداد فزاینده کنوانسیونها - هر چند که منطقه ای یا مربوط به موارد حاضر باشند - که موضوع آنها حفاظت از تنوع بیولوژیکی است و همچنین شمار زیاد دولتهایی که به این کنوانسیونها ملحق شده اند (۱۰۳ به cites و ۱۱۶ به کنوانسیون میراث جهانی)^{۱۰۷} بیانگر این است که ضرورت حفاظت و حراست از تنوع بیولوژیکی بر اختلافات سیاسی فائق آمده است. ایجاد برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست بعد از کنفرانس استکهلم، گسترش فعالیتهای این نهاد خصوصاً در رابطه با حمایت از دریاها و منطقه ای، فعالیتهای یونسکو به ویژه در چارچوب برنامه انسان و بیوسفر^{۱۰۸} (MAB) و همچنین تلاشهای سازمانهای بین المللی متعدد دیگر از قبیل FAO^{۱۰۹} حاکی از این واقعیت است که در این زمینه حول اصول جهانی پذیرفته شده توافق عامی بین دول به وجود آمده است.^{۱۱۰}

حال باید این وفاق عام در قوانین ملی از طریق اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت مؤثر از ذخایر بیولوژیکی تجلی یابد و دولتها قبول نمایند که به موجب قواعد حقوقی ملزم به رعایت و اجرای این تدابیر هستند. این هدف برای مثال می تواند از طریق گنجاندن اصولی در قانون اساسی در این رابطه تحقق یابد. تعدادی از دولتها این راه را برگزیده اند. در فقدان قواعد حقوق اساسی، یا برای تضمین اجرای اصول قانون اساسی در این زمینه دولتها قوانینی را بر این مبنا که حفاظت از طبیعت نفع عمومی است تصویب نموده اند.

اگرچه عموماً در عالیتین سطوح دولتها در خصوص حفاظت از تنوع بیولوژیکی اتفاق نظر وجود دارد و قوانین در این رابطه معمولاً به اتفاق آرا تصویب می شوند ولی هنوز این مسأله در اجتماع و خصوصاً در دوایر دولتی

107. World Heritage Convention.

Voir, P. W. Birnie and Alan- e. Boyle, op. cit, p. 468 et 1.

108. Man and Biosphere Programmes.

C. de KLEMM, colloque de 1948, RCADI, op, cit, pp 133-134.

110. KLEMM, "La conervation de la diversité biologique: obligation des Etat et devoir ds citovens", Revue juridique de l'environnement", Loyone, n° 4, 1989, p. 395.

و عمومی کاملاً جا نیافته است. غالباً اداره طرف دعوا و هم قاضی است. مواردی که اداره مسؤول حفاظت از محیط زیست بتواند بر علیه تصمیمات دیگر دواير اداري شکایت و آنها ملفی نماید یا اینکه حق و توداشته باشد بسیار اندک است.

بنابراین ضروری است که دولت صلاحیت خود را در مواردی که خطر ورود خسارت شدید و غیرقابل جبران به تنوع بیولوژیکی وجود دارد محدود نموده و قبول نماید که تدابیر حفاظتی علاوه بر شهروندان برای خود او نیز لازم الاتباع است. قوانین اساسی و عادی شهروندان را ملزم به عدم ورود خسارت بلکه مکلف به حفاظت و حراست از محیط طبیعی و تنوع بیولوژیکی می نمایند. وظایف و تکالیف دولتها و شهروندان در حفاظت از تنوع بیولوژیکی نمی تواند از مجموع شرایط اقتصادی اجتماعی که بستر اجرای آنها است جدا باشد. لذا استراتژیهای ملی در این خصوص باید با توجه به ضرورتهای توسعه اقتصادی تدوین گردند و گرنه محکوم به شکست خواهند بود. این استراتژیها همچنین باید حاوی جنبه های مختلف حقوقی در خصوص بهره برداری از محیط طبیعی (حقوق جنگل، حقوق روستایی، حقوق حفاظت از طبیعت...) باشند. اما به خاطر اینکه این استراتژیها موفق باشند احتمالاً لازم است که تأسیسات حقوقی جدیدی برای اداره و مدیریت واحدهای زیست محیطی در کلیت خود به صورت جامع (مثل رشته های کوه یا بستر رودخانه) ایجاد نمود. نهایتاً در کشورهایی که مواد کشاورزی بیش از حد نیاز تولید می شدند باید توقف کشت به منظور حفظ حداقل تنوع بیولوژیکی فضای روستایی که بیش از پیش حالت مصنوعی پیدا کرده است تشویق شود. البته این روش تنها در کشورهای صنعتی که دارای قدرت اقتصادی لازم هستند قابل اجرا می باشد.

در بیشتر کشورهای حاره ای امکانات لازم وجود ندارد. و دقیقاً در این کشورها - به ویژه در جنگلهای حاره ای مرطوب که زیستگاه غالب گونه ها هستند - تنوع بیولوژیکی بیش از هر جای دیگر در خطر است. در

نتیجه الزامات بین المللی دولتهای جهان سوم به سختی قابل تحقق است. تکالیف دولت در حفاظت از تنوع بیولوژیکی سرزمین خود، بدون داشتن امکانات لازم برای تحقق آن یا بدون اینکه این امکانات در اختیار او قرار گیرد کاملاً بی معنی و بدون فایده است.

حمایت از ذخایر عظیم بیولوژیکی زمین جز با همکاری و کمکهای مالی بین المللی و ایجاد یک چارچوب حقوقی جهانی امکان پذیر نیست. لذا وجود یک کنوانسیون جهانی در این زمینه از اهمیت خاص برخوردار است. در این راستا در سال ۱۹۸۸ به دنبال تصمیم شورای اداری PNUME یک گروه کاری کارشناسی تشکیل گردید. این گروه در اجلاسهای متعدد که با همکاری نزدیک FAO و UICN و WWF و UNESCO تشکیل داد، تحقیقی را در خصوص فوائد یک «کنوانسیون کلی عمومی» آغاز و محتوای فنی آن را به گونه ای وسیع با توجه به ضرورتهای اجتماعی - اقتصادی مورد بررسی قرار داد در پایان این تحقیقات مشخص شد که نهاد بین المللی حقوقی جدید که برای ایجاد آن تلاش می شود نباید کنوانسیونهای موجود در رابطه با حفاظت از ذخایر بیولوژیکی را حذف یا در خود استحاله نماید بلکه باید مکانیزمها و برنامه های عملی تازه و نوبی را برای مسدود نمودن راههای فرار از کنوانسیونهای قبلی ایجاد نموده، و کلیه حوزه های مربوط به حفاظت را شامل شود. این نهاد جدید می بایستی چارچوبی برای همکاری بین کشورهایی که از نقطه نظر منابع بیولوژیکی غنی هستند (کشورهای جنوب) و کشورهای صاحب تکنولوژی شمال در حفاظت از میراث مشترک بشریت باشد.

II کنفرانس ریو درباره تنوع بیولوژیکی

در ۵ ژوئن ۱۹۹۲ نهایتاً انتظاراتها به سر می رسد و «کنوانسیون درباره تنوع بیولوژیکی» که متن آن در کنفرانس بین الدولی که در ۲۲ می ۱۹۹۲ در مرکز PNUME در نایروبی به تصویب رسیده بود پس از چهار سال مذاکره به وسیله دولتهای شرکت کننده در کنفرانس ریو امضا

می گردد.^{۱۱۱} در آغاز چهارمین اجلاس مذاکرات، تصویب این کنوانسیون به جهت مخالفت آمریکا با بسیاری از ابعاد محتوای آن (خصوصاً در رابطه با اصول اساسی و تکالیف مربوط به حفاظت) با خطر جدی روبه رو شد، با وجود این، ۱۵۳ کشور این کنوانسیون را در ریو امضا کردند. اهمیت این کنوانسیون، هر چند که رضایت هیچکس را کاملاً جلب نکرد،^{۱۱۲} در شرایط کنونی و با توجه به وضعیت گونه ها در جنگلهای حاره ای و شرایط کشورهای در حال توسعه^{۱۱۳} قابل تردید نیست. شرکت فعال کشورهای گروه ۷۷ و همچنین چین در مذاکرات در محتوای کنوانسیون تأثیر شایانی داشته است. این کنوانسیون دارای ۴۲ ماده و مقدمه ای طولانی مشتمل بر ۲۳ بند می باشد. این مقدمه اعلام می نماید که حفاظت از تنوع بیولوژیکی مشکل و مسأله مشترک بشریت بوده (بند ۳) و دولتها مسؤول حفاظت از تنوع و بهره برداری پایدار منابع بیولوژیکی خود می باشند (بند ۵). با این وجود به نظر می رسد که ماده ۳ این کنوانسیون برخلاف دکترین^{۱۱۴} منابع ژنتیکی را به عنوان «میراث مشترک بشریت» تلقی نمی نماید. گرایش مزبور در طرحی که به وسیله مصطفی تولبا مسؤول اجرایی PNUC در اجلاس دوم ژنو ۱۹۹۰ عنوان گردید کنار گذاشته شد.^{۱۱۵} ماده ۳ کنوانسیون مقرر می نماید که: وفق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین الملل، دولتها دارای حقوق حاکمه برای بهره برداری از منابع خود^{۱۱۶} براساس

۱۱۱. متن فرانسه این کنوانسیون در

RGDI P., 1992, pp. 952- 974.

112. M. A. HERMITE, "La Convention sur la Diversité Biologique", AFDI, 1992, p. 844.

این کنوانسیون خصوصاً از نقطه نظر «حفاظت گرای» - که به فشارهای سیاسی ناشی از حقوق توسعه توجه چندانی ندارند - یک شکست کامل است. قدمهای اولیه در تدوین این کنوانسیون که با چنین بینشی آغاز شده بود در میان راه ندادم نیافت.

113. P. W. Birnie and A. E. Boyle, op. cit, p. 483.

114. Kiss, "La notion de patrimoine commun de l'humanité", RCADI, 1982, VOII, 99-256, surtout p. 194. C. DE KLEMM, RCADS, colloque 1985, op. cit, pp. 138 et s.

۱۱۵. نک:

HERMITE, op. cit, pp. 851 et s.

۱۱۶. ملاحظه می گردد که در اینجا ماده ۳ منابع بیولوژیکی را به سایر منابع طبیعی متصل می نماید در حالی که متن پیشنهادی ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۱ دقیقاً از منابع بیولوژیکی نام می برد.

سیاست محیط زیستی خاص خود می باشند و مکلفند به گونه ای عمل نمایند که فعالیتهای انجام شده در محدوده تحت صلاحیت و کنترل آنها باعث ورود خسارت به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطقی که تحت صلاحیت ملی هیچ کشوری نمی باشد نشوند. در این راستا بند ۴ مقدمه نیز بر حقوق حاکمه دولتها بر منابع بیولوژیکی خود تأکید می ورزد. به موجب بند ۱ ماده ۱۵ دولتها حق حاکمیت بر منابع طبیعی خود را داشته و نحوه دسترسی به این منابع را براساس قوانین داخلی خود تعیین می نمایند لذا کسب اجازه قبلی لازم و مشروط است به کمک مالی کشورهایی که خواستار دسترسی به این منابع می باشند. بنابراین به نظر می رسد که تأکید مقدمه بر «اهمیت تنوع بیولوژیک در جهت حراست از سیستمهای حافظ بیوسفر»،^{۱۱۷} و نقش «همکاریهای بین المللی و منطقه ای و جهانی بین دول و سازمانهای بین الدولی و بخش غیردولتی در حفاظت از تنوع بیولوژیکی و استفاده پایدار از عناصر آن»^{۱۱۸} «و تقسیم عادلانه منابع حاصل از بهره برداری از منابع بیولوژیک»،^{۱۱۹} دارای قوت و تضمین قانونی لازم نیست.^{۱۲۰}

به موجب ماده ۴ قلمرو اجرای این کنوانسیون شامل منابع بیولوژیک موجود در محدوده صلاحیت ملی کشورهای عضو می باشد.^{۱۲۱} در این شرایط دولتها تکالیفی در خصوص حفظ و استفاده پایدار از این منابع خواهند داشت، از آن جمله است: تدوین استراتژی، طرح و برنامه های ملی (ماده

۱۱۷. بند ۲ مقدمه.

۱۱۸. بند ۱۴ مقدمه.

۱۱۹. ماده ۱ کنوانسیون.

۱۲۰. تحقق چنین اهدافی شاید مستلزم تعیین مناطقی بود که در آنها برای حفاظت از منافع جهانی، حاکمیت دولت ذریع محدود گردیده و تنها در چارچوب قواعد حفاظت از تنوع بیولوژیک و تحت کنترل جامعه بین المللی قابل اعمال باشد. کشورهای در حال توسعه به جهت مغایرت چنین بینشی با حق حاکمیت خود با آن مخالفت نمودند.

۱۲۱. در رابطه با قلمرو اجرای کنوانسیون مسائل متعددی قابل طرح است. نک:

HERMLTTE, op. cit, pp. 860-62.

۶)، بویژه در ارتباط با «حفاظت در محل» (ماده ۸) که «حفاظت از خارج» (ماده ۹) آن را تکمیل می کند؛ شناسایی و مراقبت از گونه (ماده ۷). برای مناطق خارج از صلاحیت ملی، ماده ۵ مکانیسم همکاری هایی مستقیم یا غیرمستقیم از طریق سازمانهای بین المللی ذیصلاح را مقرر می دارد.

ماده ۱۰ کنوانسیون به «استفاده پایدار از عناصر سازنده تنوع بیولوژیک» اختصاص یافته است. به موجب بند ۱۶ ماده ۲، «استفاده پایدار، استفاده از عناصر سازنده تنوع بیولوژیک به طریق و آهنگی است که در درازمدت موجب فقر این منابع نگردد و بدین ترتیب ظرفیت بالقوه آنها را برای پاسخگویی به نیازها و خواسته های نسل های حال و آینده حفظ نماید». کنوانسیون در این جهت پیشنهادات مختلفی می نماید، از جمله: گنجاندن تدابیر مربوط به استفاده پایدار در چارچوب تصمیم گیری های ملی، تصویب مقررات لازم برای جلوگیری از فعالیتهای انسانی که می تواند موجب خسارت به تنوع بیولوژیک شود، کمک به اهالی محلی برای اجرای تدابیر لازم در مناطقی که تنوع بیولوژیک تضعیف یا فقیر گردیده است... ماده ۱۱ بر اتخاذ تدابیر تشویقی اقتصادی و اجتماعی منطقی در جهت استفاده پایدار از منابع بیولوژیک تأکید می نماید. ماده ۱۲ یادآور اهمیت تحقیقات و آموزش گردیده و ماده ۱۳ به وظایف متعاهدین در ایجاد آگاهی و حساسیت عمومی در خصوص حفاظت از تنوع بیولوژیک اشاره می نماید.

حفاظت از تنوع بیولوژیک نیازمند صرف مخارج است. مواد ۲۰ و ۲۱ کنوانسیون چگونگی تقسیم این هزینه ها را تعیین می نماید.

هر چند بند ۱ ماده ۲۰ کلیه متعاهدین را مکلف می نماید در صورت داشتن امکانات لازم خود هزینه ها را بر عهده بگیرند، اما بطور کلی منابع مالی برای اجرای مقررات مندرج در کنوانسیون از طرف کشورهای توسعه یافته تأمین می گردد. وفق بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۰ کشورهای توسعه یافته باید «منابع مالی جدید و اضافه را برای تأمین کلیه

هزینه هایی که کشورهای در حال توسعه برای ایفای تعهدات ناشی از کنوانسیون متحمل می شوند ارائه دهند. به موجب بند ۴ ماده ۲۰ کشورهای در حال توسعه تنها در حدودی که کشورهای توسعه یافته به تعهدات خود در خصوص تأمین کلیه هزینه های مالی و انتقال تکنولوژی عمل نمایند، ملزم به ایفای تعهدات ناشی از کنوانسیون می باشند. ارزیابی هزینه هایی که کشورهای در حال توسعه در رابطه با اجرای کنوانسیون متحمل می شوند به عهده «کمیته فنی کارشناسان» که کنفرانس باید آن را ایجاد نماید می باشد. مواد ۱۶ و ۱۱ همچنین انتقال تکنولوژی و دسترسی کشورهای در حال توسعه به تکنولوژی را پیش بینی می نماید.

مواد ۲۳ تا ۴۲ به جنبه ساختاری و نهادها و ارگانهایی که در اجرای کنوانسیون ایجاد می گردند اختصاص یافته است. «کنفرانس متعاهدین» که ماده ۲۳ ایجاد آن را پیش بینی می نماید مسؤول دریافت گزارشات دولتها در خصوص اجرای کنوانسیون می باشد. این کنفرانس به وسیله دبیرخانه (ماده ۲۴) و «ارگان معین مسؤول ارائه نظریات علمی، فنی و تکنولوژیکی» در انجام وظایف خود یاری می گردد.

در صورت بروز اختلاف در تفسیر یا اجرای کنوانسیون حاضر، طرفین باید آن را از طریق مذاکره، پایمردی، میانجیگری، داوری و ارجاع به دیوان بین المللی دادگستری حل و فصل نمایند (ماده ۲۷). ماده ۳۷ کنوانسیون حق شرط را ممنوع اعلام می نماید، البته دولتها می توانند دو سال بعد از لازم الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به آنها با اعلام قبلی یکساله از کنوانسیون خارج شوند.

۵- حراست از لایه اوزون

۱- اهمیت جهانی کاهش لایه اوزون و اقدامات بین المللی انجام شده

یکی از مسائلی که مربوط به کل مردم جهان بوده و وابستگی بشریت را به خوبی متجلی می نماید، مسأله حفظ تعادل اتمسفر کره زمین است.

آلودگی را که باد به همراه می آورد یا بر فراز استراتسفر^{۱۲۳} شناور است در مرزهای هوایی یک کشور متوقف نگردیده^{۱۲۴} و همه کشورهای و کل بشریت را متأثر می سازد. لایه اوزون مثال بسیار مناسبی است. لایه اوزون سپر نازکی از گاز است که زمین را در مقابل تشعشعات مسموم کننده خورشید حفاظت می نماید. آلودگی استراتسفر، ناشی از بعضی از فعالیتهای بشری، موجب آسیب جدی لایه اوزون گردیده و تنها اقدامات جمعی و جامع می تواند جلوی ضایعات بعدی را گرفته و لایه اوزون را از تخریب نجات دهد. اقدامات جهانی در این زمینه تحت نظارت PNUE آغاز گردیده است. اگر اوزون در سطح کره زمین برای حیات زیان بخش است اما وجود آن در استراتسفر در ۱۵ تا ۵۰ کیلومتری فضای بالای سر ما برای ادامه زندگی در سطح زمین از اهمیت حیاتی برخوردار است.

هر سال در فصل بهار در قطب جنوب حفره ای در لایه اوزون بر فراز جنوبگان ایجاد می شود. در طی ۲۰ سال گذشته در نوار عرضی در نیمکره شمالی که از مدار قطبی تا صحرا ادامه دارد، تراکم متوسط اوزون ۱٪ در تابستان و ۴٪ در زمستان تقلیل یافته است.

این تقلیل تراکم در لایه اوزون بشر را با خطر جدی روبه رو می سازد. لایه اوزون مانع نفوذ غالب پرتوهای ماوراء بنفش ب خورشید که باعث ایجاد سرطان پوست و آب مروارید نزد انسان می شود می گردد. کاهش ضخامت لایه اوزون همچنین رشد گیاهان، از جمله کشت مواد غذایی، را کند نموده و میکرو ارگانیسمهایی که مبنای زنجیره تغذیه دریایی را تشکیل می دهند از بین می برد. طبق ارزیابی های انجام شده عبور و نفوذ پرتوهای ماوراء بنفش در ازای هر ۱٪ کاهش ضخامت لایه

۱۲۳. لایه ای از آتسمفر واقع بین تروپوسفر (Troposphere، ۶ تا ۷ کیلومتر ارتفاع) و مزوسفر (Mésosphère، ۵۰ کیلومتر ارتفاع).

۱۲۴. از نقطه نظر حقوقی آن قسمت از لایه اوزون که در ارتفاعی بین ۱۰ تا ۳۰ کیلومتر در استراتسفر قرار دارد بدون شک جزء فضای هوایی کشورها محسوب می شود.

اوزون می تواند باعث کور شدن ۱۰۰,۰۰۰ انسان مبتلا به بیماری آب مروارید و ۳٪ افزایش سرطان پوست، غیر از ملانوم، شود. میزان ملانوم که خطرناکترین سرطان پوستی است نیز می تواند به نوبه خود افزایش یابد.

انسان محصولات شیمیایی تولید می نماید که باعث تخریب لایه اوزون می شود. مهمتر از همه کلروفلوئورکربن (CFCs) است که در آئرسولها، در یخچالها و مواد شوینده و ... مورد استفاده قرار می گیرد. در ۱۹۷۷، PNUE یک گردهمایی با حضور کارشناسان این فن تشکیل داد که برنامه جهانی را با تأکید خاص بر امر تحقیقات برای مقابله با تخریب لایه اوزون تصویب نمود.^{۱۲۵} ارگانها و آژانسهای مختلف سازمان ملل متحد، طرحهای خاصی را در این رابطه آغاز و پیگیری نمودند و PNUE مسؤول هماهنگی مجموعه برنامه گردید. کمیته هماهنگی لایه اوزون (CCCO) ایجاد شد. این کمیته متشکل از نمایندگان دولتها، نهادهای ذیربط و تولیدکنندگان مواد شیمیایی بود.

هنگامی که PNUE اولین گزارش خود برای ارزیابی و صنعت لایه اوزون در سال ۱۹۷۸ منتشر نمود، این مسأله از نظر علمی چنان ناشناخته و مبهم بود که گزارش مذکور فقط حاوی ۵ برگ بود. از آن زمان به بعد PNUE همراه با نهادهای سازمانهای دیگر از جمله OMM, CCCO (سازمان جهانی هواشناسی) تحقیقات گسترده ای را در این زمینه دنبال کردند، در حال حاضر اطلاعات علمی در این زمینه به میزانی افزایش یافته است که یکی از آخرین گزارشات منتشره توسط چهار کمیته تحقیقاتی بین المللی حاوی بیش از ۲۰۰۰ صفحه می باشد.

در اواخر دهه ۱۹۷۰، بعضی از کشورها تصمیم گرفتند که استفاده از CFCs در آئرسولها را تابع مقررات نمایند. با این حال استفاده از CFCs برای مصارف دیگر همچنان مثل سابق ادامه می یافت و در سال ۱۹۸۴ میزان انتشار این گاز افزایش معادل ۵٪ در سال را نشان می داد.^{۱۲۶}

125. Comité de Coordination de la Couche d'Ozone.

126. UNEPL "G. 69/10; UNEP, "Environmental policy and Law" 1982, n° 2, pp. 64-65.

II- کنوانسیون ۱۹۸۵ وین

در سال ۱۹۸۱، PNUE گروه کاری را به منظور تهیه کنوانسیون جامع برای حفاظت از لایه اوزون تشکیل داد و مانند کنوانسیون ۱۹۷۹ آلودگی آتمسفری فرامرزی از راه دور، می بایستی میان منافع گروههای کشورهای مختلف مثل چین، هند و برزیل، جامعه مشترک اروپا، آمریکا... هماهنگی و توازن ایجاد می گردید.^{۱۲۷} ۲۰ کشور، به علاوه جامعه اروپا، این کنوانسیون را در ۱۹۸۵ در وین امضا نمودند.^{۱۲۸}

این کنوانسیون مانند کنوانسیون ۱۹۷۹ ژنو در مقدمه خود اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم را تکرار می نماید. نقطه ضعف این کنوانسیون دوگانگی و قرار گرفتن در بین اقدامات قاطع و لزوم انجام تحقیقات بیشتر می باشد. لزوم تحقیقات بیشتر، انجام اقدامات قاطع را میسر نمی سازد. متعاهدین توافق نمودند که تحقیقات تکمیلی انجام گیرد اما هیچگونه تعهدی در خصوص چگونگی تحدید میزان استفاده از CFC بر عهده نگرفتند. به موجب ماده ۲ این کنوانسیون متعاهدین بایستی تدابیر لازم، از جمله از طریق وضع قوانین و برقراری کنترلهای اداری به منظور جلوگیری از تخریب لایه اوزون در نتیجه فعالیتهای انسانی، اتخاذ نمایند. دولتها همچنین باید برای انتقال و تبادل اطلاعات در این خصوص با یکدیگر همکاری کنند (ماده ۲ و ۴).

این کنوانسیون علی رغم کاستیهایش، نقطه عطفی بود. برای اولین بار کشورها به صورت اصولی به توافق رسیدند تا با یکی از مشکلات محیط زیست قبل از اینکه آثارش کاملاً هویدا گردد مقابله نمایند.

II- پروتکل مونترال ۱۹۸۷ و اصلاحیه ۱۹۹۰ لندن

اطلاع عموم از کشف حفره اوزون بر فراز جنوبگان در سال ۱۹۸۵، تدوین پروتکلی برای کنترل انتشار CFC و دیگر گازهای مخرب اوزون را

127. P. Birnie and A. Boyle, op. cit, p. 404-405.

۱۲۸. در سال ۱۹۹۰ تعداد امضاکننده این کنوانسیون به ۶۶ کشور رسید.

سرعت بخشید.

در جریان مذاکراتی که در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به عمل آمد، بعضی از کشورهای خواستار صرف نظر تدریجی ولی کامل از تولید و استفاده از CFC و برخی دیگر از موادی که موجب تخریب لایه اوزون می شوند، گردیدند. برعکس گروهی دیگر معتقد بودند که تثبیت میزان تولید کفایت خواهد کرد. کشورهای جهان سوم (خصوصاً چین و هند) که فقط حدود ۱۰٪ CFC جهانی را مصرف می نمایند نگران بودند که تدابیر مذکور مانع رشد و گسترش تکنولوژیهای مثل تأسیسات سردکننده در کشورشان شود.

با وجود این مشکلات، پروتکل مونترال در زمان مقرر یعنی در سپتامبر ۱۹۸۷ امضا گردید. به موجب این پروتکل که در ۱۹۹۰ اصلاح گردید،^{۱۲۹} متعاهدین مکلفند که مصرف و تولید CFC را تدریجاً به نیمی از مصرف سال ۱۹۸۶ تقلیل دهند^{۱۳۰} و همچنین مصرف و تولید بعضی از گازهای دیگر را ثابت نگاه دارند. البته وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه نیز مورد توجه قرار گرفت.^{۱۳۱} اگرچه سریعاً مشخص شد که تدابیر

۱۲۹. تا ژوئیه ۱۹۹۰، ۶۲ کشور این پروتکل را امضا نموده اند.

۱۳۰. پروتکل مونترال دو استثنا بر جدول زمان بندی شده برای تقلیل سطح پیش بینی شده تولید قائل گردیده است: ۱- هر عضو می تواند سهمیه خود را به عضو دیگر واگذار نماید بشرط آنکه کل تولید مجموع سطوح پیش بینی شده اعضای ذریبط از حدود تولید مقرر برای آنها فراتر نرود (بند ۵ ماده ۲)، ۲- هر عضو که قرارداد احداث کارخانه ای را قبل از ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷ منعقد نموده باشد یا در قوانین داخلی خود پیش از اول ژانویه ۱۹۸۷ این مورد را منظور نموده باشد، می تواند تولید مورد بحث را به میزان مجاز خود اضافه نماید (بند ۶ ماده ۲).

۱۳۱. طبق این پروتکل هر عضو که در زمره کشورهای در حال توسعه است و سطح پیش بینی شده مصرف سالانه اش از اجسام کنترل شده کمتر از میزان (کیلوگرم) سرانه باشد حق خواهد داشت: ۱- برای رفع نیازهای داخلی اساسی خود مراعات تدابیر مربوط به حذف تدریجی و کامل را به تعویق اندازد (بند ۱ ماده ۵)، ۲- در صورت وجود نیازهای اساسی داخلی در مقطعی خاص در جدول زمان بندی شده، تولید بیشتری از میزان مقرر شده (یعنی کاهشی کمتر از میزان تعیین شده) داشته باشد (بندهای ۱ تا ۵ ماده ۲).

متخذۀ کافی نیست، ولی این پروتکل به حرکت آغاز شده شتاب خوبی بخشید.

در اوایل ۱۹۸۸، دانشمندان قاطعانه اعلام نمودند که CFC علت اصلی ایجاد حفره در لایه اوزون در جنوبگان است. هنگامی که در اوایل ژانویه ۱۹۸۹ پروتکل مونترال لازم الاجرا گردید، چندین کشور تصمیم خود مبنی بر کاهش CFC به میزانی بیش از مقدار تعیین شده در پروتکل را اعلام نمودند. در ۱۹۸۹، ۸۱ کشور، از جمله ۴۴ کشوری که هنوز پروتکل مونترال را تصویب ننموده بودند، در هلسینکی به توافق رسیدند که به تدریج از مصرف CFC و Halons صرف نظر کرده و انتشار دیگر مواد مضر برای لایه اوزون را محدود نمایند.

در ژوئن ۱۹۹۰، اعضای پروتکل مونترال در لندن گرد آمدند تا تعهدات شفاهی خود را در قالب قواعد حقوق بین الملل متبلور نمایند. کنفرانس لندن نقطه عطفی در دیپلماسی محیط زیست است. کشورهای شرکت کننده نه تنها توافق نمودند که به تدریج تولید بعضی از گازها را تا سال ۲۰۰۰^{۱۳۲} و بعضی دیگر را تا سال ۲۰۰۵^{۱۳۳} متوقف نمایند، بلکه اولین صندوق جهانی برای کمک به کشورهای در حال توسعه به منظور بکارگیری تکنولوژی مناسب برای حفاظت از محیط زیست را نیز تأسیس نمودند.^{۱۳۴}

از همان ابتدای امر مشخص بود که با توجه به جنبه جهانی مسأله کاهش لایه اوزون، همکاری کلیه کشورها در تحقق نظام مقرر به وسیله کنوانسیون وین و پروتکل الحاقی آن ضروری است. لذا تشویق کشورهای جهان سوم خصوصاً هندوچین به مشارکت و ایجاد مکانیزمهای لازم جهت

۱۳۲. بندهای ۳ و ۴ اصلاحیه لندن (CFC/ Halons, Tetrachlorure).

۱۳۳. بند ۵ ماده ۲ اصلاحیه لندن (Chloroforme de méthyle).

۱۳۴. Fonds pour l' Environnement Mondial (FEM).

این صندوق به وسیله گروهی از کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه در نوامبر ۱۹۹۰ در پاریس تأسیس شد. هدف آن اعطای کمک و قرض با بهره کم به کشورهای در حال توسعه برای اجرای برنامه هایی است که موجب کاهش فشار بر اکوسیستم در سطح جهانی می گردد.

کمک به این کشورها برای کسب توان لازم جهت اجرای مقررات کنوانسیون و پروتکل آن اجتناب ناپذیر می نمود. پروتکل مونترال به این مسأله توجه نموده بود ولی مقررات آن مبهم و ناکافی بود. ماده ۱۰ این پروتکل مقرر داشت که اعضا باید با توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه در تأمین کمکهای فنی به منظور تسهیل مشارکت در این پروتکل و اجرای آن همکاری نمایند.^{۱۳۵} اما در برابر موضع بعضی از کشورها بویژه هندوچین، کنفرانس لندن مقررات جزئی تر و مشخص تری را در زمینه کمکهای مالی و انتقال تکنولوژی اتخاذ نمود.^{۱۳۶}

از نظر تشکیلاتی کنوانسیون وین و پروتکل مونترال و اصلاحیه لندن ایجاد دو ارگان یا نهاد را پیش بینی نموده اند: «۱. کنفرانس اعضا که اولین جلسه آن حداکثر یک سال پس از به اجرا درآمدن کنوانسیون باید تشکیل گردد و بعد از آن جلسات عادی کنفرانس به فواصل مراتبی که توسط خود کنفرانس تعیین می شود منعقد می گردد. (بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون وین).^{۱۳۷} ۲. دبیرخانه ای که بین کنوانسیون و پروتکل مشترک

۱۳۵. ماده ۱۰ - مساعدت فنی:

۱. اعضا باید در چارچوب مقررات ماده ۴ کنوانسیون و خاصه با توجه به نیازهای کشورهای در حال رشد در تأمین کمکهای فنی به منظور تسهیل مشارکت در این پروتکل و اجرای آن همکاری نمایند.
۲. هر عضو یا امضا کننده این پروتکل می تواند درخواستی برای دریافت مساعدت فنی به منظور مشارکت در پروتکل یا اجرای آن به دبیرخانه تسلیم کند.

۳. اعضا باید در نخستین اجلاسشان مذاکرات مربوط به طرق اجرای تعهدات مندرج در ماده ۹ و بندهای ۱ و ۲ این ماده، از جمله تهیه طرحهای کار را آغاز نمایند. در این طرحهای کار باید توجه خاص به نیازها و اوضاع و شرایط کشورهای در حال رشد مبذول گردد. دولتها و سازمانهای یک پارچه سازی اقتصادی منطقه ای که عضو این پروتکل نیستند باید به شرکت در فعالیتهای مشخص شده در طرحهای کار ترغیب گردند.

۱۳۶. مواد ۱۰ و الف/ ۱۰ پروتکل اصلاحی.

۱۳۷. البته چون اعضای کنوانسیون الزاماً همگی اعضای پروتکل مونترال یا اصلاحیه آن نمی باشند لذا غیر از کنفرانس کنوانسیون دو کنفرانس دیگر (پروتکل و اصلاحیه آن) نیز تشکیل می گردند (ماده ۱۱ پروتکل).

است. برنامه سازمان ملل متحد، مسؤولیت این دبیرخانه را به عهده دارد. وظایف این دبیرخانه در کنوانسیون و پروتکل هر دو مشخص گردیده است. در ضمن کنفرانس، کنوانسیون یا پروتکل هر یک می توانند وظایف جدیدی را به عهده دبیرخانه محول نمایند.^{۱۳۸} بدین ترتیب با کنوانسیون وین، برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست رسماً مسؤولیت ایجاد هماهنگی بین فعالیتهای جهانی مربوط به حفاظت از لایه اوزون را عهده دار می گردد.

در شرایط حاضر، الزام دولتهای عضو به ارائه آمار در مورد تولید خود، صادرات یا واردات از دیگر کشورهای عضو به دبیرخانه مهمترین راه کنترل و اجرای نظام حقوقی کنوانسیون وین و پروتکل آن می باشد. در جمع بندی هایی که در اجلاس لندن به عمل آمد، معلوم شد که عملکرد دولتهای عضو در این زمینه کاملاً رضایت بخش نبوده است.^{۱۳۹} به موجب ماده ۱۱ کنوانسیون وین (که در مورد پروتکل نیز قابل اجراست)^{۱۴۰} در صورت بروز اختلاف بین اعضا، در مورد تفسیر یا اجرای این کنوانسیون، طرفهای ذیربط می بایستی از طریق مذاکره به حل و فصل آن مبادرت ورزند، هرگاه طرفهای ذیربط نتوانند از طریق مذاکره به حل و فصل اختلاف نائل آیند، می توانند مشترکاً مساعی یا وساطت طرف ثالثی را تقاضا نمایند. به علاوه هنگام تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به این کنوانسیون، یا هر زمان بعد از آن، اعضا می توانند کتباً به مرجع امانت دار اعلام دارند که در مورد اختلافی که طبق روشهای مذکور در فوق حل نگردد یک و یا دو طریق اجباری حل و فصل اختلاف مشروح در ذیل را خواهند پذیرفت:

۱. داوری طبق روش مصوب در اولین جلسه عادی کنفرانس اعضا

۱۳۸. ماده ۷ کنوانسیون وین و ماده ۱۲ پروتکل منترال.

۱۳۹. ماده ۷ اصلاحیه لندن. متأسفانه تمامی دولتها به این الزام خود کاملاً عمل ننموده اند، لذا در لندن تصمیم گرفته شد که کمیته ای را مأمور بررسی آن نمایند.

CARON, op. cit, p. 721

۱۴۰. بند ۶ ماده ۱۱ کنوانسیون و ماده ۱۴ پروتکل مونترال.

۲. ارجاع اختلاف به دیوان بین المللی دادگستری

در صورتی که اعضا این روش یا هر روش دیگر را نپذیرند، در این صورت اختلاف به سازش ارجاع می شود مگر آنکه اعضا به نحو دیگری توافق نمایند.^{۱۴۱} در اینجا لازم است یادآور شویم که به موجب ماده ۸ پروتکل مونترال در خصوص «عدم رعایت»، کشورهای عضو می بایستی در نخستین اجلاس خود روشها و مکانیسم های تشکیلاتی را برای احراز عدم رعایت مقررات این پروتکل و رفتار با اعضای خاطی را مورد بررسی و تصویب قرار دهند. به موجب تصمیماتی که در اجلاس لندن اتخاذ شد، هنگامی که یک عضو معتقد به عدم اجرای مقررات از جانب عضو دیگر باشد، دبیرخانه را کتباً از آن مطلع و دبیرخانه خود مسأله را به «کمیته اجرا» که بدین منظور ایجاد می شود، انتقال خواهد داد. کمیته گزارشی در این خصوص تهیه و به کنفرانس اعضا تقدیم می نماید که آن را مورد بررسی قرار داده و خواستار اتحاد تدابیر لازم - از جمله تخصیص کمکهای لازم به عضو خاطی برای انجام تعهدات خود - جهت اجرا مقررات خواهد شد.^{۱۴۲}

کنوانسیون وین و پروتکل مونترال هیچ حق شرطی را نپذیرفته اند.^{۱۴۳} در خاتمه باید گفت که در کمتر از بیست سالی که از اعلام خطر در خصوص کاهش لایه اوزون می گذرد، جامعه بین المللی، در عکس العملی نسبتاً سریع، موفق گردید تصمیم به حذف تدریجی ولی کامل مواد اصلی کاهنده لایه اوزون تا سال ۲۰۰۰ گرفته و نظام حقوقی را در مسأله ای که نیاز به همکاری و مشارکت جهانی دارد علی رغم شکها و تردیدهای موجود مستقر سازد. درسهای حاصل از این تجربه می تواند بی شک در مذاکرات بعدی بویژه در زمینه کنترل گازهای با اثر گلخانه ای بسیار مفید و مؤثر باشد.

۱۴۱. نحوه تشکیل کمیسیون سازش در بند ۵ ماده ۱۱ کنوانسیون قید گردیده است.
142. CARON, op. cit, p. 722.

۱۴۳. ماده ۱۱ کنوانسیون و ماده ۱۸ پروتکل مونترال.

۶- کاهش تغییرات آب و هوا

I ارزیابی وضعیت موجود و اقدامات بین المللی انجام شده

دانشمندان بر این باورند که آب و هوای کره زمین در طی چند دهه آینده بر اثر فعالیتهای بشری دچار تغییر و تحول خواهد شد.

گرم شدن کره زمین به نظر اجتناب ناپذیر می رسد. اجماع دانشمندان در این خصوص نتیجه تحقیقات و ارزیابی هایی است که توسط «سیستم جهانی مراقبت مستمر محیط زیست (GEMS) صورت گرفته است.^{۱۳۳}

از مدتها قبل دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که گاز کربنیک (CO_2) به مانند سربوش گلخانه ای عمل می کند که حرارت خورشید از آن عبور کرده و به زمین می رسد ولی اجازه نمی دهد این حرارت از زمین خارج شود. بدون چنین اثر گلخانه ای زمین تبدیل به صحرایی از یخ می شود. اما در شرایط کنونی مشکل از این قرار است که افزایش تراکم CO_2 و دیگر گازهای گلخانه ای در اتمسفر بر اثر فعالیتهای انسانی موجب افزایش دما می شود.

از زمان انقلاب صنعتی تاکنون حجم CO_2 در اتمسفر ۲۵٪ افزایش داشته است. این میزان افزایش گاز کربنیک ناشی از سوخت مواد سوختی فسیلی در نیروگاهها و صنایع، اتومبیلها، سیستمهای حرارتی خانگی، قطع و سوزاندن درختان است. توسعه اقتصادی و کشاورزی همچنین موجب تراکم متان و پروتکسید ازت در اتمسفر شده اند، حدود $\frac{1}{4}$ «اثر گلخانه ای» ناشی از این گازهاست. $\frac{1}{4}$ این اثر گلخانه ای به وسیله کلروفلوئروکربن CFC که از جمله محصولات شیمیایی مصنوعی مضر برای لایه اوزون است ایجاد می شود.

فعالیتهای انسانی همچنین دو سیستم اصلی تهویه محیط زیست را دچار اختلال می نماید. منظور برگ درختان و فیتوپلانکتون اقیانوسها

هستند که CO_2 موجود در هوا را جذب می کنند. هر ساله میلیونها هکتار زمین از درخت خالی می گردند. در ازای هر ۱۰ درختی که در کل جهان قطع می شود تنها یک درخت جوان کاشته می شود. در چنین شرایطی پرتوهای بسیار قوی ماورای بنفش از لایه اوزونی که ضخامت خود را از دست داده است عبور و باعث انهدام فیتوپلانکتون می شوند.

در اکتبر ۱۹۸۵ OMM, PNUE (سازمان جهانی هواشناسی) و CIUS (شورای بین المللی اتحادیه های علمی) ^{۱۴۵} مشترکاً کنفرانسی را در رابطه با آب و هوا در ویلاش اتریش برگزار نمودند. دانشمندان ۲۹ کشور توافق نمودند که بر اثر افزایش گازهای گلخانه ای دمای کره زمین در ۵ سال آینده به گونه ای محسوس افزایش خواهد یافت. ^{۱۴۶}

این دانشمندان، کشورها و مؤسسات ذیربط را به اتخاذ تدابیر و برنامه های لازم جهت انطباق خود با چنین وضعیتی تشویق نمودند. در سال ۱۹۹۰ متخصصین هواشناسی که بوسیله OMM و PNUE در کمیته بین الدولی درباره تغییرات آب و هوا (IPCC) گرد هم آمده بودند به این نتیجه رسیدند که درجه حرارت متوسط کره زمین یک درجه سانتیگراد تا سال ۲۰۲۵ و ۳ درجه تا سال ۲۱۰۰ افزایش خواهد یافت.

با ذوب شدن یخچالها، گرم شدن اقیانوسها و افزایش حجم آنها، پیش بینی می شود که سطح اقیانوسها تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۲۰ سانتیمتر و تا سال ۲۱۰۰ به میزان ۶۵ سانتیمتر افزایش یابد. به موازات این تحولات، دوری طوفانها کوتاهتر و شدت آنها بیشتر گردیده و مکان آنها نیز عوض می شود. نیمی از جمعیت دنیا در مناطق ساحلی زندگی می کنند. کشورهای واقع در دلتاها و همچنین جزایری مثل بنگالدش که بیش از $\frac{۲}{۵}$ سرزمین آن در سال ۱۹۸۸ دچار سیل گردید و همچنین جزایری مثل مالدیو (Maldives) که سیل پایتخت و فرودگاه بین المللی آن را در تابستان ۱۹۸۸ فرا گرفت بویژه در معرض خطر می باشند. ^{۱۴۷} هزینه ایجاد تأسیسات

145. Conseil International des Unions Scientifiques.
146. PNUE, op. cit, p. 6.

۱۴۷. از شهرهای دیگر مثل استانبول، جاکارتا، نیویورک، توکیو و همچنین ساکنین اطراف رود نیل نیز

لازم برای حفاظت از چنین مناطقی بسیار سنگین بوده و در صورتی که چنین اقداماتی صورت نگیرد دهها و بلکه صدها میلیون انسان فضای زندگی خود را از دست می دهند.

تغییرات دما در مناطق واقع در عرض جغرافیایی بالا بویژه در نیمه کره شمالی محسوس تر خواهد بود. تغییرات آب و هوا در قطبها می تواند باعث از بین رفتن همیشگی گونه های نادری که در این مناطق زندگی می کنند شود. با افزایش دما، زمین بطور کلی مرطوب تر می شود ولی نقاط خشکی مانند صحرای آفریقا خشک تر خواهد شد. مرکز شرق آمریکای شمالی که به بیش از ۱۰۰ کشور جهان غلات صادر می کند خشک تر گردیده و در معرض بادهای بیشتری قرار خواهد گرفت. احتمالاً مناطق دیگری حاصل خیزتر می گردند. در چنین وضعیتی، تأمین مواد غذایی دنیا به سرعت کشورها در انطباق خود با شرایط جدید بستگی خواهد داشت.

اگرچه دیگر نمی توان مانع افزایش دمای عمومی شد ولی می توان این افزایش را محدود نمود. در این راستا در سال ۱۹۸۸ OMM و PNUE مبادرت به ایجاد IPCC نمودند که هدف و وظیفه اصلی آن پی ریزی زمینه های فنی و علمی لازم جهت تدوین کنوانسیون جامع درباره تغییرات آب و هوا بود. امضای این کنوانسیون برای سال ۱۹۹۲ پیش بینی شده بود.^{۱۳} برای تثبیت تراکمهای اتمسفری در حد سال ۱۹۸۸، IPCC حساب کرده بود که باید ۶۰٪ از انتشار گاز کربنیک و ۱۵٪ تا ۲۵٪ از انتشار گاز متان کاسته شود. بنابر محاسبات این کمیته، اگر انتشار گاز با آهنگ سابق ادامه یابد هر ۱۰ سال ۳٪ درجه سانتیگراد به دمای زمین افزوده خواهد شد که این خود بیش از میزان افزایش دما در طی ۱۰۰۰۰ سال گذشته است.

کمیته مزبور انجام اقدامات ذیل را به عنوان استراتژی فوری پیشنهاد و توصیه می نماید: استفاده منطقی تر از انرژی، انتخاب منابع

۱۳۸. در کنفرانس ریو برای تصویب این کنوانسیون یکسال فرصت داده شده است که با تصویب ۵۰ کشور لازم الاجرا خواهد شد.

انرژی پاک، بکارگیری تکنولوژیی که آلودگی کمتری را ایجاد کند، بهبود فنون مدیریت جنگلها و کشاورزی، کنار گذاشتن تدریجی CFC. کشورها همچنین باید برنامه هایی را برای مقابله با بلایای طبیعی و موارد اضطراری طرح ریزی، مناطقی را که بر اثر تغییر سطح دریا در معرض خطر قرار می گیرند ارزیابی و نحوه مقابله با آنها را پیش بینی نمایند. اتخاذ تمهیدات لازم جهت کند کردن رشد جمعیت نیز ضروری است. به علاوه کمیته به دولتها موکداً توصیه می نماید که در درازمدت برنامه های تحقیقاتی خود را به منظور کاهش تردیدهای علمی موجود در این زمینه تشدید و هماهنگ نمایند، به دنبال تکنولوژیهای جدید بوده و با مطالعات زیربنایی سیستمهای جامع کنترل و مراقبت اقیانوسها را توسعه دهند. کمیته همچنین از دولتها درخواست می نماید که بدون فوت وقت مذاکرات مربوط به تصویب یک کنوانسیون جهانی آغاز گردد. اما برای تحقق این تغییرات لازم است که امکانات مالی و تکنولوژیک از شمال به جنوب انتقال یابد.

II کنوانسیون ریو درباره تغییرات آب و هوا

کنوانسیون کلیات درباره تغییرات^{۱۴۹} آب و هوا همزمان با کنفرانس ریو به تصویب رسید.^{۱۵۰} سیر و نحوه تدوین این کنوانسیون متأثر از نحوه تهیه و تدوین کنوانسیون وین ۱۹۸۵^{۱۵۱} درباره حفاظت از لایه اوزون و پروتکل^{۱۵۲} مونترال ۱۹۸۷ درباره مواد تضعیف کننده لایه اوزون است.^{۱۵۳}

149. Convention Cadre sur les Changement Climatiques

به نظر می رسد که کلمه "cadre" برای رفع مخالفت بعضی از اول اسامه شده تا نشان دهد که منظور برداشتن اولین قدم است و اینکه تعهد اطراف کنوانسیون جزئی خواهد بود.

۱۵۰. برای مطالعه تفصیلی مسائل حقوقی مربوط به این کنوانسیون نک:

R. Churchill- D. Freestone (ed), "International law and Global Climate Change", London-Dordrecht Martinus Nijhoff, 1991.

۱۵۱. متن کنوانسیون در 458-63 PP. GDIP, 1988.

۱۵۲. متن کنوانسیون در 463-468 PP. RGDIP, 1988.

۱۵۳. نک:

اجماع و اتفاق نظر بین دولتها درخصوص مسائل مربوط به تغییرات آب و هوا را باید حاصل کنفرانسهای بین الدولی دانست که اولین آنها کنفرانس ویلاش ۱۹۸۰ می باشد.^{۱۵۲} اما اتفاق نظرهای اولیه موضوع و هدف واقعاً مشخصی نداشت تا اینکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه های شماره ۴۳/۵۳ مورخ ۶ دسامبر ۱۹۸۸ و ۴۴/۲۱۷ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ و ۴۴/۲۲۸ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۵۹ را تصویب کرد و مسأله تغییرات آب و هوا را در صدر کارهای CNUED قرار داد. «کمیته بین الدولی مذاکره برای کنوانسیون کلیات درباره تغییرات آب و هوا» (CINICCCC) نهایتاً با قطعنامه شماره ۴۲/۲۱۲ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۰ ایجاد شد. این راه حل جدید، یعنی ایجاد نهادی مستقل برای مذاکره که مستقیماً زیر نظر دبیرکل و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و خارج از چارچوب سازمانهای موجود فعالیت می کرد، با اقبال روبه رو گردید.^{۱۵۵} تدوین کنوانسیون حاصل کار این کمیته است. براساس کارهای این کمیته و نتایج حاصل از دومین کنفرانس آب و هوا (وین، ۱۹۹۰)، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت کنوانسیون را با کمک PNUE و OMM تدوین نماید. ۱۵۶ کشور از جمله ۱۲۷ کشور در حال توسعه در مذاکرات شرکت کردند.

در ۹ می ۱۹۹۲، CIN پس از پنج اجلاس متن کنوانسیون را با وفاق عام تصویب نمود. در کنفرانس ریو ۱۵۸ کشور این کنوانسیون را امضا و ۱۵ کشور تاکنون آن را تصویب نموده اند.^{۱۵۴} کنوانسیون با تصویب

W Lang, "Is The Ozone Depletion Regime a Model for an Emerging Regime on Global warming" UCLA Journal of Environmental Law and Policy, 1991, p. 161-174.

۱۵۲. می توان از کنفرانس ویلاش ۱۹۸۵، (بلاژیو) Bellagio ۱۹۸۷، توکیو ۱۹۸۸، لاهه ۱۹۸۹، برن ۱۹۹۰ نام برد.

۱۵۵. عدم سپردن امر مذاکرات به سازمانهایی که از قبل موجود بوده باعث تحکیم تأثیر دولتها در نتیجه مذاکرات گردید نک:

Winfried LANG- Hugo SCHALLY, "La Convention cadre sur les Changements Climatiques" RGDP, 1992, p. 324.

۱۵۶. این کنوانسیون دارای یک مقدمه در ۲۳ بند، ۲۶۰ ماده و ۲ ضمیمه است. این دو ضمیمه حاوی

پنجاهمین کشور لازم الاجرا می گردد. CIN منحل نگردیده و به کار خود ادامه می دهد تا اولین کنفرانس دولتهای عضو CCCC را برگزار نماید. مقدمه کنوانسیون مؤکداً یادآور می شود که تغییرات آب و هوا و افزایش دمای آن بر اثر افزایش تراکم گازهای گلخانه ای به تمام بشریت مربوط می شود. در ضمن به تردیدهای علمی موجود در پیش بینی تغییرات آب و هوا اشاره کرده ولی همچنان بر همکاری بین المللی لازم تأکید می نماید. این همکاری براساس «مسئولیت مشترک ولی متفاوت» دولتها (بند ۶) و همچنین حقوق حاکمه آنها در بهره برداری از منابع طبیعی خود براساس سیاست توسعه آنها (بند ۸) استوار است.

ماده ۲ اشعار می دارد هدف از این کنوانسیون و کلیه اسناد حقوقی که بعدها به تصویب اعضای آن خواهد رسید تثبیت تراکم گازهای با اثر گلخانه ای در اتمسفر تا میزانی است که از ایجاد اختلالات انسانی خطرناک در سیستم آب و هوایی (جوی) جلوگیری به عمل آید. البته رسیدن به این حد باید در فرصت زمانی کافی دنبال شود تا تولید محصولات غذایی تهدید نشود و توسعه اقتصادی بتواند به گونه ای پایدار صورت گیرد.

ماده ۳ اصول راهنمای پنجگانه ای را برای رسیدن به اهداف مذکور در ماده ۲ بر می شمرد. این اصول که کنوانسیون رعایت آن را به کشورهای عضو توصیه می نماید و جنبه حصری ندارند^{۱۵۷} به قرار ذیل است:

۱. حفاظت از سیستم آب و هوا در جهت منابع نسلهای حال و آینده
۲. مسئولیت مشترک ولی متفاوت اعضا خصوصاً با در نظر گرفتن نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه
۳. اصل اتخاذ تدابیر احتیاطی (عدم قطعیت علمی نباید باعث تأخیر در اتخاذ تدابیر عینی گردد).

فهرست دولتهایی هستند که دارای تعهدات خاص به موجب کنوانسیون می باشند.

157. LANG et SCHALLY, op. cit, p. 326.

۴. حق کشورها در جهت دستیابی به توسعه پایدار و نیز تکلیف دولت در کوشش برای آن

۵. تدابیر متّخذه نباید مانع تجارت بین المللی شود و نباید تبعیض آمیز، خودسرانه یا غیر قابل توجیه باشند.

ماده ۴ کنوانسیون به تعهدات اطراف آن اختصاص یافته است. این ماده که حاوی چند گونه تعهد است نشانگر اختلافاتی است که در بین گروه های مختلف کشورهای شرکت کننده در مذاکرات وجود داشته است. بند اوّل ماده ۴ حاوی تعهدات عمومی کلیّه دولتها عضو است که مهمترین آنها عبارتند از:

- ارزیابی ملی از انتشار گازهای با اثر گلخانه ای و انتشار نتایج این ارزیابی ها

- استفاده از روشهای مشابه در این زمینه

- انجام برنامه های ملی به منظور تخفیف و کاهش تغییرات آب و هوا

- ارسال اطلاعات مربوط به اجرای تدابیر مزبور به کنفرانس اعضا.

بند دوم ماده ۲ حاوی تعهدات اختصاصی است که ویژه کشورهای

صنعتی می باشد. منظور اصلی که غالب کشورهای صنعتی و برخی

کشورهای در حال توسعه دنبال می کردند یعنی تعهد مشخص در خصوص

تقلیل کمی انتشار دی اکسید کربن حاصل نگردید و شق الف بند ۲، ماده

۴ به صورت سربسته و بسیار ضعیف از تقلیل انتشار گاز صحبت می کند.

کشورهای توسعه یافته تدابیر لازم را برای تغییر میزان انتشار گاز حاصل

از فعالیتهای انسانی در دراز مدّت اتخاذ خواهند نمود. اتخاذ این تدابیر

نشان می دهد که در اواخر این دهه می توان بازگشت انتشار گاز به سطح

قبل را تصور نمود.

شق ب بند ۲ ماده ۴ تعهدات ملموس تری را برای دولتهای توسعه

یافته ایجاد می نماید. این دولتها موظفند اطلاعات تفصیلی در خصوص

«سیاستها و تدابیر متّخذه به منظور اصلاح گرایش در انتشار گاز در

دراز مدّت را» منتشر نمایند. هدف از «سیاستها و تدابیر مذکور عودت

میزان انتشار انسانی دی اکسید کربن به سطح سال ۱۹۹۰ می باشد».
 بند ۳، ۴ و ۵ ماده ۴ به تعهدات مالی اختصاص یافته است که بطور
 مستقیم تنها به کشورهای توسعه یافته مربوط می گردند. دولتهای توسعه
 یافته ملزم می باشند، امکانات لازم را در اختیار کشورهای در حال توسعه
 برای ایفای تعهدات مربوط به ارسال اطلاعات قرار دهند. این تنها الزام
 مشخصی است که می توان مشاهده کرد. البته کمک مالی به کشورهای در
 حال توسعه برای سایر تعهدات به صورتی کاملاً مبهم و نامشخص
 پیش بینی شده است.

به هر صورت ارسال اطلاعات درباره اجرای کنوانسیون^{۱۵۸} از
 ملموس ترین تکالیف مقرر در این کنوانسیون بوده و جایگاه خاصی به آن
 تخصیص داده شده است.

کنوانسیون ایجاد ارگانهایی را نیز پیش بینی می نماید. کنفرانس
 اعضاء که عالی تری رکن کنوانسیون خواهد بود به همراه دبیرخانه^{۱۵۹}
 کنوانسیون ایجاد خواهد شد.

کنوانسیون دارای دو رکن معین تحت عنوان «شورای علمی و
 تکنولوژی» و «رکن اجرایی» خواهد بود. این ارکان تابع کنفرانس بوده و
 وظیفه اصلی آنها به ترتیب دادن اطلاعات علمی و فنی لازم به کنفرانس
 (ماده ۹) و یاری کنفرانس در اجرای کنوانسیون (ماده ۱۰) می باشد.

به موجب ماده ۱۳ کنوانسیون، کنفرانس در اولین اجلاس خود ایجاد
 آیین مشورتی چند جانبه ای را برای حل مسائل مربوط به اجرای کنوانسیون
 مورد مطالعه قرار می دهد. این آیین مشورتی نسبت به طرق حل و فصل
 اختلافات که در ماده ۱۴ پیش بینی شده است حالت پیشگیری کننده
 دارد.^{۱۶۰} و می تواند مانع وقوع اختلاف گردد.

۱۵۸. ماده ۱۲ کنوانسیون به محتوای اطلاعات ارسالی و چگونگی انجام این امر اختصاص یافته است.
 ۱۵۹. تا قبل از ایجاد دبیرخانه دائمی، دبیرخانه ایجاد شده توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به جای

آن انجام وظیفه خواهد کرد (ماده ۲۱ و ۸).
 ۱۶۰. بهتر بود که آیین و برنامه ای برای کنترل عملکرد اطراف کنوانسیون در اجرای تعهدات ناشی از آن
 پیش بینی می شد ولی کنوانسیون به مقررات ماده ۱۳ بسنده نموده است.

کنوانسیون ۹۰ روز پس از تحویل پنجاهمین سند تصویب لازم الاجرا می گردد (ماده ۲۳). درج هیچگونه شرطی در این کنوانسیون امکان پذیر نیست (ماده ۱۴) اما بعد از سه سال از تاریخ لازم الاجرا شدن آن نسبت به یک عضو، آن عضو می تواند از کنوانسیون با اعلام کتبی خارج شود (ماده ۲۵).

از عنوان «کنوانسیون کلیات»^{۱۶۱} مشخص است که کنوانسیون تغییرات آب و هوا دارای نظامی دو مرحله ای یا دو زمانه می باشد. خود کنوانسیون قواعد کلی و نهادها را مشخص می کند و تعیین تکالیف اساسی (خصوصاً تکالیف دولتها در زمینه تقلیل انتشار گازهای گلخانه ای) موکول به مرحله دوم و زمانی دیگر یعنی بعد از تصویب پروتکل های ضمیمه می گردد.^{۱۶۲} حسن اصلی روش مزبور این است که دولتهایی که علاقه چندانی به قبول تعهدات قراردادی ندارند ولی به دلایل سیاسی نمی خواهند در افکار عمومی چهره ای منفی از خود در خصوص مسائل مربوط به محیط زیست نشان دهند متعهد به اصول کلی مقرر در کنوانسیون می گردند.^{۱۶۳} در همین راستا برای فائق آمدن بر مشکلات موجود بر سر راه موفقیت مذاکرات، هر کجا که احساس می شد تضاد منافع طرفین قابل حل نیست (مثل تضاد شمال و جنوب در خصوص اینکه مکانیزم مالی به کدام نهاد

۱۶۱. از روش مزبور یعنی جمع نکالف در دو مرحله قبلاً در کنوانسیون آلودگی اتمسفریک از راه دور (۱۹۷۹) و عهدنامه های مربوط به حفاظت از لایه اوزون استفاده شده است.

۱۶۲. یک «کنوانسیون کلیات» convention-cadre باید حاوی سه عنصر اصلی زیر باشد که کنوانسیون «کلیات تغییرات آب و هوا» چنانچه مشاهده کردیم حاوی هر سه آنها است: ۱. اعلام اهداف و اصول و تکالیف کلی؛ ۲. تعیین نحوه دنبال نمودن مذاکرات و تصویب پروتکل های ضمیمه؛ ۳. تمهیدات لازم جهت تسویق دولتها به قبول تعهدات ارادی، کنترل نحوه اجرای تعهدات مذکور و بسیج افکار عمومی ملی و بین المللی. نک:

E. L. Richardson, "Climate change: probleme of Law- Making", in "The International politics of Environment, Oxford, Clarendon press, 1992, p. 172.

۱۶۳. در خصوص جنبه های خاص ایجاد قواعد حقوق بین الملل در این زمینه نک:

W. Lang, "Diplomacy and International Environmental Law- Making" Yearbook of International Environmental Law, 1992.

واگذار شود) "تصمیم گیری به بعد یعنی اولین کنفرانس اطراف کنوانسیون موکول می شود. حسن این روش این است که در تصمیم گیری بعدی فقط دولتی که کنوانسیون را تصویب نموده اند شرکت می نمایند و نه تمامی دولتهایی که در مذاکرات اولیه شرکت نموده اند و بعضی از آنها در واقع مخالف تصویب کنوانسیون بوده اند.

اگرچه عدم وجود تعهدات قاطع برای دولتهای توسعه یافته درخصوص تقلیل میزان انتشار گاز با تعیین میزان و درصد و مهلت زمانی آن بویژه معافیهایی که تقریباً کلیه دولتها براساس بندهای ۸ و ۱۰ ماده ۴ می توانند از آنها برخوردار شوند و ابهام در نحوه تأمین هزینه های فعالیتهای کشورهای در حال توسعه در اجرای کنوانسیون، از نقاط ضعف کنوانسیون مذکور می باشد و ولی وجود خود این کنوانسیون فی نفسه یک پیروزی قابل توجه محسوب می گردد. به علاوه ایجاد نهادها و ارکان جدید از نقاط قوت این کنوانسیون است. وظیفه این ارکان نظارت بر حسن عملکرد کنوانسیون و رعایت الزامات و تعهدات منعقد شده از جانب دولتهای ذیربط و همچنین حفظ دینامیزم لازم بین عهدنامه به عنوان یک سند حقوقی و تحول علوم و فنون است. این عهدنامه کاملاً به تحول علوم وابسته است و برای اینکه دوام داشته باشد باید از انعطاف لازم برخوردار بوده و بتواند خود را با تحول علوم و فنون تطبیق دهد، در این راستا مقررات مندرج در ماده ۱۶ این کنوانسیون در خصوص نحوه اصلاح ضمیمه های کنوانسیون مربوط به مسائل علمی و فنی یکی دیگر از نقاط قوت قابل ذکر آن است.^{۱۶۵}

۱۶۴. در این خصوص می توان به عنوان مثال از اختلاف بین کشورهای جهان سوم و آمریکا در خصوص نقش "Global Environmental Facility" (GEF) - که به وسیله بانک جهانی ایجاد شده است در تأمین نیازهای مالی کشورهای در حال توسعه در اجرای این کنوانسیون نام برد.

Ch.Rousseau, chronique, RGDI, 1992, P. 630.

۱۶۵. هر دولتی که ظرف شش ماه مخالفت خود را با اصلاح چنین ضمیمه ای اعلام ننماید نسبت به آن متعهد می گردد.

۷- تقلیل آلودگی هوا

نگرانی در خصوص آلودگی آتمسفر موجب اتخاذ تدابیری در سطح ملی و بین المللی برای کنترل و مقابله با آن گردیده است. برنامه های متعددی، بویژه در کشورهای پیشرفته، برای ارزیابی و کنترل کیفیت هوا و تعیین رابطه بین آلودگی و سلامت اشخاص اجرا شده است. طرح GEMS^{۱۶۶} مربوط به مراقبت مستمر آتمسفر (GEMS/ARI) در سال ۱۹۸۸ آماری را در خصوص تراکمات متوسط سالیانه در ۵۴ شهر جهان منتشر نمود که به موجب آن میزان تراکم در ۲۴ شهر برابر یا بالاتر از معیارهای بهداشتی تعیین شده توسط سازمان بهداشت جهانی (۴۰ تا ۶۰ میلیگرم در مترمکعب) می باشند. میلان، تهران، سوول، ریودوژانیرو، سائوپولو، پاریس، مادرید، مانیل در صدر فهرست قرار دارند. میلان با تراکم متوسط سالانه ای مساوی با سه برابر میزان مقرر توسط سازمان بهداشتی مکان اول را احراز کرده است. اگرچه عموماً شرایط در غالب شهرهای مورد مطالعه بهبود یافته است، اما وضعیت در بیشتر شهرهای کشورهای در حال توسعه روبه وخامت گذارده است. عناصر و ذرات معلق در هوا خطرات جدی تری را، بویژه در اینگونه کشورها ایجاد نموده اند.

در ۳۷ شهر از ۵۴ شهر مورد مطالعه، تراکم ذرات نزدیک به حداکثرهای تعیین شده به وسیله سازمان بهداشت جهانی (۶۰ تا ۹۰ میلی گرم در متر مکعب) یا زیادتر از آن بوده است.

تدابیری در سطح ملی و منطقه ای برای مبارزه و محدود نمودن انتشار آلاینده هایی که از طریق آتمسفر پخش می شوند اتخاذ گردیده است. با امضای کنوانسیون آلودگی آتمسفری فرامرزی از راه دور در ۱۹۷۹،^{۱۶۷} کشورهای متعددی نشان دادند که خواستار تقلیل تراکم اکسید گوگرد و ازت (که مهمترین عناصر ایجادکننده بارانهای اسیدی

166. Global Environment Monitoring System.

۱۶۷. در خصوص این کنوانسیون نک:

Rosencranz, AJIL, 1981, P. 975

Fraenkel, Harv. ILJ, 1989, P. 44. P. W. Birnie and A. E. Boyle, op. cit, pp. 397-402.

می باشند) به یک سطح قابل قبول می باشند. در سال ۱۹۸۷ پروتکل الحاقی به کنوانسیون مربوط به اکسید گوگرد لازم الاجرا گردید.^{۱۶۸} به موجب این پروتکل انتشار اکسید گوگرد باید در سال ۱۹۹۳ حداقل به میزان ۳۰٪ نسبت به سال ۱۹۸۰ کاهش یابد.^{۱۶۹} پروتکل مربوط به اکسید ازت در سال ۱۹۸۸ امضا شد. این پروتکل مقرر می دارد که در سال ۱۹۹۴ میزان انتشار این گاز باید در سطح سال ۱۹۸۷ تثبیت گردد. این پروتکل همچنین پیش بینی می نماید که در سال ۱۹۹۶ مذاکرات جدیدی برای تقلیل بیشتر میزان انتشار گاز صورت گیرد. بعضی از کشورها متعهد شدند تا سال ۱۹۹۵ حجم اکسید گوگرد منتشره را به سطحی پایین تر از نصف حجم سال ۱۹۸۰ تقلیل دهند. آلمان، اتریش و سوئد متعهد گردیدند که میزان انتشار حجم آن را به $\frac{2}{3}$ تقلیل دهند.^{۱۷۰} در خصوص اکسید ازت ۱۲ کشور اروپای غربی متعهد شدند تنها به تثبیت میزان انتشار این گاز قناعت نکرده، بلکه تا سال ۱۹۸۸، به میزان ۳۰٪ آن را تقلیل دهند. دستورالعمل مورخ نوامبر ۱۹۸۸ جامعه اقتصادی اروپا، کشورهای عضو را موظف می نماید انتشار گازهای موجد بارانهای اسیدی را به گونه ای محسوس کاهش دهند.^{۱۷۱} به موجب این دستورالعمل باید تا سال ۲۰۰۳، انتشار اکسید گوگرد در کشورهای عضو به میزان ۵۰٪ نسبت به سال ۱۹۸۰ و انتشار اکسید ازت به میزان ۳۰٪ تا سال ۱۹۹۸ تقلیل یابند.

۸- تحکیم امنیت اتمی

در ساعت ۱ و ۲۳ دقیقه صبح روز ۲۶ آوریل ۱۹۸۶، انفجاری در راکتور ۱۰۰۰ مگاواتی شماره ۴ مرکز اتمی چرنوبیل واقع در نزدیکی

168. W. Birnie and A. E. Boyle, op. cit, p. 400.

۱۶۹. آمریکا و انگلیس و لهستان از امضای پروتکل امتناع نمودند.

PNU, op. cit, p. 10.

170. Ibid.

171. Ibid.

پریات شهری با جمعیتی حدود ۲۵۰۰۰ نفر در ۱۳۰ کیلومتری کیف در اتحاد جماهیر شوروی سابق رخ می دهد.^{۱۷۲}

تأثیرات شدید این حادثه در چند کشور مجاور (به ویژه کشورهای اسکاندیناوی و آلمان) موجب برقراری محدودیتهایی در خصوص توزیع و مصرف مواد غذایی مانند شیر، سبزی تازه، میوه ها و گوشت گردید. خسارات ناشی از این ممنوعیتهای از ملموسترین نتایج حادثه چرنوبیل بود.^{۱۷۳} اما تقاضای جبران خسارات ناشی از برقراری این ممنوعیتهای از نظر بین الملل مشکل بود، زیرا اثبات ضرورت برقراری این ممنوعیتهای دشوار بوده و در هنگام وقوع حادثه اتحاد جماهیر شوروی به هیچ از کنوانسیونهای بین الملل مرتبط با این موضوع ملحق نگردیده بود.^{۱۷۴}

تفسیر رایج از کنوانسیون ۱۳ نوامبر ۱۹۷۹ ژنو در خصوص آلودگی های آتمسفریک از راه دور اجرای آن در این حادثه را منتفی می نمود. عموماً پذیرفته شده است که این کنوانسیون شامل آلودگی های ناشی از مواد رادیواکتیو نمی گردد.^{۱۷۵} از جانب دیگر کنوانسیون وین ۲۱ می ۱۹۶۳ مربوط به مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات اتمی نمی توانست مورد استناد قرار گیرد زیرا اتحاد جماهیر شوروی بدان ملحق نشده بود. از جمع کلیه کشورهای که بر اثر این حادثه خسارت دیده بودند تنها یوگسلاوی این کنوانسیون را امضا کرده بود.^{۱۷۶} در نتیجه، تنها راه حل

۱۷۲. نک:

RGDIP, 1986, p. 101.

۱۷۳. خسارات وارد به کشاورزان آلمانی در نتیجه عدم فروش محصولات خود بالغ بر ۶۶۸ میلیون فرانک فرانسه بوده است.

Ibid, p. 101 s.

۱۷۴. کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس مربوط به مسؤولیت مدنی در رابطه با انرژی اتمی، کنوانسیون ۱۹۶۳ بروکسل مکمل کنوانسیون مذکور و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین منعقد در چارچوب AIEA حقوق موضوعه را تشکیل می دادند. اتحاد جماهیر شوروی هیچ یک از آنها را امضا نکرده بود. برای بررسی دقیق قواعد بین الملل موجود در زمان حادثه نک:

Ch. A. Kiss, "L' accident de Tchernobyl: ses conséquences au point de vue du droit international", AFDI, 1986, pp. 141-146.

P. W. Birnie and AE. Boyle, op. cit, p. 371 et.

175. Kiss, AFDI, 1986, op. cit, p. 141.

176. RGDIP, 1986, p. 1014.

باقی مانده رجوع به قواعد عمومی حقوق بین الملل محیط زیست و مقررات غیراجباری AIEA (آژانس بین المللی انرژی اتمی)^{۱۷۸} بود. از این آژانس، درخواست شد که در تبیین چگونگی و شرایط وقوع حادثه کمک لازم را مبذول نموده و از جانب دیگر زمینه تبدیل برخی اصول نوظهور در حقوق بین الملل محیط زیست به قواعد حقوقی الزام آور قابل اعمال در حوادث اتمی دارای جنبه بین المللی را فراهم نماید. حادثه چرنوبیل موجب گردید تا اتخاذ تدابیر لازم جهت پیشگیری از تکرار چنین حوادثی مورد حمایت افکار عمومی جهانی قرار گیرد. آژانس بین المللی انرژی اتمی در اجلاس فوق العاده ۲۱ می ۱۹۸۶ خود تصمیم گرفت از کارشناسان دول عضو برای اتخاذ تدابیر لازم جهت تحکیم همکاری بین المللی در زمینه امنیت اتمی و حفاظت رادیولوژیک دعوت به عمل آورد. کارشناسان ۶۲ کشور عضو آژانس و نمایندگان ۱۰ سازمان بین المللی از ۲۱ ژوئیه تا ۱۵ اکتبر ۱۹۸۶ در وین حول محور فوق گرد هم آمدند. در این نشست طرحهای دو کنوانسیون تدوین شد که در اجلاس فوق العاده کنفرانس عمومی آژانس (۱۶ تا ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۶) تصویب گردیدند. این دو کنوانسیون عبارتند از کنوانسیون درباره اعلام فوری حادثه اتمی و کنوانسیون درباره امداد در حوادث اتمی یا وضعیت فوری رادیولوژیک.

کنوانسیون اول در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶ به وسیله ۵۸ کشور امضا و در ۲۷ اکتبر قابل اجرا گردید. کنوانسیون دوم به وسیله ۵۷ کشور امضا شد.^{۱۷۹}

۹- حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه

همانطور که در بخش اول ملاحظه شد، حفاظت از محیط زیست در

۱۷۷. در خصوص نقش آژانس انرژی اتمی در وضع مقررات در خصوص استفاده از انرژی اتمی نک:

P. W. Birnie and A. E. Boxle, op. cit, p. 34 et s.

178. A. Ch. Kiss, Le droit international de l'environnement", op. cit, p. 300.

زمان صلح نیز مسأله نسبتاً جدیدی است که البته جایگاه خاصی در افکار عمومی جهانی پیدا نموده و بخشی از حقوق بشر قلمداد می گردد. حال این سؤال مطرح می گردد که حفاظت قانونی از محیط زیست در طی مخاصمات چگونه است؟

قواعد عرفی و قراردادی متعددی در مورد حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه وجود دارد.^{۱۷۸} با توجه به اینکه محیط زیست «هدف نظامی» نیست، این قواعد مجموعه ای از ممنوعیتهاست که رعایت آنها توسط متخاصمین محیط زیست را از حفاظت خاصی بهره مند می گرداند. در سطور زیر پس از بررسی حقوق عرفی و حقوق قراردادی، به اعلامیه استکهلم، منشور جهانی طبیعت و اعلامیه ریو و امر تدوین و توسعه حقوق بین الملل در این زمینه به وسیله کمیسیون حقوق بین الملل خواهیم پرداخت.

۱- حقوق عرفی

حقوق عرفی جنگ مستقیماً به مسأله حفاظت از محیط زیست نپرداخته است. اما چون هدف حقوق بشردوستانه علاوه بر حفاظت از افراد حفاظت از اموال نیز می باشد، بدین طریق قواعد عرفی حقوق جنگ حفاظت از محیط زیست را هم در بر می گیرند.

براساس یکی از اصول بنیادین حقوق عرفی جنگ، تضعیف قدرت نظامی دشمن تنها هدف مشروعی است که متخاصمین می توانند در طی جنگ دنبال نمایند. اصل بنیادین دوم (که نتیجه منطقی اصل اول است) این است که متخاصمین در انتخاب وسایل و متدهای جنگی دارای آزادی و اختیار کامل و نامحدود نمی باشند.^{۱۷۹} در واقع هدف ایجاد تعادل بین

178. Voir Ch. A. Kiss, "Les protocoles additionnels aux conventions de Genève de 1977 et la protection de biens de l'environnement", in "Eludes et exais sur le droit international humanitaire et sur les Principes de la Croix- Rouge", op- cit, pp. 181-192; Michael BOTHE, "war and environment", in "Encyclopedia of public international law", vol 4, pp. 290 et s.

۱۷۹. ضرورت محدود نمودن وسایل و متدهای جنگ اولین بار به وسیله Grotius در ۱۶۲۷ مطرح گردیده

است. ماده ۲۲ مقررات لاهه ۱۹۰۷، قطعنامه XXVIVI کنفرانس بین المللی صلیب سرخ در ۱۹۶۵،

ضرورت جنگی و ملاحظات بشردوستانه است و همین تعادل مبنای مجاز یا غیرمجاز بودن یک اقدام جنگی است.

رعایت اصول تناسب،^{۱۸۰} عدم تحمیل رنج غیرضروری^{۱۸۱} و تبعیض، برای اینکه این تعادل مؤثر و عینی باشد لازم است. یکی از اصول اساسی حقوق جنگ اصل تبعیض یعنی تفکیک بین رزمنده و غیررزمنده و تفکیک بین اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی است. با توجه به چنین تفکیکی، محیط زیست هدف نظامی که بتواند مورد حمله مشروع قرار گیرد نیست. بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون ۱۹۴۹ مقرر می دارد که «حملات باید فقط به اهداف نظامی محدود گردند». محدودیت مقرر در این ماده و تعریف «اهداف نظامی» مندرج در آن^{۱۸۲} اعلام حقوقی عرفی تلقی می گردد.^{۱۸۳}

II- معاهدات بین المللی حاوی مقررات خاص برای حفاظت از محیط زیست

در مخصصات مسلحانه

در حقوق بین الملل، مصونیت محیط زیست از حمله نظامی به جهت

قطعه نامه (XX.IIP) ۲۴۴۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۳ ژانویه ۱۸۶۹ آن را در عبارات کم و بیش یکسان تکرار نمودند و کنفرانس صلیب سرخ آن را «قاعده بنیادین» نامید. بر این قاعده هیچ استثنایی وارد نیست.

۱۸۰. در این خصوص نک:

R. G. TARASOFSKY, "Legal protection of the Environment during International Armed Conflict", Netherlands yearbook of International Law, 1993, pp. 29-30.
181. Ibid, pp. 28-29.

۱۸۲. در خصوص تحلیل عناصر مختلف تشکیل دهنده این تعریف نک:

"Commentaire des protocoles additionnels du 8 juin 1977 aux conventions de Genève du 12 août 1949", CICR, Martinus Nijhoff publishers. Genève 1986- p..., A. Zemmali "la protection de l'environnement en période de conflit armé dans les normes humanitaires et l'action du CICR", conférence sur des questions juridiques internationales dans le cadre de la décennie des Nations-Unies pour le droit international, Dohu, Qatar, 22-25 mar 1994, pp. 8- 10.
183. Meron, "Human Rights and Humanitarian Norms as Customary law", clarendon press, oxford, p: 68-70 (spe. 65). "La protection de l'environnement en temps de conflit armé: communautés européennes, commission, document exclusivement interne, rapport établi par M. Bothe, A. Cassese, F. Kalshoven, ch. A Kiss, J. Salmon, K. R. Simmonds, ... p. 67 ets.

ماهیت غیر نظامی آن در دو سند بین المللی لازم الاجرا به صراحت^{۱۸۴} بیان شده است:

اولین سند، کنوانسیون ممنوعیت استفاده از تکنیکهای تغییر دهنده محیط زیست برای اهداف نظامی و هر هدف خصمانه دیگر (از این بعد ENMOD) است. این کنوانسیون که در ۱۰ دسامبر ۱۹۷۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید،^{۱۸۵} ۱۸ می ۱۹۷۷ برای امضای اعضا گشایش یافت و در ۵ اکتبر ۱۹۸۷ لازم الاجرا گردید. ماده ۱ این کنوانسیون مقرر می دارد:

«هر یک از دول عضو این کنوانسیون متعهد می گردد که برای اهداف نظامی یا هر هدف خصمانه دیگر از فنون تغییر محیط زیست که دارای آثار گسترده، پایدار یا شدید باشد به عنوان وسیله ای برای وارد آوردن خرابی، خسارات یا صدمه به یکی دیگر از دول عضو استفاده ننماید».

اندکی بعد از کنوانسیون ENMOD، در ۱۹۷۷ پروتکل الحاقی I به

۱۸۴. در خصوص معاهداتی که بطور غیر مستقیم به حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه مربوط می شوند نک:

A. Bauvia, "La protection de l'environnement naturel en période de conflit armé", *Revue de la Croix- Rouge*, n° 792, 1991, pp. 606 et 609; pp. 428-433.

در اینجا به عنوان نمونه موارد ذیل را یادآور می گردیم.

پروتکل ژنو ۱۹۲۵ در مورد ممنوعیت استعمال گازهای خفه کننده و سمی و سایر گازها و کلیه مایعات، مواد یا ابزار شبیه آن در جنگ، کنوانسیون ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ در مورد منع توسعه، تولید و ذخیره سازی سلاح باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و معدوم ساختن آنها، کنوانسیون ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ در مورد ممنوعیت استفاده از بعضی سلاحهای کلاسیک خاص، کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس درباره ممنوعیت تکمیل، ساخت ذخیره سازی و استفاده از سلاحهای شیمیایی و انهدام آنها.

185. A/Res/ 31/ 72.

این کنوانسیون را می توان عکس العملی بر علیه آنچه آمریکا در جنگ ویتنام انجام داد دانست.

نک:

M. T. Okorodudu- Fubara, "Oil in the Persian Gulf war: Legal Appraisal of an Environmental warfare", *St Mary's law Journal*, 1991, p. 162 et s; J.M. LAVIEILLE, op. cit, p. 423.

برای جزئیات بیشتر در خصوص چگونگی شکل گیری این کنوانسیون نک:

G. Fischer, "La Convention sur l'interdiction d'utiliser des techniques de modification de l'environnement à des fins hostiels", *AFDI*, 1971, p. 82. et s.

کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو تصویب شد. تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲، ۱۱۹ دولت^{۱۸۶} به عضویت این پروتکل که تنها به روی اعضای کنوانسیونهای ۱۹۴۹ باز است درآمده اند. موادی که از این پروتکل به صورت خاص به حفاظت از محیط زیست پرداخته اند مواد ۳ و ۳۵ و ۵۵ هستند.

پس از اعلام «قاعده بنیادین» محدودیت متخصصین در استفاده از وسایل و متدهای جنگی در بند ۱، بند ۳ ماده ۳۵ - که در فصل وسایل و متدهای جنگ است - مقرر می دارد:

«استفاده از روشها و وسایل جنگی که برای ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی ساخته شده اند یا احتمال دارد چنین خساراتی را وارد نمایند ممنوع است».

از جانب دیگر ماده ۵۵ این پروتکل که در فصل چهارم تحت عنوان حفاظت از مردم غیر نظامی است در عباراتی تقریباً مشابه اعلام می دارد:

«۱. در جنگ به گونه ای رفتار می گردد که از محیط زیست طبیعی در مقابل خسارات گسترده، پایدار و شدید حفاظت شود، این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روشها و وسایل جنگی می شود که برای ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست ساخته شده اند یا احتمال دارد چنین خساراتی را وارد نمایند.

۲. حمله علیه محیط زیست طبیعی به عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع

است».

همچنانکه مشاهده می شود این مواد در قالبهای مشابه و یا نزدیک بهم تدوین یافته اند. سؤالی که مطرح می گردد این است که آیا این قواعد محتوای یکسان داشته و تکرار آنها زائد است یا اینکه دارای دامنه و قلمرو یکسان نبوده و مکمل یکدیگرند.

به نظر می رسد فکر حفاظت از محیط زیست طبیعی اولین بار در جریان کنفرانس کارشناسان صلیب سرخ در وین در اجلاس ۲۱ مارس

۱۹۷۲ مطرح گردیده است.^{۱۸۷} علیرغم پیشنهادات مختلف، طرح کمیته بین المللی صلیب سرخ که مبنای کار کنفرانس دیپلماتیک قرار گرفت حاوی هیچ مقرراتی درخصوص حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ نبود.^{۱۸۸} با شروع کار کنفرانس دیپلماتیک در مورد تأیید و توسعه حقوق بین الملل بشردوستانه در ۱۹۷۴، هیأت‌های نمایندگی چند کشور^{۱۸۹} دوباره این مسأله را مطرح و پیشنهادات مختلفی عرضه گردید.^{۱۹۰} نهایتاً، گروه کاری غیررسمی تحت عنوان «گروه Biotope» تشکیل شد که مواد ۳۵ و ۵۵ را پیشنهاد نمود. متن پیشنهادی گروه Biotope بدین ترتیب بود: «استفاده از روشها و وسایل جنگی که به محیط زیست به گونه ای صدمه وارد آورد که ثبات اکوسیستم را مختل نماید ممنوع است». ولی به علت مخالفت بعضی از نمایندگان، هرگونه ارجاع به اکوسیستم حذف و عبارات «خسارات گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست طبیعی» تصویب گردید. بدین ترتیب بین پروتکل ۱۹۷۷ و کنوانسیون ENMOD هماهنگی برقرار شد. در واقع در بهار ۱۹۷۵ همزمان با بحث در این خصوص در کنفرانس دیپلماتیک در ژنو، کنفرانس کمیته خلع سلاح (CDD) به دنبال قطعنامه شماره ۳۲۶۴ (XXIX) مجمع عمومی سازمان ملل متحد^{۱۹۱} در ژنو مشغول بررسی طرح کنوانسیون ENMOD بود و متن نهایی ماده ۱ این کنوانسیون «تکنیکهای تغییردهنده محیط زیست با اثرات گسترده، پایدار یا شدید» را - عبارتی که مورد توافق ابرقدرتها قرار گرفته بود -^{۱۹۲} ممنوع نمود.

187. G. HERCZEGH, "La protection de l'environnement naturel et le droit humanitaire", in "Etude et essais sur le droit international humanitaire et sur les principes de la croix- Rouge", op. cit, p. 126.

۱۸۸. در خصوص کارهای مقدماتی این کمیته نک:

Ibid, p. 727; "Commentaire des protocoles additionnels du 8 juin 1977 aux Conventions de Genève du 12 août 1949", op. cit, pp. 413-414.

189. Voir Actes V, pp. 1001- 101, Actes VI, pp. 100-101.

190. Voir Actes III, p. 160 (CDDH/ III/106, Par 4), p. 161 (CDDH, III, 222), P. 162 (CDDH, III, 238 et Addl).

۱۹۱. این قطعنامه در خصوص «ممنوعیت عملیات بر روی محیط زیست و آب و هوا برای اهداف نظامی

و دیگر اهداف مغایر با حفظ امنیت بین المللی، سعادت و سلامت بشر» بود.

۱۹۲. صورت جلسات CDD کاملاً مؤید این امر است. نک:

این هماهنگی به نوبه خود موجب طرح سؤالات متعددی می گردد. اولین سؤال این است که آیا این دو متن شبیه به هم دارای اثر واحد بود یا به عبارت دیگر محتوای یکسان دارند یا نه. در کنفرانس دیپلماتیک چنین سؤالی ابتداءً در خصوص شباهت عبارات مندرج در بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. پاسخ گروه "Biotope" به این سؤال چنین بود:

«گروه سعی نمود ماده ۳۵ را در ماده ۵۵ ادغام نماید. اما نظر نهایی گروه این است که این دو ماده باید جدا از یکدیگر باقی بمانند، زیرا ماده ۵۵ مربوط به حفاظت از افراد غیرنظامی است در صورتی که ماده ۳۵ در مورد ممنوعیت رنج بی مورد است».^{۱۳}

این نظر مورد تأیید هیأت‌های نمایندگی کشورهای متعددی قرار گرفت. در واقع ماده ۳۵ در چارچوب وسایل و روش‌های جنگ مطرح می گردد در حالی که هدف ماده ۵۵ («حفاظت از محیط زیست طبیعی») تضمین ادامه حیات و سلامت مردم غیرنظامی که در محیط زمان جنگ زندگی می کنند می باشد. بدین جهت این مواد دارای آثار و محتوای یکسان نمی باشند. با توجه به جنبه فرامرزی مسأله، دامنه شمول بند ۳ ماده ۳۵ وسیع تر است.

اما در خصوص سؤال اصلی یعنی رابطه بین کنوانسیون ENMOD و این دو ماده از پروتکل، باید گفت که این مسأله در کنفرانس کمیته خلع سلاح (CCD) مطرح گردید و نماینده آمریکا به صراحت به آن پاسخ منفی داد. به عقیده او هدف پروتکل حفاظت از محیط زیست طبیعی بر علیه خسارات ناشی از استفاده از سلاح (هر سلاحی) می باشد در حالی که هدف کنفرانس ENMDD جلوگیری از استفاده از محیط زیست به عنوان سلاح است. قلمرو اجرای پروتکل فقط مخاصمات مسلحانه است در حالی که

A/31/27, p. 69 (par. 273), p. 74 (par. 299), p. 103 (par. 71).

193. CDDH, 111/GT/35, p. 3/par. 10

قلمرو اجرای کنوانسیون وسیع تر بوده و شامل ممنوعیت بکارگیری تکنیکهای تغییردهنده محیط زیست برای هدفهای نظامی یا هدفهای خصمانه دیگر است خواه در حالت جنگ و خواه در حالتی که از هیچ گونه سلاحی استفاده نشده است. این نقطه نظرات مورد اعتراض قرار نگرفت، هر چند بعضی از کشورها اظهار تأسف نمودند که چرا بکار بردن عباراتی یکسان یا مشابه در مورد این نکته مهم باید امکان تفکیک را سخت و دشوار نماید. به هر حال مسلم است که کنوانسیون ENMOD از این جهت قلمرو اجرایی وسیع تری از پروتکل دارد.

به علاوه باید توجه نمود که ممنوعیت مندرج در کنوانسیون ENMOD مربوط به «تکنیکهای تغییر محیط زیست» برای اهداف خصمانه و یا قصد^{۱۹۴} اضرار به یکی از دولتهای عضو می شود. اما این کنوانسیون شامل صدمات مستقیم وارده به محیط زیست نمی شود، در حالی که برخلاف آن، پروتکل ورود خسارت به محیط زیست طبیعی را به هر وسیله خواه به صورت مستقیم و خواه به صورت غیرمستقیم ممنوع می نماید. در پروتکل اصطلاح «محیط زیست طبیعی» بکار رفته در صورتی که کنوانسیون به ذکر «محیط زیست» که فراگیرتر است اکتفا نموده است. براساس گزارش گروه کار غیررسمی کنفرانس دیپلماتیک، منظور از محیط زیست طبیعی «شرایط و عواملی است که بر حیات، توسعه و ادامه حیات مردم غیرنظامی و موجودات زنده اثر می گذارند».^{۱۹۵} اگرچه عبارت «اختلال در ثبات اکوسیستم» از مواد پروتکل حذف گردید ولی «محیط زیست طبیعی» همان رابطه تفکیک ناپذیر بین موجودات زنده و طبیعت بی جان را در بر می گیرد. آنچه در پروتکل مورد نظر است عدم تفکیک افراد مورد حمایت از امکاناتی است که محیط زیست طبیعی برای ادامه حیات در اختیار آنها قرار می دهد. بدین جهت جنگ اکولوژیک یا عملیات نظامی که هدف آنها فی نفسه محیط زیست است ممنوع می گردد.

اگرچه این مواد محتوای یکسان ندارد اما برخلاف نگرانی ابتدایی

194. Fischer, op. cit, p. 828; Kiss, "Les protocoles additionnels...", op. cit, p. 187.

195. CDDH, III, GT / 35, pp. 1-2, par 5.

بعضیها، با یکدیگر تعارضی هم ندارند. دلیل نگرانی مزبور این است که کنوانسیون ENMOD فی نفسه تغییرات محیط زیست، اثرات گسترده، پایدار یا شدید را ممنوع نمی نماید. "تغییرات وقتی ممنوع می شوند که هدف از آن ورود خسارت به یک دولت عضو دیگر باشد، در حالی که پروتکل استفاده از کلیه وسایلی را که می تواند موجب خسارات گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست طبیعی شود ممنوع می نماید. همانطور که در سطور بالا دیدیم در جملات مشابه هدفهای متفاوت دنبال می شوند. علی رغم امکان ایجاد چنین ابهامی، باید گفت که در عوض این قواعد در زمان مخاصمات مسلحانه مکمل یکدیگر هستند و احتمالاً یکی از دلایل استفاده از عبارات مشابه همین مسأله بوده است. اما مشکل دیگری که مطرح می گردد این است که در کنوانسیون ENMOD و پروتکل کلمات یکسان معنای یکسان ندارند.

در کنفرانس ENMOD منظور از واژه گسترده «مساحتی بالغ بر چند کیلومتر مربع» است، در حالی که در پروتکل «خسارات وارده بر میدان نبرد در جنگ کلاسیک شامل ممنوعیت نمی شود». در کنوانسیون واژه پایدار به معنی «یک دوره چند ماهه یا حدوداً یک فصل» است، در حالی که در پروتکل یک دوره حداقل ده ساله مورد نظر است؛ منظور از کلمه شدید در کنفرانس آن است «که موجب اختلال یا خسارت جدی یا قابل توجه بر حیات انسان، منابع طبیعی و اکولوژیک یا دیگر ثروتها شود»، در صورتی که در پروتکل خسارت شدید خسارتی است که در دراز مدت ادامه حیات افراد غیرنظامی را به خطر انداخته یا مشکل سلامتی شدید برای آنها ایجاد نماید. "بنابراین کنوانسیون ENMOD در زمان صلح و در زمان جنگ، استفاده از تکنیکی را که بتواند مثلاً با تغییر آب و هوا برای مدت طولانی (چند ماه) موجب خسارت به یکی از کشورهای عضو گردد ممنوع

۱۹۶. ممنوعیت شامل تغییرات محیط زیست برای اهداف صلح جویانه نمی شود (ماده ۳ کنوانسیون).

۱۹۷. در خصوص معنای هر یک از اوصاف سه گانه در کنوانسیون ENMOD و پروتکل به ترتیب نک:

توافقنامه تفسیری در مورد ماده ۱، مندرج در گزارش کنفرانس کمیته صلح خلع سلاح (CDD) به مجمع

می نماید.^{۱۹۸} در حالی که پروتکل فقط در زمان جنگ ایجاد هرگونه تغییر پایدار (بیش از ده سال) خواه با وسایل مستقیم یا غیرمستقیم را ممنوع می نماید. نکته دیگر اینکه، در کنوانسیون ENMOD تحقق هر یک از شرایط سه گانه کافی است در صورتی که در بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ تحقق هر سه شرط با هم ضروری است.^{۱۹۹}

جنگ ژئوپولیتیک^{۲۰۰} و جنگ اکولوژیک^{۲۰۱} دو وجه یک قضیه اند. اولی به وسیله کنوانسیون ENMOD، که سندی مربوط به خلع سلاح و معتبر برای زمان صلح و زمان جنگ می باشد، منع می گردد و دومی به وسیله پروتکل الحاقی که، سندی مربوط به حقوق بشردوستانه است - به صورتی مطلق بدون توجه به عمدی یا غیرعمدی بودن آن، بدون توجه به اینکه مثلاً از سلاح شیمیایی استفاده گردیده یا از سلاحی که نهایتاً همان نتایج را در منطقه ای وسیع، مسکونی یا غیرمسکونی، به بار می آورد، بدون نیاز به اینکه خسارت متوجه مردم یا حیات وحش دشمن گردد و فقط فی نفسه برای حفاظت از محیط زیست - ممنوع می شود.

پس از بررسی قواعد موجود حقوقی برای حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ لازم است به صورت مختصر به اصول مندرج در اسناد بین المللی غیرالزام آور و کوششهای کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد برای تدوین و توسعه حقوق بین الملل در این زمینه بپردازیم.

عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۱۹۷۶ (A/ 31/ 27)، نیویورک ۱۹۷۶، ص ۹۱-۹۲. متن توافقنامه های تفسیری در:

Schindler and Toman, "The laws of Armed conflicts", Dordrecht, Martinus Nijhoff, Henry-Dlinant Institute, 1988, p. 163.

گزارش مخبر کنفرانس دیپلماتیک برای تأیید و توسعه حقوق بشردوستانه

Acte xv, p. 277 et CDDH/ III/GT/ 35, P. 2. Par. 6.

همچنین نک:

"Commentaire des protocoles additionnels du 8 juin 1977 aux Conventions de Genève du 12 août 1949", op. cit, p. 418, G. Herczegh, op. cit, p. 732.

۱۹۸. در خصوص کمبودهای این کنوانسیون در حفاظت از محیط زیست نک:

LAVIELLE, op. cit, pp. 427- 28.

199. Cf. Zemmari, op. cit 14; "Commentaire des protocoles...", op. cit, p. 42.

200. "Commentaire des protocoles...", op. cit, p. 682, LAVIELLE, op. cit, pp. 425- 426.

201. LAVIELLE, op. cit, p. 423-24.

III - اعلامیه استکهلم، منشور جهانی طبیعت، اعلامیه ریو

۱- اعلامیه استکهلم: ممنوعیت مندرج در اصل ۲۱ این اعلامیه (ممنوعیت وارد آوردن خسارت به محیط زیست واقع در خارج از قلمرو صلاحیت ملی) شامل فعالیتهای نظامی نیز می گردد. به علاوه مخاصمات مسلحانه مانع اجرای این قاعده - که ماهیت عرفی آن نیز غیر قابل تردید است^{۲۰۲} - در رابطه بین متخاصمین و دول ثالث نمی گردد.^{۲۰۳} اصل بیست و ششم نیز بطور کلی تخریب محیط زیست به وسیله تسلیحات هسته ای و دیگر وسایل تخریب جمعی را محکوم می نماید.

۲- منشور جهانی طبیعت: اصل ۲۰ این منشور اعلام می دارد که:
«از فعالیتهای نظامی مضر برای طبیعت باید اجتناب شود».

اصل ۵ آن نیز مقرر می دارد:

«طبیعت از خسارات ناشی از جنگ و اعمال خصمانه محافظت خواهد شد».

اصول فوق منتج از اصل اساسی «وظیفه محافظت از محیط زیست بطور کلی» است.^{۲۰۴}

۳- اعلامیه ریو: اصل بیست و چهارم این اعلامیه اعلام می دارد: «جنگ

202. "La protection de l'environnement en temps de conflit armé", communauté européenne, op. cit, p. 24, ph. Antoine, "Droit international humanitaire et protection de l'environnement en cas de conflit armé", Revue internationale de la Croix- Rouge, 1992, n° 798, p. 539.

203. "La protection de l'environnement en temps de conflit armé", Communauté européenne, op. cit, p. 118, AMIR ARJOMAND, "Les droits de l'Iran dans le golfe Persique: l'application des règles du droit international de la mer en temps de paix et en temps de conflit armé", strasbourg, 1990, p. 295.

۲۰۴. علیرغم استناد مستمر به این اصل در عملکرد بین المللی، این قاعده هنوز به صورت قطعی ماهیت

عرفی پیدا ننموده است. برای بررسی کامل در این خصوص نگ:

"La protection de l'environnement en temps de conflit armé" communauté européenne, op. cit, pp, 25-30.

اثری ذاتاً مخرب بر توسعه پایدار دارد. لذا، دولتها باید حقوق بین الملل حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه را رعایت نموده و در صورت نیاز در جهت توسعه آن مشارکت نمایند». در ضمن بند الف، ۶، ۳۹ آژاندا ۲۱ نیز به حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه اشاره می نماید.^{۲۰۵}

کمیسیون حقوق بین الملل برای تدوین و توسعه حقوق بین الملل

ماده ۱۹ طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسؤولیت دولتها - در این ماده آمده است:

«جنایت جنگی می تواند بویژه ناشی شود از: نقض شدید یک تعهد بین المللی با اهمیت اساسی برای سالم نگاه داشتن و حفاظت از محیط زیست انسانی، مانند ممنوعیت آلودگی گسترده جو یا دریاها».^{۲۰۶}

لازم به یادآوری است که ممنوعیت مندرج در این ماده ممنوعیت کلی است و آلودگی جو یا دریاها تنها به عنوان مثال ذکر گردیده است. البته وجود دو شرط ضروری است: ۱. نقض تعهد شدید ۲. تعهد بین المللی نقض شده دارای اهمیت اساسی برای حفاظت از محیط زیست باشد. کدجنایت علیه صلح و امنیت بشریت- ماده ۲۲ طرح این کد که به تصویب کمیسیون حقوق بین الملل رسیده است مقرر می دارد:

۱. هر فردی که مرتکب یک جرم فوق العاده وخیم شود یا دستور ارتکاب آن را صادر نماید، پس از احراز مجرمیت در قبال چنین عملی [به...] محکوم خواهد شد.

۲۰۵. در خصوص مباحث مربوط به حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ در کمیته تدارکی کنفرانس و در طی خود کنفرانس ریو نک:

Antoine BOVIER, "Travaux récents relatifs à la protection de l'environnement an période de conflits armés", Revue International de la Croix- Rouge, 1992, n° 798, pp. 582-585.
206. ACDI, 1979, VOL II, parti II, p. 89.

۲. در این مجموعه مقررات، منظور از جرم جنگی فوق العاده وخیم، نقص فوق العاده وخیم اصول و قواعد حقوق بین الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه است که یکی از اعمال مشروح زیر در بر گیرد....

الف. ...

ب.

ج. استفاده از روشها و وسایل جنگی که برای ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی ساخته شده اند یا احتمال دارد چنین خساراتی را وارد نمایند».

چنانچه مشاهده می شود عبارت فوق دقیقاً عبارات ماده ۳ و ۳۵ پروتکل الحاقی اول است. این کد در ماده ۲۶ خود نیز به مسأله حفاظت از محیط زیست پرداخته است:

ماده ۲۶. خسارتهای عمدی و شدید به محیط زیست: «هر فردی که خود عمداً موجب ورود خسارات گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست طبیعی گردد یا دستور دهد تا چنین خساراتی توسط فرد دیگری وارد شود، پس از احراز مجرمیت او در قبال چنین عملی [به...] محکوم خواهد شد».

در اینجا نیز مانند پروتکل اول، محیط زیست طبیعی به صورت وسیع مورد نظر بوده است: «محیطی که انسان در آن زندگی و رشد می کند همچنین فضایی که حفاظت از آن برای حمایت از این محیط اهمیت اساسی دارد.»^{۲۰۷} اما در این ماده اوصاف گسترده، پایدار و شدید مشکل جدیدی را ایجاد می نماید. زیرا پایدار و دراز مدت بودن خسارت وارده یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است. حال این سؤال مطرح می شود که زمان تشخیص پایدار بودن خسارت چه موقع می باشد. در بدو ورود خسارت یا قبل از آغاز تعقیب جزایی؟

دومین نکته این است که ماده ۲۲ بکارگیری «روشها و وسایل جنگی...» را ممنوع می نماید در حالی که ماده ۲۶ ورود خسارت عمدی را

۲۰۷. گزارش کمیسیون حقوق بین الملل به مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

قابل مجازات می‌داند. بهر حال قید «عمدی» دامنه شمول این ماده را بسیار محدود می‌نماید. نکته آخر اینکه، ماده ۲۲ هم «استفاده از روشها و وسایلی را که برای ایجاد خسارات... در محیط زیست ساخته شده‌اند» و هم «روشها و وسایلی را که احتمال دارد چنین خساراتی را وارد نمایند (می‌توان انتظار داشت دارای چنین اثراتی باشند)» جرم می‌داند در حالی که ماده ۲۶ فقط برای مورد اول مجازات تعیین می‌نماید. با توجه به آنچه گذشت، بازبینی و اصلاح عبارت مواد فوق الذکر برای رفع ابهامات موجود لازم به نظر می‌رسد.

طرح کنوانسیون در مورد حقوق مربوط به استفاده از مجاری آب برای اهدافی غیر از کشتیرانی- ماده ۲۹ این طرح به مسأله مخاصمات توجه نموده و مقرر می‌دارد: «مجاری آب بین المللی و تأسیسات... از حمایت مقرر در اصول و قواعد حقوق بین الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه بین المللی و داخلی بهره‌مند می‌گردند و در تخلف از این قواعد و اصول مورد استفاده قرار نخواهند گرفت».^{۲۰۸}

نفس توجه به حالت مخاصمات مسلحانه در چنین سندی از اهمیت خاص برخوردار است و نشان می‌دهد که توسعه حقوق بین الملل در زمینه‌های مختلف با عنایت به جنبه‌های زیست محیطی صورت می‌گیرد. پس از دومین جنگ خلیج فارس و خسارات شدید وارده به محیط زیست منطقه، مسأله حفاظت از محیط زیست در دوران مخاصمات مسلحانه مباحث متعدد و مهمی را در مجامع و سازمانهای بین المللی مطرح نمود (از جمله اجلاس کارشناسان به دعوت کمیته بین المللی صلیب سرخ،^{۲۰۹} دومین

۲۰۸. برای اطلاع بیشتر از نظریات CDI در این خصوص نگاه کنید مثلاً به:

ACDS, 1990, Première partie, vol II, p. 58-59.

۲۰۹. این اجلاس در ۲۹-۲۷ آوریل ۱۹۹۲ در ژنو برگزار گردید. برای مطالعه جزئیات بیشتر نک:

A. BOUVIER, RICR, 1992, n° 798, op. cit, p. 580-582.

کنفرانس اعضا برای بررسی اصلاح کنوانسیون ENMOD^{۲۱۰} و چهل و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد^{۲۱۱} به نظر می رسد بهترین نتیجه گیری برای مطالب عرضه شده در این بخش (حفاظت از محیط زیست در دوران مخاصمات مسلحانه) جمع بندی کوتاهی از این مباحث و فعالیتهای باشد.

با توجه به اهمیت و جدیدت مباحث، اجلاسها و فعالیتهای انجام شده، می توان گفت جامعه بین المللی به خطر مخاصمات مسلحانه و اهمیت خسارات احتمالی ناشی از آن بر محیط زیست واقف گردیده است. در مقابل قدرت تخریب عظیم ابزار جنگی موجود، لزوم اتخاذ تدابیر جدی برای حفاظت از محیط زیست کاملاً آشکار بوده و همه بر آن اتفاق نظر دارند. اما عقیده کلی بر این است که مشکل اصلی فقدان یا عدم کفایت قواعد حقوقی نیست بلکه عدم رعایت و اجرای صحیح آنها می باشد. لذا بیشتر باید بر ترویج قواعد موجود بین دولتها و بکار بستن آنها به کمک مکانیزم کنونی و در عین حال جستجوی مکانیزمهای جدید تأکید نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲۱۰. ماده ۸ این کنوانسیون تشکیل کنفرانسهای ادواری برای بررسی مجدد و پیشنهاد برای اصلاح آن را پیش بینی می نماید. اولین کنفرانس بررسی در سپتامبر ۱۹۸۴ در ژنو تشکیل گردید.

(ENMOD/CONF II, 3août 1992, pp. 18-23). دومین کنفرانس بررسی از ۱۴ تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۳ در ژنو با حضور ۴۰ کشور عضو و ۱۰ دولت ناظر تشکیل شد. با توجه به عدم قابلیت اجرای کنوانسیون به خساراتی از نوع آنچه در جنگ خلیج فارس رخ داد، برخی از هیاتهای نمایندگی خواستار گسترش دامنه شمول کنوانسیون برای انطباق با واقعیتهای کنونی گردیدند (برای گزارشی مختصر از این کنفرانس نک: DOC/ ENMOD/ CONF II/ 11 du 17. Septembre 1992, part II, pp. 9-14).

۲۱۱. به موجب تصمیم ۴۶/۴۱۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در اجلاس چهل و ششم این مجمع در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ اتخاذ گردید بیست و ششمین کنفرانس بین الملل صلیب سرخ و هلال احمر مسؤول بررسی مسأله حفاظت از محیط زیست شدند. صلیب سرخ جهانی گزارشی در این مورد به چهل و هفتمین اجلاس مجمع عمومی تقدیم نمود که از ۱ تا ۶ اکتبر ۱۹۹۲ در کمیسیون حقوقی آن (کمیسیون ششم) مورد بررسی قرار گرفت.

نتیجه

حقوق بین الملل محیط زیست در وضعیتی اضطراری و تحت تأثیر فشار جامعه علمی و افکار عمومی جهانی بوجود آمد. توجه جامعه بشری به وظیفه خود در حفاظت از محیط زیست تازگی دارد ولی سرعت نظام حقوقی بین المللی برای مقابله با این چالش جدید و وضع مجموعه قواعدی که موضوع آن حفاظت از محیط زیست در قلمرو صلاحیت ملی دولتها و خارج از این محدوده باشد، حتی در مقایسه با مسائلی چون حمایت بین المللی از حقوق بشر و توسعه کشورهای فقیر که قبل از محیط زیست مطرح شده اند، بی نظیر می باشد. حقوق محیط زیست در طی رشد سریع خود در توسعه حقوق بین الملل و تحول بعضی از مفاهیم بنیادین آن نقش مهمی را ایفا نموده است، به عنوان مثال اصل «مسؤولیت مشترک ولی متفاوت» که در حقوق بین الملل محیط زیست مطرح و چنانکه دیدیم از طریق کنوانسیونهای بین المللی به قاعده ای لازم الاجرا تبدیل گردیده است، استثنایی بر اصل برابری دولتها و اصل «عمل متقابل» که از اصول سنتی و بنیادین حقوق بین الملل می باشند تلقی می گردد.

در قلب تقابل و تعارض بین منافع خاص و منافع عام و عمومی، حفاظت از محیط زیست جایگاه ویژه ای در جمع حقوق بنیادین بشر یافته است. حقوق بین الملل محیط زیست در نیمه راه و علی رغم تمام کاستی هایش هم اکنون حقوق همبستگی و آشتی تلقی می گردد [آشتی بین توسعه و محیط زیست، آشتی بین شاخه های مختلف علوم (شیمی، فیزیک...)]، آشتی بین رشته های مختلف حقوق]. در سطح بین الملل آشتی بین حقوق توسعه و حقوق محیط زیست در مدت زمانی نسبتاً کوتاه حاکی از تحولی اساسی در روحیات و دیدگاهها می باشد. در حالی که در گذشته ای نه چندان دور عموماً حقوق محیط زیست را به عنوان کالایی لوکس منحصر به کشورهای ثروتمند در مقابل توسعه به عنوان ضرورتی حیاتی برای کشورهای جهان سوم - که صدمه به محیط زیست را توجیه

می کند - قرار می دادند، به نظر می رسد که دیگر همه پذیرفته اند که توسعه بدون حفاظت از منابع طبیعی و حفظ توان تولید کره زمین امکان پذیر نیست و باید سیاستهای زیست محیطی و توسعه را به گونه ای در یکدیگر ادغام نمود که نیازهای همه برای نسلهای حاضر و آینده بصورتی متعادل برآورده شود. ظهور حقوق بین الملل پایدار حاصل چنین فرایندی است.

قسمت اعظم حقوق بین الملل محیط زیست متشکل از قواعد قراردادی است، ولی قواعد عرفی، اصول کلی و خصوصاً قطعنامه های سازمانهای بین المللی نیز دارای جایگاه ویژه ای هستند. بخش قابل توجهی از این سه منبع اخیر حقوق مشترکی را تشکیل می دهند که غالباً مبتنی بر اصول حقوق بین الملل عام می باشند. البته بعضی از مقرراتی که مرتباً در معاهدات آورده می شوند را نیز می توان جزئی از حقوق مشترک تلقی نمود. حقوق بین الملل ابتداءً حفاظت از محیط زیست را بصورت بخشی (آب، خاک...) و به عنوان مسئله ای مربوط به تعارض دو حاکمیت در نظر می گرفت. ویژگی این دسته از قواعد، متمرکز بر آلودگی های فرامرزی، در این بود که آلودگی موجود در یک بخش از طبیعت در یک کشور را هنگامی که موجب ورود خسارت به محیط زیست کشور دیگر می شد مورد توجه قرار می داد. اما در طی تحولات بعدی معلوم شد که نگاه به مشکلات و مسائل محیط زیست از این زاویه و تلاش برای حل آنها از طریق وضع قواعد حقوقی تنها قسمتی از کار است و حقوق بین الملل باید از طریق قواعد عام محیط زیست را در تمامیت خود و بصورت واحدی یکپارچه و حتی در داخل دولتها مورد حمایت قرار دهد. ایجاد هماهنگی بین این دو روش و تضمین اجرای واقعی و مؤثر قواعد حقوق بین الملل محیط زیست از مهمترین وظایف آتی حقوقدانان است که به نظر می رسد تحقق آن منوط به دو شرط باشد: اول، تصویب یک کنوانسیون عام در خصوص حفاظت از محیط زیست و استفاده پایدار از منابع طبیعی، نظیر آنچه کمیسیون حقوقی

UICN بر روی آن کار می کند^{۲۱۲} که در کنفرانس ریو چندان مورد عنایت قرار نگرفت. دوم، ایجاد هماهنگی بین سازمانها و نهادهای بین الملل موجودی که در زمینه محیط زیست و توسعه فعالیت دارند و احتمالاً ایجاد یک نهاد یا سازمان بین المللی جدید با اختیارات عام و گسترده که بر اجرای مؤثر این قواعد کنترل داشته باشد.



۲۱۲. طرح «میثاق حفاظت از محیط زیست و استفاده پایدار از منابع طبیعی» پس از بیان اصول بنیادین و تکالیف عمومی، تقریباً به کلیه مسائلی که امروزه در خصوص محیط زیست مطرح است می پردازد (ادغام سیاستهای محیط زیست و توسعه، اطلاع و مشارکت عمومی، برآورد زیست محیطی از تأثیرات فعالیتهای مختلف انسانی، فعالیتهای نظامی، منابع خاص: حفاظت از خاک، تنوع بیولوژیکی، آبهای شیرین، منابع کانی، پیشگیری از آلودگی، وضعیت اضطراری، مسؤولیت و جبران خسارت).

ضمیمه ۱

اعلامیه کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست استکهلم ۵ الی ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲^{۲۱۳}

۱- کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست

پس از بررسی ضرورت تصویب مفهوم و اصول مشترکی الهام بخش و حاوی کوششهای مردم جهان به منظور حفاظت و بهبود محیط زیست باشد. اعلام می دارد:

۱. انسان مخلوق و در عین حال سازنده محیط زیست خود است که بقای فیزیکی، او را تضمین نموده و به او فرصت رشد فکری، اخلاقی، اجتماعی و روحی می دهد. در تکامل طولانی و دشوار نژاد بشر بر روی زمین، مرحله ای فرا رسیده است که در آن انسان قدرت تغییر محیط زیست خود را به یاری و پیشرفت هرچه سریع تر علوم و تکنولوژی، به طرق بی شمار و به مقیاس غیرقابل پیش بینی، به دست آورده است. هر دو جنبه محیط زیست طبیعی و مصنوع انسان، برای رفاه او و تمتع از حقوق بنیادیش، از جمله حق به زندگی ضروری است.
۲. حمایت از محیط زیست و بهبود آن موضوع بسیار مهمی است که بر رفاه افراد و توسعه اقتصادی در سراسر جهان اثر می گذارد، تحقق آن آرزوی مبرم مردم سراسر جهان و وظیفه دولتها است.
۳. انسان باید دائماً تجربه اندوزی کرده به اکتشاف، اختراع، ابداع و پیشرفت ادامه دهد. در عصر ما قدرت انسان برای دگرگون سازی محیطی که در آن زندگی می کند، اگر عاقلانه بکار رود می تواند برای همه مردم مزایای توسعه و امکان بهبود کیفیت زندگی را به ارمغان آورد و اگر بهره برداری از آن با سوء استفاده یا بی توجهی همراه باشد، همان قدرت

۲۱۳. ترجمه حاضر از متن اعلامیه را براساس متن فرانسوی آن (A/conf. 48/14, pp. 2-8) انجام داده ایم.

می تواند صدمات بی شماری به افراد بشر و محیط زیست وارد سازد. در برابر چشمان ما، در بسیاری از مناطق زمین، نشانه های خسارات، تخریب و انهدام محیط زیست به وسیله انسان افزایش می یابد سطوح خطرناک آلودگی در آب، هوا، زمین و موجودات زنده، اختلالات عمیق و تأسف انگیز و نامطلوبی در تعادل بوم شناختی زیست کره، تخریب و تهی سازی منابع غیر قابل جایگزین، نهایتاً کمبودهای شدید مضر برای سلامتی جسمانی، روانی و اجتماعی انسان، در محیط زیست مصنوع بشر به ویژه محیط کار و زندگی وی ملاحظه می شوند.

۴. در کشورهای در حال توسعه، بسیاری از مسائل محیط زیست از کمی توسعه ناشی می شوند. میلیونها انسان در سطحی پایین تر از آنچه شایسته زندگی انسانی است، محروم از غذا، لباس، مسکن، سلامتی و بهداشت ضروری، به زندگی ادامه می دهند. بنابراین کشورهای در حال توسعه باید با در نظر گرفتن اولویتهای خود و ضرورت حفاظت و بهبود محیط زیست، تلاش خود را در جهت توسعه معطوف سازند. در کشورهای صنعتی، مشکلات محیط زیست عموماً به صنعتی کردن و توسعه تکنولوژی مربوط می شوند. به همین منظور کشورهای صنعتی باید کوشش کنند که فاصله بین خود و کشورهای در حال توسعه را کاهش دهند.

۵. رشد طبیعی جمعیت دائماً مشکلات جدیدی را برای حفاظت از محیط زیست به وجود می آورد و باید برحسب نیاز سیاستها و اقدامات مناسب برای مقابله با این مشکلات اتخاذ گردند. انسانها از هر چیزی در دنیا با ارزش تر هستند. این مردم هستند که پیشرفت اجتماع را تحرک می بخشند و ثروت اجتماعی تولید می کنند، علوم و تکنولوژی را توسعه می بخشند و با سختکوشی خود محیط زیست را دائماً تغییر می دهند. با پیشرفت اجتماع و تکامل تولید و علوم و تکنولوژی، ظرفیت انسان برای بهبود محیط زیست روز به روز تقویت می شود.

۶. ما در مرحله ای از تاریخ قرار گرفته ایم که باید فعالیتهای خود را در سراسر جهان بیش از پیش با دقت به پی آمدهای محیط زیستی آنها

جهت دهیم. بر اثر جهل یا بی مبالاتی ممکن است خسارات عمده و غیر قابل ترمیمی به محیط زیست زمین که حیات و رفاه انسان به آن بستگی دارد وارد گردد. بالعکس می توان با تعمیق دانش خود و رفتاری عاقلانه تر در محیط زیستی که با احتیاجات و معنویات بشری منطبق تر است زندگی بهتری برای خود و آیندگان فراهم آوریم. چشم اندازهای وسیعی برای بهبود کیفیت محیط زیست و ایجاد یک زندگی سعادتمند وجود دارد. آنچه لازم است اشتیاق همراه با خونسردی، فعالیت شدید ولی نظام یافته می باشد. برای تمتع آزادانه از نعم طبیعت، انسان باید دانش خود را به کمک طبیعت، برای ساختن محیط زیست بهتر بکار ببرد. دفاع از محیط زیست و بهبود آن برای نسلهای حال و آینده هدفی دارای اولویت برای بشریت است، وظیفه ای که تحقق آن باید هم آهنگ و هم گام با تحقق اهداف بنیادین صلح و توسعه اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان که قبلاً معین شده اند صورت گیرد.

۷. دستیابی به این هدف مستلزم قبول مسؤولیت از جانب همه - شهروندان و اجتماعات، مؤسسات و نهادها، در تمام سطوح - و تقسیم عادلانه کارها و وظایف است. افراد از هر قشری (در هر شرایطی) و سازمانهای کاملاً متنوع می توانند به یاری ارزشهایی که پذیرفته اند و مجموع اعمال خود محیط زیست فرد را بسازند. مقامات محلی و دولتها مسؤولیت اصلی سیاستها و اقداماتی را که باید در زمینه محیط زیست در محدوده تحت صلاحیت آنها انجام شوند برعهده دارند. همکاری بین المللی برای گردآوری منابع لازم جهت کمک به کشورهای در حال توسعه به منظور ایفاء تعهدات خود در زمینه محیط زیست از ضرورت کمتری برخوردار نیست و شمار فزاینده ای از مسائل محیط زیست، که دارای ابعاد منطقه ای یا جهانی یا مربوط به قلمرو بین المللی مشترک می باشند، همکاری گسترده بین کشورها و اقدامات سازمانهای بین المللی در جهت منابع همه را ضروری می دارد. کنفرانس از دولتها و مردم درخواست می نماید به منظور حفاظت و بهبود محیط زیست در جهت منابع

مردم و نسلهای آینده به تلاشهای خود وحدت بخشند.

II- اصول

این اعتقاد مشترک را بیان می نماید که:

اصل اول: انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادتمندانه را بدهد، برخوردار است. او رسماً مسؤولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسلهای حاضر و آینده را بر عهده دارد. در این رابطه سیاستهای مشوق و تداوم دهنده به آپارتاید، جدایی طلبی نژادی، تبعیض، استعمار و دیگر اشکال ظلم و تسلط خارجی محکوم بوده و باید از بین بروند.

اصل دوم: منابع طبیعی کره زمین از جمله هوا، آب، زمین، گیاهان و حیوانات، و مخصوصاً نمونه های معرف اکوسیستمهای طبیعی باید به نفع نسلهای حاضر و آینده، برحسب نیاز با برنامه ریزی یا مدیریت دقیق حفاظت شوند.

اصل سوم: ظرفیت کره زمین برای تولید منابع اساسی قابل تجدید باید حفظ شده، هر جا ممکن باشد بازسازی گردیده یا بهبود یابد.

اصل چهارم: بشر برای حفاظت و مدیریت عاقلانه میراث متشکل از گیاهان و جانوران وحشی و زیستگاه آنان که هم اکنون به علت وجود عوامل نامساعد به شدت در معرض تهدید قرار گرفته اند، مسؤولیتی خاص برعهده دارد. بنابراین حفاظت از طبیعت به ویژه حفاظت از گیاهان و حیوانات وحشی باید در برنامه ریزهای توسعه اقتصادی از اهمیت برخوردار باشند.

اصل پنجم: از منابع تجدیدناپذیر کره زمین باید به گونه ای بهره برداری شود که در معرض تهی شدن قرار نگرفته و همه بشریت در منافع حاصل از بهره برداری از آنها سهیم باشند.

اصل ششم: تخلیه مواد سمی و یا مواد دیگر و انتشار گرما به میزان یا تراکمی که محیط زیست نتواند اثرات آن را خنثی کند باید متوقف شود تا اطمینان حاصل گردد که صدمه شدید یا ترمیم ناپذیری به اکوسیستم وارد نمی شود. مبارزه بر حق مردم همه کشورها بر ضد آلودگی باید تشویق گردد.

اصل هفتم: دولتها باید، برای جلوگیری از آلودگی دریاها با موادی که سلامت انسان را در معرض خطر قرار می دهند، به منابع جاندار و حیات موجودات دریایی صدمه می زنند، به آرایش طبیعی دریا لطمه زده یا به دیگر استفاده های مشروع از آن آسیب وارد می آورند، کلیه تدابیر ممکن را اتخاذ نمایند.

اصل هشتم: توسعه اقتصادی و اجتماعی برای تضمین محیط زیستی مناسب جهت زندگی و محیط کار انسان و ایجاد شرایط ضروری برای بهبود کیفیت زندگی لازم است.

اصل نهم: نقایض محیط زیست بر اثر شرایط ناشی از کمی توسعه و بلایای طبیعی مشکلات وخیمی را ایجاد نموده اند و بهترین راه درمان آن تشدید توسعه از طریق انتقال کمکهای مالی و فنی قابل توجه برای تکمیل تلاش ملی کشورهای در حال توسعه و عرصه کمکهای مورد نیاز می باشد.

اصل دهم: برای کشورهای در حال توسعه، ثبات قیمتها و پرداخت بهای مکفی در قبال تولیدات پایه و مواد اولیه برای مدیریت محیط زیست اهمیت اساسی دارد، عوامل اقتصادی همچون فرآیندهای بوم شناختی باید به حساب آید.

اصل یازدهم: سیاستهای ملی در مورد محیط زیست می بایستی ظرفیت پیشرفت کنونی و آینده کشورهای در حال توسعه را تقویت نماید و نه اینکه آن را تضعیف کرده یا مانع ایجاد شرایط بهتر زندگی برای همه شود. دولتها و سازمانهای بین المللی می بایستی تدابیر ضروری برای توافق در مورد وسایل مقابله با عواقب اقتصادی که بکار بستن تدابیر حفاظت از محیط زیست می توانند در سطوح ملی و بین المللی به همراه داشته باشند،

اتخاذ نمایند.

اصل دوازدهم: با توجه به شرایط و نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه و مخارج احتمالی ناشی از گنجاندن تدابیر مربوط به حفاظت از محیط زیست در برنامه توسعه اقتصادی آنها و با توجه به ضرورت ارائه کمکهای فنی و مالی بین المللی بیشتر به این کشورها، بنابر تقاضای آنها، برای تحقق هدف مذکور در فوق، می بایستی منابع لازم تأمین گردد.

اصل سیزدهم: برای منطقی نمودن مدیریت منابع و بهبود محیط زیست از این طریق، دولتها باید روشی جامع و هم آهنگ در برنامه توسعه خود اتخاذ نمایند به نحوی که توسعه آنها با ضرورتهای پیشرفت و بهبود محیط زیست در جهت منافع مردمشان منطبق باشد.

اصل چهاردهم: برنامه ریزی منطقی، وسیله ای ضروری برای حل تعارض بین نیازهای توسعه و ضرورتهای حفاظت و بهبود محیط زیست است.

اصل پانزدهم: در هنگام برنامه ریزی برای اسکان انسانی و شهرنشینی باید مراقبت شود تا از صدمه به محیط زیست احتراز گردیده و حداکثر منافع اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی برای همه تأمین گردد. در این رابطه، طرحهایی که برای ابقای تسلط استعماری و نژادپرستی تنظیم شده اند باید کنار گذاشته شوند.

اصل شانزدهم: در مناطقی که نرخ رشد جمعیت و یا تراکم زیاده از حد آن می تواند اثری نامساعد بر محیط زیست یا توسعه داشته باشد، و در مناطقی که کمی تراکم جمعیت ممکن است از بهبود محیط زیست جلوگیری کند یا مانع توسعه گردد، می بایستی سیاستهای جمعیتی را اجرا نمود که حقوق بنیادین بشر را رعایت نموده و از طرف دولتهای ذیربط مناسب تشخیص داده شوند.

اصل هفدهم: به منظور بهبود کیفیت محیط زیست، لازم است نهادهای ملی مناسب، مسؤولیت برنامه ریزی، مدیریت یا تنظیم بهره برداری از منابع محیط زیست کشور را به عهده گیرند.

اصل هجدهم: برای تشخیص، اجتناب یا تحدید خطراتی که محیط

زیست را تهدید می نمایند و حل مشکلات آن و بطور کلی برای سعادت بشریت، لازم است از علم و تکنولوژی، در چارچوب سهم آنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی، بهره برد.

اصل نوزدهم: به منظور توسعه مبانی ضروری برای تنویر افکار عمومی و تفهیم مسؤولیتی که افراد، مؤسسات و جمعیتها، در خصوص حفاظت محیط زیست در تمام ابعاد انسانی آن بر عهده دارند، لازم است نسل جوان و نیز بزرگسالان، با بذل توجه کافی نسبت به انسانهایی که در وضعیت نامساعدتری قرار دارند، تحت آموزش قرار گیرند. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تنزل کیفیت محیط زیست اجتناب نموده و بالعکس به منظور فراهم نمودن امکان توسعه انسان در تمام زمینه ها، اطلاعات آموزشی در مورد ضرورت حفاظت و بهبود محیط زیست را ارائه دهند.

اصل بیستم: در تمام کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، می بایستی پژوهش علمی و فعالیتهای مربوط به پیشرفت فنی، در چارچوب مسایل ملی و بین المللی محیط زیست، تشویق گردد. در این رابطه باید جریان آزادانه تازه ترین اطلاعات و انتقال تجربیات، به منظور حل مسائل محیط زیست، تشویق و تسهیل گردد. فنون مربوط به محیط زیست را باید با شرایطی که انتشار وسیع آنها را بدون تحمیل بار اقتصادی بر کشورهای در حال توسعه تشویق کند در اختیار این کشورها قرار داد.

اصل بیست و یکم: دولتها، برطبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهره برداری از منابعشان، مطابق سیاستهای محیط زیستی خود می باشند و مسؤولند ترتیبی دهند تا فعالیتهای انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط زیست کشورها یا مناطق خارج از محدود صلاحیت ملی آنها نگردد.

اصل بیست و دوم: دولتها باید در توسعه بیشتر حقوق بین الملل در رابطه با مسؤولیت و جبران قربانیان آلودگی و دیگر خسارات محیط زیستی،

ناشی از فعالیتهای انجام شده در مناطق واقع در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها و یا در مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی آنها، همکاری کنند.

اصل بیست و سوم: بدون لطمه نسبت به معیارهایی که ممکن است مورد قبول جامعه بین المللی قرار گیرد یا قواعدی که ممکن است در سطح ملی تصویب گردند، در تمام موارد بایستی نظامهای ارزشی حاکم بر هر کشور و قابلیت اعمال معیارهایی که برای کشورهای توسعه یافته تر قابل قبول اند ولی برای کشورهای در حال توسعه نامناسب بوده و هزینه اجتماعی غیر قابل توجیهی را در بردارند، در نظر گرفت.

اصل بیست و چهارم: موضوعات بین المللی مربوط به حفاظت و بهبود محیط زیست می بایست با روح همکاری و بر پایه مساوات به وسیله تمام کشورها، کوچک و بزرگ، مورد بررسی قرار گیرند. همکاری از طریق قراردادهای چند جانبه یا دوجانبه یا از طرق مقتضی دیگر، برای تحدید مؤثر، پیشگیری، کاهش و از بین بردن صدمات وارده بر محیط زیست در نتیجه فعالیتهای انجام شده در تمامی زمینه ها، با رعایت حاکمیت و علائق همه کشورها ضروری است.

اصل بیست و پنجم: دولتها مراقبت خواهند کرد که سازمانهای بین المللی نقش هماهنگ، مؤثر و پویایی در حفاظت و بهبود محیط زیست ایفا نمایند.

اصل بیست و ششم: انسان و محیط زیست او را باید از اثرات تسلیحات هسته ای و همه وسایل تخریب جمعی دیگر مصون داشت. دولتها باید کوشش نمایند تا در کوتاه ترین مدت، در بطن ارگانهای بین المللی مناسب، درباره حذف و نابودی کامل تسلیحات مزبور توافق حاصل نمایند.

ضمیمه ۲

«پیش طرح سومین میثاق بین الملل حقوق همبستگی»^{۲۱۲}

مقدمه

دولتهای عضو میثاق حاضر،
با توجه به اینکه صلح، توسعه، محیط زیست و میراث مشترک
بشریت از این به بعد ارزشهایی هستند جهانی که مورد شناسایی کلیه
انسانها، اقوام و ملتها قرار گرفته اند و نظر به اینکه شایسته است حقوق
مربوط به آنها به عنوان حقوق بشر شناسایی، حمایت و تحقق یابند،
با توجه به اینکه منشور سازمان ملل متحد دولتها را ملزم به همکاری
بین المللی از طریق توسعه و تشویق به رعایت حقوق بشر و آزادیهای
بنیادین برای همه بدون تبعیض از نظر نژاد، جنسیت، زبان و مذهب
می نماید،

با توجه به اینکه این همکاری بین المللی در خصوص حقوق بشر بر
صلح، توسعه، محیط زیست و میراث مشترک دارای اهمیت اساسی است
زیرا تحقق آنها جز از طریق الحاق کوششهای همبسته (متفق) همه دولتها،
افراد و دیگر اشخاص عمومی و خصوصی میسر نیست،
در مورد موارد ذیل به توافق می رسند:

I- حق بر صلح...

II- حق بر توسعه...

III- حق بر محیط زیست

ماده ۱۴- هر انسان و کلیه انسانها به صورت گروهی حق دارند از

۲۱۲. ترجمه این سند را براساس متن فرانسوی آن مندرج در منبع ذیل انجام داده ایم:

"Etudes et essais sur le droit international humanitaire et sur les principes de la Croix-Rouge",
op. cit, pp. 846-850.

محیطی سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.

ماده ۱۵- دولتهای عضو متعهد می گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد کنند. صدمه ای که برای توسعه جمعی ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد قابل قبول محسوب می گردد.

ماده ۱۶- دولتهای عضو متعهد می گردند که تدابیر لازم را برای ممانعت اشخاص حقوقی از وارد آوردن صدمه شدید به شرایط طبیعی حیات و بطور کلی برای استفاده از اموال با رعایت حقوق هر فرد کلیه افراد برای داشتن محیطی سالم و از نظر زیست محیطی متعادل اتخاذ نمایند.

ماده ۱۷- هر انسان حق و امکان دارد که بدون محدودیت غیرمنطقی شخصاً یا توسط نمایندگان که آزادانه انتخاب می کند و به ویژه از طریق انجمنهایی که آزادانه تشکیل می شوند در تعیین سیاست و تدابیر ملی مربوط به محیط زیست مشارکت نموده و قبل از اجرای اقداماتی که می توانند موجب صدمه به شرایط طبیعی حیات شوند از طرف مقامات محلی مورد مشورت قرار گیرد.

ماده ۱۸- هر فردی که حق او برای داشتن محیطی سالم و از نظر زیست محیطی متعادل مورد تجاوز قرار گیرد، یا تهدیدی واقعی مبنی بر چنین تجاوزی وجود داشته باشد، حق خواهد داشت به طور مؤثر به مرجع ملی صالحه شکایت نماید حتی اگر عامل تجاوز یا تهدید به تجاوز شخصی باشد که در حال انجام وظایف قانونی خود می باشد.

ماده ۱۹- فردی که به حق او برای داشتن محیط زیستی سالم و از نظر زیست محیطی متعادل، برخلاف مقررات مواد ۱۴ تا ۱۸، تجاوز شود حق درخواست جبران خسارات را دارد.

ضمیمه ۳

اعلامیه ریو در مورد محیط زیست

با تأیید اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست مصوب ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم و تلاش برای تضمین ادامه آن، به منظور برقراری مشارکت بین المللی بر بنیادی جدید و عادلانه برای ایجاد سطوح جدید همکاری بین دولتها، بخشهای اصلی جامعه و مردم، با کوشش برای حصول توافقیهای بین المللی که علائق همه را رعایت نموده و از جامعیت نظام جهانی محیط زیست و توسعه حمایت نماید،

با شناسایی و قبول اینکه زمین، آشیانه انسان، مجموعه ای است واحد با ویژگی وابستگی متقابل، اعلام می دارد که:

اصل اول: انسانها موضوع اصلی دلمشغولیهای مربوط به توسعه پایدار می باشند. آنها حق دارند از زندگی سالم و مولد، هماهنگ با طبیعت، برخوردار باشند.

اصل دوم: دولتها، بر طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین الملل دارای حقوق حاکمه برای بهره برداری از منابعشان، مطابق سیاستهای خود در مورد محیط زیست و توسعه می باشند، و مسؤولند ترتیبی اتخاذ نمایند تا فعالیتهای انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب زیان به محیط زیست کشورها یا مناطق خارج از محدود صلاحیت ملی نگردد.

اصل سوم: حق بر توسعه باید به ترتیبی تحقق یابد که احتیاجات مربوط به توسعه و محیط زیست نسلهای حاضر و آینده را تأمین نماید.

اصل چهارم: برای دستیابی به توسعه پایدار، فرایند توسعه باید متضمن حفاظت از محیط زیست باشد و نمی تواند مجزا از آن باشد.

اصل پنجم: دولتها و مردم همه باید در راه وظیفه اساسی محو فقر، که شرطی ضروری برای توسعه پایدار است، به منظور کاهش اختلاف سطح زندگی و پاسخ بهتر به نیازهای اکثریت مردم دنیا، با یکدیگر همکاری نمایند.

اصل ششم: شرایط و نیازهای ویژه کشورهای در حال توسعه، خصوصاً کشورهایی که پیشرفت کمتری داشته اند و از نظر زیست محیطی در شرایط وخیمی هستند، آنها را از این نظر در اولویت قرار می دهد. اقدامات بین المللی در مورد محیط زیست و توسعه می بایستی همچنین با در نظر گرفتن علائق و نیازهای کلیه کشورها صورت گیرد.

اصل هفتم: دولتها باید، برای حفاظت و برقرار نمودن سلامت و جامعیت اکوسیستم زمین با روحیه ای مبنی بر مشارکت با یکدیگر همکاری نمایند. دولتها، با توجه به سهم متفاوت آنها در تنزل کیفیت محیط زیست، دارای مسؤولیتی مشترک ولی متفاوت می باشند. دولتهای توسعه یافته، با توجه به فشار جوامع آنها بر محیط زیست و با توجه به تکنولوژی و منابع مالی که در اختیار دارند، مسؤولیتی را که تلاش جهانی برای دستیابی به توسعه پایدار متوجه آنها می گرداند قبول می نمایند.

اصل هشتم: به منظور دستیابی به یک توسعه پایدار و کیفیت زندگی بالاتر برای همه مردم، دولتها می بایستی شیوه های ناسازگار تولید و مصرف را کاهش و حذف نموده و سیاستهای کنترل جمعیت مناسب را ترویج نمایند.

اصل نهم: دولتها، باید به منظور تأکید بر تقویت قابلیت های خود در جهت توسعه پایدار، با بهبود درک علمی خود از طریق تبادل دانش علمی و تکنولوژی و با تسهیل ترقی، انطباق، انتشار و انتقال تکنیکها از جمله تکنیکهای جدید و نوآور با یکدیگر همکاری نمایند.

اصل دهم: بهتر است که مسائل مربوط به محیط زیست با مشارکت کلیه شهروندان ذیربط در سطحی مطلوب مورد بررسی قرار گیرد. در سطح ملی، هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی در مورد محیط

زیست در اختیار دارند از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه، دسترسی داشته باشد و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت نمایند. دولتها باید، با دادن اطلاعات به مردم، حساسیت و مشارکت عموم را تسهیل و تشویق نمایند. دستیاری و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری، از جمله مجازات و جبران خسارت، باید تضمین گردد.

اصل یازدهم: دولتها باید قوانین مؤثری را در زمینه محیط زیست تصویب نمایند. معیارهای زیست محیطی و اهداف و اولویتهای مدیریت محیط زیست باید با توجه به مجموعه شرایط زیست محیطی و توسعه که در آن اجرا می گردند اتخاذ شوند. معیارهای اعمال شده توسط برخی از کشورها امکان دارد برای دیگر کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، مناسب نبوده و هزینه های اقتصادی و اجتماعی غیر قابل قبولی بر آنها تحمیل نمایند.

اصل دوازدهم: دولتها می بایست برای اعتلای یک نظام اقتصادی بین المللی باز و مناسب برای ایجاد رشد اقتصادی و توسعه پایدار در تمام کشورها و مبارزه بهتر بر علیه مشکلات تنزل کیفی محیط زیست با یکدیگر همکاری نمایند. مداخله دولتها در تجارت برای اهداف زیست محیطی نباید تبدیل به وسیله ای برای ایجاد تبعیض های خودسرانه و بی مورد یا محدودیتهای غیر آشکار در امر مبادلات بین المللی شود. از هرگونه عمل یک جانبه به منظور حل مشکلات مهم زیست محیطی در خارج از قلمرو صلاحیت کشور وارد کننده باید اجتناب شود. برای مبارزه با مشکلات زیست محیطی فرامرزی یا جهانی باید تا حد امکان تدابیر متخذ براساس وفاق بین المللی باشند.

اصل سیزدهم: دولتها باید قوانین ملی در خصوص مسؤولیت ناشی از صدمات ناشی از آلودگی و دیگر صدمات وارده به محیط زیست و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارات را تدوین نمایند. به علاوه دولتها باید برای تدوین مقررات بین المللی جدید در مورد مسؤولیت و پرداخت غرامت

در قبال خساراتی که در اثر فعالیتهای انجام شده در تحت صلاحیت و اقتدار آنها به مناطق واقع در خارج از قلمرو ملی ایشان وارد می آید با دقت و قاطعیت تمام با یکدیگر همکاری نمایند.

اصل چهاردهم: برای انصراف یا پیشگیری از جابجایی و نقل و انتقال هرگونه فعالیت یا موادی که موجب ورود صدمات جدی به محیط زیست می شوند یا برای سلامتی انسان مضر هستند، دولتها می بایست اقدامات خود را به صورت مؤثر با یکدیگر هماهنگ نمایند.

اصل پانزدهم: برای حفاظت از محیط زیست، دولتها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیرقابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط زیست شود.

اصل شانزدهم: مقامات ملی می بایستی در جهت بین المللی شدن هزینه های حفاظت از محیط زیست و استفاده از ابزار اقتصادی، با توجه به این امر که علی الاصول آلوده کننده باید هزینه رفع آلودگی را بپردازد، و با توجه به منافع عمومی و بدون اخلال در تجارت بین المللی و سرمایه گذاری، کوشش نمایند.

اصل هفدهم: در مورد فعالیتهایی که می توانند اثرات منفی بر محیط زیست داشته باشند و انجام آنها منوط به تصمیم یک مقام کشوری اند، بررسی در خصوص اثرات زیست محیطی مزبور، به عنوان یک تدبیر ملی، باید صورت پذیرد.

اصل هجدهم: دولتها باید فوراً هر فاجعه طبیعی یا وضعیت اضطراری دیگر را که احتمال دارد دارای اثرات مضر و غیرقابل پیش بینی بر محیط زیست دولتهای دیگر باشد به آنها اعلام نمایند. جامعه بین المللی باید تمام توان خود را برای کمک به دولتهای فاجعه دیده بکار گیرد.

اصل نوزدهم: دولتها باید قبلاً و با فاصله زمانی کافی دولتهایی را که در معرض خطر هستند مطلع نموده و کلیه اطلاعات ضروری درخصوص

فعالیهایی که می توانند دارای آثار فرامرزی منفی جدی بر محیط زیست باشند در اختیار این دولتها قرار دهند و به سرعت و با حسن نیت کامل با آنها مشورت نمایند.

اصل بیستم: زنان در مدیریت و ارج نهادن بر محیط زیست نقش حیاتی ایفا می نمایند. بنابراین مشارکت کامل آنها برای تحقق یک توسعه پایدار دارای اهمیت اساسی است.

اصل بیست و یکم: باید خلاقیت، آرمانها و جسارت جوانان تمام جهان را برای ایجاد مشارکت جهانی، بطریقی که توسعه پایدار و آینده بهتر را برای همگان تضمین نماید، بسیج نمود.

اصل بیست و دوم: مردمان و جوامع بومی و دیگر جمعیت های محلی، به جهت شناختشان از محیط و عملکرد سنتیشان، نقش حیاتی در مدیریت و توسعه محیط زیست ایفا می نمایند. دولتها باید هویت، فرهنگ و منافع آنها را شناسایی نموده و آنها را مورد حمایت ضروری قرار دهند، و به آنها اجازه دهند بطور مؤثر در تحقق یک توسعه پایدار مشارکت نمایند.

اصل بیست و سوم: محیط زیست و منابع طبیعی خلقهای تحت ظلم، سلطه و اشغال باید حفاظت شود.

اصل بیست و چهارم: جنگ ذاتاً بر توسعه پایدار اثر تخریبی دارد. بنابراین دولتها باید قواعد حقوق بین الملل در رابطه با حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه را رعایت نموده و در صورت ضرورت در توسعه آن مشارکت نمایند.

اصل بیست و پنجم: صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست وابستگی متقابل داشته و غیرقابل تجزیه می باشند.

اصل بیست و ششم: دولتها باید کلیه اختلافات خود در مورد محیط زیست را به صورت مسالمت آمیز و از طرق مناسب وفق منشور سازمان ملل متحد حل و فصل نمایند.

اصل بیست و هفتم: دولتها و مردم باید با حسن نیت و با روح همبستگی در اعمال اصول مصوب در این اعلامیه و توسعه حقوق بین الملل،

به صورتی که یک توسعه پایدار تحقق یابد، با یکدیگر همکاری نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی